

اتحاد ملی و انسجام اسلامی

در سپهر فکری امام (ره) و رهبری

سید حسین اسحاقی

بسم الله الرحمن الرحیم

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سپهر فکری امام (ره) و رهبری

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سپهر فکری امام (ره) و رهبری

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، حسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سپهر فکری امام (ره) و رهبری/حسین اسحاقی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۱۶ ص.

شابک : ۱۱۰۰۰ ریال:۹۷۸۹۶۴۵۴۰۶۴۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۱۴] - ۲۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- نظریه درباره همبستگی.

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - ، نظریه درباره همبستگی.

موضوع : وحدت اسلامی.

موضوع : همبستگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.

رده بندی کنگره : BP۲۳۳/۵ /□۸الف۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۳۰۶۳۱

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

پیشگفتار

اهـداف و آرمان‌های بشـری و جوامع بشـری، به میزان بلنـدی و بزرگی‌شان به نیرو و قـدرت بیش‌تری نیازمندند. به بیان دیگر تحقق آمال و آرزوها، تابعی از توان و قدرت فردی و اجتماعی و توزیع و بکارگیری صحیح آن است.

انسانهـا و جوامع انسـانی نـاتوان یـا کـم تـوان، کارهـا و تحولاـت بزرگ را رقـم نمی‌زننـد. بی شـک "تجمیع انسانهـا و وحـدت و یکپارچگی "یکی از شاخص‌ها و عوامل مؤثر و تعیین کننده قدرت اجتماعی به شمار می‌آید و هر اندازه که گستره و عیار آن بیشتر باشـد، امکـان انجـام کارهـای بزرگ‌تر برای یـک جامعه و یک ملت فراهم می‌آیـد. بی جهت نیست که ادیان الهی که بلنـدترین و مقـدس‌ترین اهـداف و آرمان‌هـای فردی و اجتماعی را دنبال می‌کننـد و با هـدف ایجاد تحولات بزرگ و عمیق در انسانها و جوامع انسـانی ظهـور کرده‌انـد، همواره جـامعه دینی و مومنـان را به ضـرورت و لزوم وحـدت و اتحـاد صـفوف فرا خوانـده و بر آن تـاکید ورزیده‌اند. اسلام نیز به

ص: ۱۲

عنوان دین خاتم و خاتم ادیان از این قاعده مستثنی نیست. در معارف وحیانی، آیات و روایات بسیاری به چشم می‌خورد که ضمن تقدیس و تاکید بر ضرورت وحدت و اتحاد مسلمانان، به عوامل ایجاد وحدت و آثار آن اشاره کرده و هر فکر و رفتار فردی و گروهی را که به نحوی به ایجاد اخلال و اختلال در صفوف جامعه اسلامی بیانجامد، شدیداً تخطئه کرده است.

اهمیت و جایگاه وحدت و اتحاد مسلمانان به عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی و استراتژیک اسلام به گونه‌ای است که بر بسیاری از احکام دیگر حکومت می کند و حتّی شاخص متقن برای ارزش گذاری معنوی دیگر عبادتهاست. به همین دلیل فاصله رتبه حقیقی و معنوی نماز فردی با نماز جماعت به اندازه‌ای است که مقایسه این دو با یکدیگر را ناممکن می‌سازد. از این منظر"، حج "آمیزه‌ای کامل از "وحدت و عبادت "بلکه اوج و نماد مجسم آن است.

ناگفته پیداست در شرایط کنونی که جهان کفر با تمام قدرت هجمه گسترده و بی رحمانه‌ای را علیه اسلام و مسلمانان در سراسر جهان برنامه ریزی و اجرا کرده "،وحدت و اتحاد اسلامی "از اهمیت و ضرورتی دو چندان برخوردار است. به همین منظور رهبر معظم انقلاب اسلامی سال نو را سال اتحاد و انسجام اسلامی معرفی کردند و آحاد مختلف مسلمانان را در سراسر جهان به حفظ و تقویت حریم و حرمت وحدت و طرد و تخطئه عوامل جدایی و تفرقه فرا خواندند.

"معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، "به همین منظور و در جهت تبیین فراگیر و همه سونگر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های

ص: ۱۳

حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی- آیةاللّٰه خامنه‌ای- در مقوله وحدت و اتحاد اسلامی بویژه در موسم حج، به تدوین و انتشار "وحدت و حج در سپهر فکری امام و رهبری "اقدام کرد.

امید است که مطالعه دقیق نوشتار حاضر، مخاطبان را با زوایای پنهان و آشکار این ضرورت حیاتی جهان اسلام آشنا کند و آنها را به استفاده بهینه و مطلوب از ظرفیت‌های ارزشمند و ناشناخته حج برای گسترش و تحکیم اتحاد صفوف مسلمانان توانمند سازد.

فرصت را مغتنم شمرده و در پایان، ضمن تقدیر از تلاش و تکاپوی ارزشمند محقق ارجمند آقای دکتر حسین اسحاقی، اعلام می‌دارد که معاونت آموزش و پژوهش بعثه از نقطه نظرات و نقدهای عالمانه صاحب نظران و نیز آثار ارزشمند آنان در این زمینه به گرمی استقبال می‌کند.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

پاییز ۱۳۸۶

ص:۱۴

ص: ۱۵

پگاه سخن

پگاه سخن

آن روز که خورشید نبوت در آسمان کعبه رخ نمود، کسی باور نداشت که این سفیر الهی برای بشر خفته درس‌ها و گفتنی‌های بسیار دارد.

محمدامین صلی الله علیه و آله، با ره‌توشه ایمان، عصمت و صداقت، طریق هدایت بشر را در پیش گرفت و با سر دادن ندای توحید، روح معنویت را در دل تشنگان حقیقت دمید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با درایت خویش سکان رهبری امت اسلامی را در دست گرفت و با شعار «إِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ إِخْوَةٌ.» (حجرات: ۱۰) تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان را به اتحاد و برادری تبدیل کرد. مهاجر و انصار با هم برادر شدند و زنگار کینه جاهلیت را از دل زدودند. پیامبر رحمت برای حفظ و پایداری این برادری، پیام وحی را به گوش امت رساند که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا». (آل عمران: ۱۰۳)

حال اگر باورها یکی باشد، آرمان‌ها یک افق را بنگرد و تعالی، انگیزه مشترک زیستن گردد، آن سان که باید جمعیت عظیم مسلمان آن‌گونه باشند، الفت و یک‌دلی حاکم قلب‌های بی‌شمار می‌شود. اگر

ص: ۱۶

مردمان به ریسمان محکم ایمان چنگ زنند و بر گرد تفرقه نگردند، آن‌سان که دستور صریح قرآن است، اتحاد و انسجام پرتوگستر سرزمین‌های اسلام می‌شود.

رفع اختلاف‌ها، زدودن غبار کینه‌ها و محکم کردن پیوندها و پیمان‌ها از گران قدرترین سرفصل‌های آموزه‌های اجتماعی اسلام است.

آیین اسلام که فرهنگ هم‌دلی، هم‌سویی و فریادرسی است، پیوسته به غم زدایی، دل‌جویی و صلح دادن میان مردمان توصیه می‌کند. در این فرهنگ، عالمان دین گستر و مصلحان اجتماعی که فراتر از مرز خودساختن، به دیگران پرداختن را پیشه خود دارند، ارزشی افزون‌تر از عابدان و عارفان به خود پرداخته می‌یابند و بدین گونه است که آشتی دادن میان دو تن، از نماز و روزه یک سال پاداشی فراتر می‌گیرد. این سخن امیر مهربانی حضرت علی علیه السلام است که:

به ریسمان الهی چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید. همانا من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: آشتی دادن افراد و رفع اختلاف از آنان از نماز و روزه یک سال برتر است همانا هلاک کننده و از بین برنده دین، ناسازگاری و اختلاف افراد با یکدیگر است. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۳.امروزه وحدت اسلامی به مفهوم حقیقی آن- که همه تفاوت‌های طبقاتی، نژادی، رنگی و جغرافیایی و غیره را در می‌نوردد- آرزوی مسلمانان در سرتاسر کره خاکی و ندای قرآن عزیز است و همه غیرتمندان را نهیب می‌زند که در هر کجا هستند برای تحقق اهداف آن بکوشند؛ از

ص: ۱۷

طرف دیگر نیز کابوسی است که خواب خوش استکبار جهانی را پریشان کرده و بر وحشتش می‌افزاید؛ وقتی آرزوی وحدت اسلامی چنین بلایی به سر استکبار می‌آورد می‌توان حدس زد که تحقق آن، چه مشکلاتی برایش ایجاد خواهد کرد.

اگر جهان اسلام از این سو تا آن سوی اقیانوس، با آن قدرت و نیروی بالنده و سترگی که همه اسباب بزرگی و قدرت را در خود دارد، برخیزد، می‌توان پیش‌بینی کرد که آنها، چه واکنشی نشان خواهند داد. سرزمین جهان اسلام دارای مساحتی بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر و جمعیت آن فراتر از یک میلیارد مؤمنی است که مرگ در راه خدا را عین سعادت می‌دانند؛ همچنین بیش از ۲۵۰ میلیون نفر نیروی کار کارآمد و دستان توانمند دارد و از نظر قدرت نظامی ظاهری نیز میلیون‌ها نیروی آموزش‌دیده نظامی و دارای بیش از یک‌صد بندر استراتژیک بر سواحل دریاها و اقیانوس‌های مختلف است و بر بخش عمده منابع نفتی، مس، اورانیوم و مانند آن در جهان، کنترل دارد.

در کنار این جنبه مادی، جنبه‌های معنوی عظیمی نیز در این امت وجود دارد که در رسالت بزرگ آن، یعنی آیین اسلام نهفته و حاوی کامل‌ترین پروژه حل مشکلات بشری و پایان‌بخش تناقض میان منافع فردی و منافع جامعه‌ای است که تمامی ایدئولوژی‌های بشرساخته، نه تنها در حل آن ناتوان بوده بلکه آن را تشدید نیز کرده‌اند.

آری، استکبار جهانی از چنین وحدتی که خیزش بزرگ اسلامی نویدبخش آن است، وحشت دارد و بر ما مسلمانان است که این بیم و هراس استکبار را همچنان پابرجا و حتی تشدید کنیم و بر حرکت در این

ص: ۱۸

مسیر، پای فشاریم و عزم خود را برای تحقق این وحدت بزرگ جزم کنیم؛ از این روست که انقلاب اسلامی، تحقق وحدت اسلامی را سر لوحه شعارهای خود قرار داده و با تمام توان برای تحقق آن، قدم بر می‌دارد و موانع و دشواری‌های ساخته و پرداخته استکبار برای ممانعت از تحقق آن را، از پیش پا بر می‌دارد، همه تهمت‌ها، تبلیغات زهرآگین و اقدامات مزدوران استکبار جهانی برای برانگیختن اختلاف‌های فرقه‌ای و تعصب‌های مذهبی و طایفه گرایی و هر آنچه را که قلم‌های مزدور به منظور انگیزش قوم‌گرایی ویرانگر و شعارهای ملی تفرقه‌انداز و از این قبیل رواج می‌دهند، به یک سو می‌نهد.

بر همین پایه است که رهبران انقلاب اسلامی، پیگیر این خط پرشکوه وحدت طلبانه شده با تمام توش و توان خود و در دیدارها، سخنان، نوشته‌ها، مقالات و موضع‌گیری‌هایی که در محافل فقهی و سیاسی به عمل می‌آورند و کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی که برگزار می‌کنند نیز نهادهای تخصصی که پایه‌گذاری می‌کنند، از آگاهی و درک عمیق خود از اسلام بزرگ و آشنایی با ویژگی‌های امت اسلامی و نیز وضعیتی که این امت را فرا گرفته و سرانجام توجه جهانی خویش به انسان و اسلام در هر کجا، الهام می‌گیرند.

حملات همه جانبه علیه انقلاب و رهبران آن نیز گویای کین و نفرت کفر جهانی نسبت به آنان و رسالت بزرگ جهانی است که این رهبران همواره آن را نشان داده بر آن تأکید کرده‌اند.

ما- آشکارا و با روشنی تمام- بر این باوریم که راه حقیقی ما، همان راه وحدت بزرگ اسلامی است؛ بنابراین هرگز از فراخوانی به این راه و

ص: ۱۹

لبیک گویی به فراخوان رهبر کبیر انقلاب برای تحقق این هدف بازنخواهیم ایستاد؛ و افزایش یورش آنان علیه ما، عزم ما را بیش از پیش جزم می‌کند، شکیبایی ما را بر تحمل آزار و اذیت، افزون می‌گرداند و ایمان ما را به پیروزی حتمی، راسخ‌تر می‌سازد.

ناگفته نماند هرجا که رذیلت‌ها فرصت حضور بیابند، اختلاف‌ها و کشمکش‌ها رخ عیان می‌کنند. خودخواهی، خود برتر بینی، منفعت پرستی، آز و کینه و حسد و هرچه در حریم اخلاق نباشد، سرچشمه نزاع است و فرجامی جز پایمال کردن باورهای دینی، سست شدن بنیان‌های اجتماعی و آسیب دیدن ارزش‌های فرهنگی ندارد. اگر انسان‌ها دل به تسلیم و سر به بندگی بسپرند و در پرتو نعمت اسلام حلقه برادری تشکیل دهند، اختلاف‌ها رنگ می‌بازد و نزاع‌ها مجال ظهور نمی‌یابد.

سیره گران سنگ امامان معصوم علیهم السلام در بذل مهروزی و رفتار کریمانه آنان در گذشت و خطاپوشی و همچنین توصیه‌های گسترده اسلام به گشاده‌رویی و محبت، حلم و مدارا، صبر و صلح، و بدی را با نیکی پاسخ دادن، همه نشان از نگاه ژرف اسلام به اتحاد و انسجام و پرهیز از اختلاف و نزاع است. قرآن کریم نیز مؤمنان را به دوری از ستیزه و پاسداشت شکیبایی امر کرده و می‌فرماید:

و از خداو پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. (انفال: ۴۶)

رسول اعظم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرماید:

ص: ۲۰

آدمی آن‌گاه به حقیقت و کمال ایمان می‌رسد که از مجادله و بحث‌های اختلاف افکن و خصومت‌آمیز بپرهیزد، هرچند حق با او باشد. محدث قمی، سفینهٔ البحار، ماده مراء.از سوی دیگر، دشمنان قسم خورده اسلام و پیامبر، پیوسته به دنبال ایجاد شکاف در صفوف به هم پیوسته مسلمانان بوده و هستند و هر روز بر آتش فتنه‌های تفرقه‌انگیز میان مسلمانان، دامن می‌زنند. امروزه با ناکامی آنان در عرصه‌های نظامی و سیاسی، این توطئه‌ها چنان افزایش یافته است که اتحاد و هم بستگی ملی و انسجام اسلامی از ضروری‌ترین نیازهای جهان اسلام به شمار می‌رود. بنابراین، مقام معظم رهبری به منظور بیداری و بسیج امت اسلامی، سال جاری را سال «اتحاد ملی و انجام اسلامی» نامیده است. این امر، رسالت همه فرهنگ سازان جهان اسلام را بیش از پیش سنگین کرده و بر سیاستگذاران و کارگزاران حج است که با تدبیر و برنامه ریزی دقیق و جامع و استفاده بهینه از قوت‌ها و فرصت‌های بی بدیل موسم حج گام‌هایی اساسی در تحقق «وحدت ملّی و انسجام اسلامی» بردارند.

بی‌تردید، اتحاد و انسجام اسلامی یکی از موضوع‌های اساسی، محوری و بسیار مهمی است که ضرورت آن در هیچ برهه‌ای از تاریخ اسلام بر هیچ اندیشمند دل‌سوزی پوشیده نبوده است. در آموزه‌های دینی بویژه حج به مسئله وحدت و انسجام اسلامی توجه فراوانی شده است، به گونه‌ای که یکی از فرازهای شکوهمند سیره و سنّت نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام را همین موضوع حیاتی تشکیل می‌دهد. همچنین یکی از

ص: ۲۱

دغدغه‌های اساسی علمای دینی، تلاش برای تحقق این سیره پسندیده است. آثار و اندیشه‌های مصلحان ژرف‌اندیش و علمای بیدار شیعه و سنّی همچون شیخ محمد عبده، کواکبی، شلتوت، آیت الله العظمی بروجردی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری و در زمان معاصر، حضرت امام خمینی رحمه الله در راستای تقریب مذاهب و وحدت جوامع اسلامی باید اسوه و الگویی برای تمام مردم مسلمان به ویژه فرهیختگان و دانشمندان اسلامی باشد.

ص:۲۲

ص: ۲۳

کلیات و مسائل اساسی اتحاد و انسجام

اهمیت و ضرورت اتحاد و به هم پیوستگی اسلامی

خداونـد در قرآن مجیـد، بـا آیـاتی چون «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لاتَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) یا «و ان هـذه امتکم امـهٔ واحده» (مؤمن: ۵۲) اتحاد همه مسلمانان را در سیمای یک امت، یک دین، یک راه و یک قبله و هدف مورد تأکید قرار داده است. بسیاری از عبادت‌های واجب اسـلام، عالی‌ترین مظاهر اتحاد اسـلامی را نشان می‌دهـد. حـج با آن همه پویایی و محتوای سازنـده، برای همه مردم است. نمازهای واجب عموماً به جماعت خوانده می‌شود.

اتحـاد وانسـجام امت‌چنـان محبـوب ومطلوب‌اسـلام‌است که عبـادت را پرمحتوا می‌کنـد و به امت عزت و تعـالی می‌بخشـد. به همین انـدازه، تفرقه‌گرایی مورد نکوهش قرآن است تـا به آنجـا که خداونـد، دامن‌زدن به اختلاف‌هـا را مـایه نزدیـک شـدن مسـلمانان به مشرکان می‌داند: «وَلا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکینَ مِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعًا.» (روم: ۳۱ و ۳۲)

ص: ۲۴

پیامبر گرامی اسلام نیز نسبت به تفرقه و جدایی افتادن میان مؤمنان هشدار داده است و مسلمانان را ید واحد می‌شمارد: «الْمُؤْمِنُون اخْوةٌ تَتَکافَی دِماَئُهُم وَهُمْ یَدٌ عَلَی مَنْ سِواهُمْ.» ملا محسن فیض کاشانی، وافی، اصفهان، مکتبهٔ الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۹، ص ۱۸.همچنین رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسلِمینَ فَقَدْ خَلَع رِبْقَةَ الْاسلام مِنْ عُنُقِهِ»؛ محمد بن علی ابن بابویه صدوق، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۲۹۷.یعنی هرکس از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد، ریسمان اسلام از گردن او برداشته می‌شود.

بسیاری از علمای بزرگ تشیع و تسنن در راستای ایجاد وحدت و همدلی، تلاش‌های پی‌گیری کرده‌اند که از این میان، به بزرگانی همچون آیت الله بروجردی، علامه امینی، شیخ محمدتقی قمی، محمدحسین کاشف الغطا، استاد محمدجواد مغنیه، آیت الله نایینی، سید هبهٔ الدین شهرستانی و امام خمینی رحمه الله از علمای تشیع و علامه شیخ عبدالمجید سلیم، علامه شیخ محمد شلتوت، محمد ابوزهره، محمد فرید وجدی، حسنین محمد مخلوق، عبدالمتعال صعیدی، محمد محمد المدنی، شیخ مراغی و دکتر احمد امین از علمای اهل سنت می‌توان اشاره کرد. علامه شرف‌الدین همه چیز را در پرتو لوای وحدت می‌بیند و می‌نویسد:

اسباب عمران و تکامل به وجود نمی‌آید و روح تمدن و سعادت پدیدار نمی‌شود و گردن ما از یوغ بردگی آزاد نمی‌شود، مگر اینکه اتفاق کلمه داشته، دل‌ها به هم نزدیک و عزم‌ها منسجم

ص: ۲۵

باشد تا بتوانیم راه اعتلای امت و عزت ملت اسلام را فراهم آوریم و سرزمین‌ها سبز و خرم شود، آسمان رحمت ببارد و چشمه‌سار رحمت و محبت از قلب‌ها روان گردد.امام سید شرف الدین موسوی، مباحثی عمیق در وحدت امت اسلامی، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات صادق، ۱۳۶۲، ص ۱۵، به نقل از: مقدمه کتاب شرف الدین.

اسلام، دینی اجتماعی است که همگان را به اتحاد و یک‌پارچگی فراخوانده است. قرآن مجید نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم با واژگانی چون «امهٔ واحده»، «فالّف بین قلوبکم»، «لا تتفرقوا»، «لا تنازعوا»، «لا تَّتبعوا السّبل»، «تفریقاً بین المؤمنین»، «شیعاً»، «اختلفوا» و «تفرقوا»، هشدارها و امیدهایی را برای تحقق وحدت بیان کرده است.

برای نمونه، در قرآن آمده است:

واطیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ولا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وتَذْهَبَ ریحُکُمْ. (انفال: ۴۶)

از خدا و پیامبرش پیروی کنید و با یکدیگر نزاع مکنید که ناتوان می‌شوید و شوکت شما از دست می‌رود.

هرگونه نزاع، تفرقه و دودستگی، به ناتوانی طرف‌های درگیر می‌انجامد و راه را برای دست‌اندازی بیگانگان هموار می‌کند. در مقابل، اتحاد و هم‌دلی، شوکت‌آفرین است. البته وحدت باید ذاتی باشد، نه عرضی و تحمیلی. اگر گروهی برای مقابله با دشمن مشترک، به صورت موقت کنار هم گرد آیند، وحدت پدید آمده، عرضی و زایل‌شدنی است.

ص: ۲۶

وحدتی که ذاتی و خودجوش باشد، از روی تاکتیک و استراتژی نیست، بلکه در درون مسلمانان، نهادینه می‌شود؛ چه دشمنی پیش رو باشد یا نباشد. در آیه کریمه قرآنی نیز آمده است: «إنّما المؤمنون اخْوةٌ.» (حجرات: ۱۰) همچنین رسول گرامی اسلام فرموده است: «الْمُسْلِمُ اخُو المُسْلِمِ».محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۳.

بنابراین، برادری مسلمانان بر اثر وجود شرایط خارجی پدید نمی‌آید، بلکه درونی شده است. به طور کلی، وحدت، فریضه‌ای اجتماعی و عامل تکامل فرد است. وحدت در اسلام بر پایه اخوت بنا شده است. به همین دلیل، امام علی علیه السلام در شدیدترین شرایط همچنان بر وحدت و همدلی پای می‌فشرد و می‌فرمود:

وَ الْزِمُوا السَّوادَ الْاعْظَمَ فَانَّ یَدَاللَّهِ عَلی الْجَماعَةِ وَ إیّاکُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَانَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّیْطانِ کَما انَّ الشَّاذَّ مِنِ الْغَنَمِ لِلذِّئبِ. نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ ه. ق، ج ۱، خطبه ۱۲۷.

با اکثریت باشید که دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که جدا مانده از مردم، بهره شیطان است، همان گونه که گوسفند جدا مانده از گله، نصیب گرگ بیابان می‌شود.

قطره، دریاست اگر با دریاستورنه او قطره و دریا، دریاست

ص: ۲۷

به گفته مولوی:

از حضور اولیاگر بگسلی تو هلاکی ز آنک جزو بی کُلی

هر که را دیو از کریمان وابُردبی کسش یابد، سرش را او خورد

یک به‌دست از جمع رفتن یک زمان مکر شیطان این، نیکو بدان

۱. جلال الدین بلخی مولوی، مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، چ ۹، ص ۳۰۲.باشد

تفرقه و دوگانگی، عامل از هم‌گسیختگی اجتماعی

تفرقه و دوگانگی، مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی است. ازاین‌رو، اسلام، مسلمانان را به اتحاد و هم‌بستگی و پرهیز از تفرقه‌افکنی سفارش می‌کند. قرآن، این اتحاد و هم‌بستگی را در چنگ زدن به ریسمان الهی و پیروی از رسول گرامی اسلام می‌داند و بی‌توجهی به دستورهای الهی و رسولش را مایه تفرقه و از هم گسیختگی جامعه می‌شمارد:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران: ۱۰۳)

جملگی به رشته دین خدا چنگ زنید و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و همه به لطف خدا، برادر دینی یکدیگر شدید، در صورتی که در پرتگاه آتش بودید و

ص: ۲۸

خدا شما را نجات داد. خداوند این‌گونه آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند. باشد که هدایت شوید.

اسلام با یک دستور عمومی و اجتماعی، جامعه را از هر اختلاف فسادانگیزی برحذر می‌دارد. آنجا که خداوند می‌فرماید:

وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ. (انعام: ۱۵۳)

این است راه راست. از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شماست، جز راه خدا پیروی نکنید. این است سفارش خدا به شما. باشد که پرهیزکار باشید.

در این آیه بیان شده است که بنیان اجتماع بر پیروی از راه و روش مستقیم است که همان پیروی از دستور الهی و پیامبر باشد. به این ترتیب، مسلمانان را از ورود به هر راه دیگری باز داشته و آنان را از هرگونه پراکندگی به دور نگه داشته است تا بدین وسیله رشته اتحاد و یگانگی میان ایشان مستحکم شود. المیزان، ج ۴، ص ۱۲۹.دوگانگی و اختلاف دو گونه است:

۱. آنکه طبیعت بشر نمی‌تواند از آن مبرا باشد و نهی کردن از آن از قبیل تکلیف مالایطاق است و آن، اختلاف طبیعت و سلیقه انسان‌هاست.

اختلاف سطح افراد در قدرت اندیشه و فهم، امری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی است.

ص: ۲۹

۲. نـوع دوم اختلافی است که ادیـان برای زدودن آن آمده‌انـد و آن، حـاکم کردن هواهـا در دین و احکـام آن است که برای بشـر زیان‌بار است؛ زیرا چراغ‌های هدایت را خاموش می‌کند. المنار، ج ۴، ص ۲۲.حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه، رمز پیروزی و سروری اقوام سابق را اتحاد و هماهنگی دل‌ها دانسته و تفرقه و جدایی را عامل شکست و از هم پاشیدن همان اقوام شمرده است: بنگریـد آنهـا چگونه بودنـد هنگامی که جمعیت‌هاشان، متحـد؛ خواسـته‌ها، متفق؛ قلب‌ها و انـدیشه‌ها، معتـدل؛ دست‌ها، پشتیبان هم؛ شمشـیرها، یاری‌کننـده یکـدیگر؛ دیـده‌ها، نافـذ و عزم‌هـا و مقصودهاشـان همه یکی بـود. آیـا آنهـا مالـک و سـرپرست اقطـار زمین نگردیدنـد و آیـا زمام‌دار و رئیس همه جهانیان نشدنـد؟ از آن طرف، پایان کار آنان را نیز نگاه کنیـد: آن هنگام که پراکنـدگی در میان آنها رخ داد، الفتشان به پراکنـدگی گراییـد؛ اهـداف و دل‌ها اختلاف پیـدا کرد؛ به گروه‌های متعـددی تقسـیم شدند و در عین پراکنـدگی با هم به نبرد پرداختنـد. در این هنگام بود که خـدا لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون کرد و وسـعت نعمت را از آنان گرفت. تنهـا آنچه از آنهـا بـاقی مانـده، سـرگذشت آنهـا است که در میـان شـما به گونه درس عبرتی برای آنها که بخواهنـد عبرت گیرند، دیده می‌شود. از حال فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق و فرزندان یعقوب عبرت گیرید. چه‌قدر حالت‌های

ص: ۳۰

(ملت‌ها) با هم مشابه و صفات و افعالشان شبیه یکدیگر است. در حالت پراکندگی آنها دقت کنید. زمانی که کسراها و قیصرها مالک آنها بودند، سرانجام آنها را از سرزمین‌های آباد از کناره‌های دجله و فرات و از محیطهای سرسبز و خرم گرفتند و به جاهای کم گیاه و بی‌آب و علف، محل وزش بادها و مکان‌هایی که زندگی در آنها بسیار سخت است، تبعید ساختند. آنها را در آنجا مسکین، بیچاره و هم‌نشین شتر ساختند (شغلشان ساربانی و خوراکشان تنها شیر شتر و لباس و وسایل زندگی‌شان از پشم آن تهیه می‌شد). آنان را ذلیل‌ترین امت‌ها از نظر محل سکونت ساختند و در بی‌حاصل‌ترین سرزمین‌ها مسکن دادند. نه کسی داشتند تا آنها را به حق دعوت کند و به او پناهنده شوند و نه سایه الفت و اتحادی بود که به عزت و شوکتشان تکیه کنند.نهج البلاغه صبحی صالحی، ص ۶۷؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیضیه، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۸۹.حضرت علی علیه السلام گاهی از تفرقه و پراکندگی مردم چنین یاد می‌کند:

ایُّها النَّاسُ المُجْتَمِعَهُ أبْدانُهُمْ المُخْتَلِفَهُ أهْواؤُهُمْ کَلامُکُمْ یُوهی الْصُّمَّ الْصِّلابَ وَ فِعلُکُمْ یُطْمِعُ فیکُمُ الْاعْداءَ.همان، ص ۷۲؛ همان، ص ۱۰۲.

ای مردمی که بدن‌هایتان، جمع و افکار و خواسته‌های شما، پراکنده است، سخنان داغ شما، سنگ‌های سخت را درهم

ص: ۳۱

می‌شکند، ولی اعمال سست شما، دشمنانتان را به طمع می‌اندازد.

ایشان پس از تشویق مردم به جهاد و دیدن سکوت مرگ‌بار مردم فرمود:

انَّهُ لا غِناءَ فِی کَثْرَهِ عَدَدِکُمْ مَعَ قِلَّهِ اجْتِماعِ قُلُوبِکُمْ.

تعداد فراوان شما با کمی اجتماع افکارتان سودی نمی‌بخشد.

سپس در انتقاد از سستی مردم افزود:

أَیَّتُهَا النُفُوسُ الْمُخْتَلِفَهُ وَالْقُلُوبُ الْمُتَشَتِّتَهُ الشّاهِدَهُ أبْدانُهُمْ والغْائِبَهُ عَنْهُمْ عُقُولُهُم.

ای روح‌های پراختلاف و ای قلب‌های پراکنده، شما که بدن‌هایتان حاضر و عقل‌هایتان پنهان است.

تفرقه و اختلاف، درد کهنه جامعه اسلامی

تفرقه و دودستگی میان مسلمانان و دولت‌هایشان پیشینه‌ای دیرین دارد. بعضی از خاورشناسان، سقوط دولت عرب را در نتیجه گسترش تفرقه در سرزمین‌های اسلامی می‌دانند. گوستاو لوبون نوشته است:

غریزه جنگ‌جویی عرب که در دوران کشورگشایی و

ص: ۳۲

فتوحاتشان، سودمند و نافع بود، پس از گذشتن آن دوران و خالی شدن میدان از دشمن، برای آنان زیان‌آور بود. بدان جهت که چون فتوحاتشان پایان یافت، این غریزه اصیل و ریشه‌دار، آنها را به استقلال‌طلبی واداشته و شروع به تجزیه دولت و قدرت خود نمودند تا بالاخره دولتشان سقوط کرد. این همان جریانی بود که در اسپانیا و سیسیل اتفاق افتاد و در نتیجه همان استقلال‌طلبی‌ها و جنگ‌های داخلی از بین رفتند و نصارا از همان رقابت‌های داخلی آنان استفاده کرده، اعراب را از آن دو کشور بیرون راندند. گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۷۶۰. ناگفته نماند که دشمنان از وجود حکومت‌های ملوك‌الطوایفی و نبودن ساختار حکومتی واحد در اندلس، بهره جستند و حکومت مسلمانان را در آنجا شکست دادند. «عصر ملوك‌الطوایفی هشتاد سال از تاریخ مردم اندلس را اشغال کرده است و با آنکه در برخی از جنبه‌ها تا حدی درخشندگی‌هایی داشته، ولی در واقع، عصر انحلال و تفرقه کامل سیاسی و اجتماعی است. دولت‌های کوچک که بر روی ویرانه‌های اندلس بزرگ به وجود آمدند و همه عنوان مملکت داشتند و می‌پنداشتند در امور خود از استقلال برخوردارند، از نظر نظامی فاقد آن عناصری بودند که یک دولت استقراریافته باید از آن بهره‌مند باشد. اگر یک یا دو دولت از آنها را استثنا کنیم، باقی نه از حیث وسعت خاك و نه از حیث

ص: ۳۳

درآمدهای مادی به پایه‌ای نبودند که بتوانند امور سیاسی و نظامی خود را به تنهایی بگردانند. اینها به یک واحد فئودالیستی یا یک خاندان یا جماعات قبیلگی نزدیک‌تر بودند تا به آنچه عنوان مملکت را حمل می‌کند. بنابراین، آنها به معنی صحیح، حکومتی صاحب نظام که همه همتش، خیر و آسایش ملت و حفظ امنیت و نظم باشد، نبودند. خاندان‌ها یا رؤسایی بودند که بیش از هر چیز خواهان مصالح خاص بودند تا یا مقامشان فراتر رود یا بر دارایی‌شان افزوده‌تر شود یا بر زرق و برق دربارشان بیفزاید. آنچه به حساب نمی‌آمد، مردم بود. وظیفه مردم آن بود که در برابر باژوسازی (مالیاتی) که بر آنها می‌بندند، خاضع باشند و این اموال که از مردم اخذ می‌شد، مصارف معینی داشت. بخشی عظیمی از آن صرف دربارهای پرجلال و شکوه می‌شد و بخشی برای قوای نظامی به مصرف می‌رسید. این اقدامات نظامی هم که از هجوم دولت نیمه ضعیفی بر همسایه و هم‌کیش ضعیف او تجاوز نمی‌کرد، می‌رفت تا آنچه را در دست دارد، از او بستاند و کمتر اتفاق می‌افتاد که هدف بزرگ را تعقیب کند یا بخواهند از اندلس در برابر دشمن اصلی و دیرپایش، اسپانیای مسیحی دفاع کنند».عنان محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: عبدالمجید آیتی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶ ه. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۴۲۷.وضع کنونی مسلمانان بهترین گواه برای اثبات این مطلب است. دوری دولت‌های اسلامی و احزاب و گروه‌های سیاسی و فرهنگی از یکدیگر، عملکرد و موضع‌گیری‌های متفاوت رهبران و شخصیت‌های

ص: ۳۴

سیاسی و اسلامی و دوگانگی و اختلاف مردم از جمله عوامل عقب‌افتادگی ملت‌های مسلمان به شمار می‌رود. دشمنان نیز که به خوبی این نکته را دریافته‌اند، سیاست «تفرقه انداز و حکومت کن» را به صورت‌های گوناگون در جوامع اسلامی اجرا می‌کنند.

برای نمونه، به نزاع شیعه و سنّی در هند اشاره می‌کنیم که سابقه‌ای چند صد ساله دارد. این اختلافات در نیمه قرن دوازدهم در هند با انتشار کتابی به نام تحفه اثنی عشریه به اوج خود رسید. پیش از این، شیخ احمد سرهندی به دلیل مخالفت‌های شدیدش با تشیع و هم‌ردیف دانستن شیعه با رفض و کفر، لقب «مجدد الف ثانی» را به خود اختصاص داده و در لوای مبارزه با شرک و رفض، کتاب‌های زیادی نوشته بود. شاه عبدالعزیز مشهور به «محدث دهلوی» با انتشار کتاب تحفه اثنی عشریه، بیش از پیش به اختلافات شیعه و سنّی دامن زد. پس از انتشار این کتاب‌ها، ده‌ها کتاب له و علیه آن نوشته شد و بازار مناظره میان دو فرقه بالا گرفت. اوایل تنها به ردیه و جواب علیه یکدیگر بسنده می‌کردند و علمای بزرگی چون حکیم محمد کامل عنایت دهلوی، کتاب گران‌قدر نزهۀ اثنی عشریه را در دوازده جلدتنها یک جلد از این کتاب ارزشمند که شامل مبحث پیدایش ادیان است، تاکنون به‌چاپ رسیده است. در رد تحفه نوشت. با این حال، وی به دلیل نگارش این کتاب به دست مخالفانش در دهلی به شهادت رسید. سید دلدار علی، اولین مجتهد در شمال هندوستان و فرزند سلطان العلماء و سید مفتی محمد عباس، علامه مفتی محمد قلی و فرزندش، علامه میرحامد

ص: ۳۵

حسین- که کتاب گران‌قدر طبقات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار را در سی جلد در رد یک باب تحفه اثنی عشریه نگاشت- و دیگر علما و بزرگان شیعه در هر شهر و دیار علیه تحفه اثنی عشریه و حقانیت شیعه مطالبی نوشتند. با این حال، این اختلافات به جنگ و خون‌ریزی دو فرقه بیشتر دامن زد.

از طرف دیگر، در اواخر قرن دوازدهم، تصوف در هند قدرت خود را از دست داده و بازار سالوسان و مکاران به نام مرشد و صوفی و سجاده‌نشین رونق گرفته بود. چون این گروه اعتقاد چندانی به مسائل اسلامی نداشت، مردم را از فراگیری و عمل به احکام اسلامی بازمی‌داشت. ازاین‌رو، برخی علمای شیعه به مبارزه با این‌گونه صوفیان و عارف‌نمایان دروغین پرداختند و کتاب‌هایی در رد تصوف نوشتند.

گروهی از علما برای بازگرداندن شیعیان به تشیع واقعی و آشنا کردن ایشان با مسائل و احکام، فعالیت خود را آغاز کردند. با توجه به اینکه تصوف در گذشته، منبع خدمات زیادی به مسلمانان هند بود و بیشتر مردم مسلمان از طریق عرفان و تصوف به اسلام رو آورده بودند، مخالفت با کل تصوف به هر صورتی بسیار دشوار بود. در این ایام، اختلافات دیگری میان فرقه‌های تشیع به وجود آمد و فرقه شیعه به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم شد.

شدت اختلافات نیز به جایی رسید که علمای شیعه دو گروه، همدیگر را تکفیر کردند و کتاب‌های متعددی بر ضد هم نوشتند.احمد علی قانع، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰، به نقل از: بولتن فرهنگی، ش ۵۵، صص ۷ و ۸.

ص: ۳۶

راه‌های نزدیک سازی اندیشه‌های فکری و عقیدتی

چنان‌که برخی از اندیشمندان مذهبی گفته‌اند، وحدت تشیع و تسنن، امکان‌پذیر نیست. این دو جریان عقیدتی، فرهنگی و تاریخی ریشه‌دار را نه می‌توان در هم ادغام کرد، نه می‌توان یکی را به سود دیگری- یا به سود اسلام- نابود ساخت. تنها کاری که عملی است، دعوت سنّی و شیعه به اتحاد است؛ چون ضرورت دارد.

اندیشمند اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه بیان متینی دارد که بسیار قابل توجه است. ایشان مسئله اتحاد اسلامی را به دو نوع «عملی» و «غیر عملی» تقسیم می‌کند و به مناسبت گفت‌وگو درباره اهمیت کتاب الغدیر و نقش آن در اتحاد اسلامی، به تشریح موضوع می‌پردازد. این سخن را پی می‌گیریم: «مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ‌یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را با نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد.

بدیهی است منظور علمای روشن‌فکر اسلامی، از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها-

ص: ۳۷

که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی- نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان».یادنامه علامه امینی، مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی»، صص ۲۳۱- ۲۴۲. «این دانشمندان می گویند مسلمین مایه‌های وفاق بسیاری دارند که می‌توانند مبنای یک اتحاد محکم شود. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان و اذعان دارند. کتاب همه، قرآن و قبله همه، کعبه است. با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می کنند و جز در مواردی جزئی در این کارها با هم تفاوتی ندارند.

مسلمین هم از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند. خصوصاً اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است.

مسلمانان به نص صریح قرآن، برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی، آنها را به یکدیگر مربوط می کند. با این وضع، چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته، استفاده نکنند.

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که

ص: ۳۸

مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. همچنان که ایجاب نمی کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می کند، این است که مسلمین- برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نشود- متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند. به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند. منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت- لااقل- حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند:

«ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن».

برای برخی این تصور پیش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار می گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند، به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی، مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون، از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است. آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی هذا آنجا که مثلًا اصل «امامت» آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل، شیعه و سنّی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار

ص: ۳۹

گیرند؛ دشمن هر که باشد.

در پاسخ به این گروه می گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «المیسور لایسقط بالمعسور» و «ما لایدرک کله لایترک کله» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درس‌هاست. ایشان از شعار «یا همه یا هیچ» نیز پیروی نکرد. در شورای شش نفری پس از تعیین عثمان به وسیله عبدالرحمان بن عوف، علی علیه السلام، شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری چنین اعلام کرد: «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیری والله لاسلمن ماسلمت امور المسلمین و لم‌یکن فیها جور الاعلی خاصه؛ شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم و حال به خدا قسم، مادامی که کار مسلمین رو به راه باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود.»نهج البلاغه، خطبه ۷۲. نک: مشعل اتحاد، صص ۷۰- ۷۵، به نقل از: استاد مرتضی مطهری، مقاله «علامه امینی و وحدت اسلامی».

ص:۴۰

ص: ۴۱

فصل اول: اتحاد ملی و هم‌بستگی اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی و پرهیز از اختلاف

آموزه‌های دینی، مسلمانان را به اتحاد و برادری فرامی‌خوانند و از آنان می‌خواهند در برابر توطئه‌های دشمنان هشیار باشند. امروزه دشمنان اسلام در تلاشند با دامن‌زدن به مسائل مذهبی و فرقه‌گرایی همچون اختلاف شیعه و سنّی یا مسائل نژادی مانند عرب، عجم، ترک و فارس، اختلاف آنها را چند برابر و از اتحاد آن جلوگیری کنند. دشمنان در این صورت خواهند توانست از منابع و امکانات آنها سوءاستفاده کنند و به غارت و چپاول ثروت‌های خدادادی آنها بپردازند.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می‌فرماید:

اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک و فارس را، با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کنند تا کسانی که می‌خواهند سلطه‌ای بر این دولت‌های اسلامی

ص: ۴۲

و مراکز اسلام پیدا بکنند، به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند، نتوانند.

نقشه قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده، از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا، بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن کریم است.

تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه‌گرایی و ملی‌گرایی بین مسلمین تفرقه می‌اندازند، لشکرهای شیطان و کمک کنندگان به قدرت‌های بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند.

جمهوری اسلامی می‌خواهد مطلبی را که قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است، در همه کشورها پیاده کند و ایران، مقدمه آن است. می‌خواهد به همه کشورها بفهماند که اسلام، بنایش بر برابری و برادری و وحدت است و همه مسلمین ید واحده هستند در برابر دیگران. ما می‌خواهیم به همه ملت‌ها بفهمانیم که اسلام، دین وحدت است. سخنرانی ۵/ ۱۰/ ۱۳۵۹.رهبر کبیر انقلاب، اتحاد و برادری مسلمانان را یک امر دینی و سیاسی می‌دانست که اگر تحقق یابد، هیچ آسیبی به کشورهای اسلامی

ص: ۴۳

نخواهد رسید:

ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل برادر با هم رفتار کنند. این یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌های مسلم که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی‌شود و هیچ یک از ابرقدرت‌ها قدرت اینکه تجاوز به آنها بکنند، ندارند، برادرها باید متوجه این معنا باشند.سید روح‌اللَّه خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۵.حضرت امام خمینی رحمه الله در فرازی دیگر در این زمینه می‌فرماید:

خدای تبارک و تعالی را شاکریم که همه طوایف ملت ایران، برادران شیعه مذهب و برادران اهل سنّت در کنار هم و با برادری برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش می کنند ... امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که کشورهای عالم تحت نظر سیاسی ابر قدرت‌ها هستند، همه جا ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح‌ها دارند و مهم‌ترین طرح‌ها این است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند و با صورت‌های مختلف بین برادرها و بین دوست‌ها اختلاف بیندازند. اسلام،

ص: ۴۴

احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است. در قرآن است که «مؤمنین با هم برادر هستند.» این یک حکم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است. شما ببینید در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است، این برادری که اکنون در ایران زیاد شده، چه آثار رحمتی دارد و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور (ایجاد شده) است و اخوت اسلامی اقتضا می‌کند که در جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و به آباد کردن این کشوری که از خودشان است، بپردازند.

جهات سیاسی (برادری اسلامی) همین بود که وقتی دیدند ملت ایران با هم مجتمع شدند و برادروار و با هم و در کنار هم بودند و همه به برادری اسلامی توجه داشتند، قدرت‌های بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند. همه راه خودشان را گرفتند و رفتند. گرچه بعضی از ریشه‌های فاسدشان، مخفیانه در این ملت و کشور است، لیکن این ریشه‌های فاسد نمی‌توانند یک قدرت ایمانی را که الان در شما هست، به هم بزنند.

این اخوت ایمانی که خدای تبارک و تعالی امر به آن کرده و میان مؤمنین منعقد ساخته، انحصار به مؤمنین یک کشور ندارد، این عقد اخوت بین تمام مؤمنین دنیاست. تمام ممالک اسلام باید با هم مثل برادر باشند و اگر چنانچه ممالک اسلامی با هم مثل برادر باشند و توده‌هایی که در هر کشوری زندگی می‌کنند، با توده‌های کشور دیگر مثل برادر نظر داشته باشند، بر همه

ص: ۴۵

قدرت‌های عالم مسلط خواهند شد. سخنرانی، ۲۷/ ۵/ ۱۳۵۹.امام در بخش دیگری از توصیه‌های خویش از مسلمانان می‌خواهد اختلافات را کنار بگذارند و هم‌پای یکدیگر، اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهند و قدرت عظیمی تشکیل دهند که ابرقدرت‌ها هوای تسلط بر آنها را پیدا نکنند:

پیام من برای برادران عرب مسلمان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و هم‌گام و هم‌پیمان با همه برادران مسلمان غیرعرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید. تنها با داشتن ذخایر مادی که از حساب افزون است و از همه آن مهم‌تر ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می‌توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت‌ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این‌گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت نکنند.صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۴۴. حضرت امام خمینی رحمه الله آرزو می‌کند که دولت‌های اسلامی به منزله یک دولت و جامعه باشند؛ چون دارای یک کتاب، یک پیامبر و یک پرچم هستند که در صورت تحقق آن، جهان اسلام می‌تواند مشکلات خود را حل کند و به قدرتی برتر از دیگر قدرت‌های جهان تبدیل شود تا کسی توان مقابله با آن را نداشته باشد:

ص: ۴۶

دولت‌های اسلامی باید به منزله یک دولت باشند. کانّه یک جامعه هستند. یک پرچم دارند. یک کتاب دارند، یک پیغمبر دارند، اینها همیشه باید با هم متحد باشند و اگر چنانچه این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا شود، امید است بر مشکلات خودشان غلبه کنند و قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند. ...صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۲۲.مسلمین باید ید واحد باشند. اگر مسلمین، ید واحد باشند، کسی نمی‌تواند مقابل این جمعیت قیام کند.همان، ج ۱، ص ۵۳. دفاع از منافع مسلمانان و حفظ آن اهمیت دو چندانی دارد، چنان‌که رهبر کبیر انقلاب چنین تأکید می‌کند:

روابط خارجی ما براساس حفظ آزادی استقلال و حفظ منافع اسلام و مسلمین است همان، ج ۲، ص ۲۹۸.... و اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است.کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۲، ص ۱۴۴.

اتحاد اصناف و مذاهب

امام امت درباره هم‌بستگی اصناف اجتماعی می‌فرماید:

تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید، می‌توانید کار بکنید.

ص: ۴۷

اگر خدای نخواسته، روحانی را از ملت، ارتشی را از ملت، جدا و هرکدام را علی‌حده کردند، دیگر نه از بازاری کاری برمی‌آید و نه دانشگاهی ... پدری که می‌خواست بمیرد، هفت هشت پسر داشت. آنها را خواست. چوب‌هایی هم (قبلًا) تهیه کرده بود یکی از آن چوب‌ها را به (پسر بزرگ‌تر) داد و گفت این را بشکن.

شکست. بعد آن هفت هشت‌تایی که به عدد بچه‌هایش بود، پهلوی هم گذاشت و گفت اینها را بشکن. هر چه زور زد، نشکست. گفت شما عددتان به اندازه این چوب‌هاست. اگر جدا باشید، شکسته می‌شوید. اگر دوتایتان یک طرف و چهارتایتان یک طرف باشید، شکسته می‌شود، ولی اگر همه‌تان با هم باشید، مثل این چوب‌ها هیچ کس نمی‌تواند شما را بشکند. اگر روحانی تنها باشد، او را می‌شکنند. اگر ارتشی تنها باشد، می‌شکنندش. اگر مردم تنها باشند، می‌شکنندشان. سخنرانی ۲۵/ ۸/ ۱۳۵۹.حضرت امام با هشیاری کامل نسبت به توطئه دشمنان چنین هشدار می‌داد:

من تأکید می‌کنم که اسلام تنها پناه‌گاه همه ما است و در زیر پرچم پرافتخار آن همه گروه‌ها به حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنّت، قضیه شیعه و سنّی را طرح کرده و می‌خواهند با شیطنت، اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، شیعه و سنّی

ص: ۴۸

در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق مساوی هستند و هر کس خلاف آن را تبلیغ کند، دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنّت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند.سخنرانی، ۲۹/ ۵/ ۱۳۵۸. یک دسته از مسلمانان، شیعه هستند، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته دیگر اخباری. اصلًا این دسته‌بندی‌ها از اول درست نبوده، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم. منتهی علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید (به عنوان مثال) حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق علیه السلام را عمل کردند. اینها شدند شیعه. اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنّی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می‌خواهند نه این باشد و نه آن. راه را این‌طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. سخنرانی هشتم رمضان ۱۴۰۰ ه. ق؛ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۴.حضرت امیر علیه السلام، ابوالائمه، اول شخص اسلام بعد از رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله در طول مدت عمرشان زجرها دیدند و در آن مدتی که اختلافات بین دسته‌جات بود، ایشان آرامش را حفظ کردند، برای اینکه اسلام، محتاج به آرامش بود.

ص: ۴۹

حضرت‌رضا علیه السلام در آن ابتلائاتی که داشت و در آن مصیبت‌های معنوی که بر ایشان وارد می‌شد، بدون اینکه اختلاف ایجاد کنـد، با آرامش، راه خود را پیش می‌برد و مقیـد بود که آرامش ملت را حفظ کنـد. ما همه بایـد اختلافات خود را عقلًا حل کنیم و نگـذاریم منجر به سـروصدا و اختلاـف انـدازی شود. فرضاً اگر کسانی بخواهنـد تحریک عواطف کننـد، تکلیف ما این است که در مقابل آنها آرامش را حفظ نموده، سکوت کنیم.سخنرانی، ۴/ ۱۰/ ۱۳۵۹.

دسته بندی وحدت

اشاره

امام خمینی رحمه الله به وحدت داخلی (درون مرزی) و وحدت خارجی (برون مرزی) می‌اندیشید. وحدت مورد نظر آن بزرگوار را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. وحدت میان همه گروه‌های کشور

بین خودتان برادر باشید. حفظ کنید این برادری را با حفظ برادری به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید.صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۵.

۲. وحدت میان همه کشورهای اسلامی و همه مسلمانان جهان

امام می‌فرمود:

جامعه اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل

ص: ۵۰

امت محمد صلی الله علیه و آله بپیوندد و یکی شوند و ید واحده شود. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۹۹.حضرت امام خمینی رحمه الله به تشکیل بسیج جهانی مسلمانان می‌اندیشید و در یکی از سخنانش فرمود:

به راستی، اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرئت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله داشت.همان، ج ۲، ص ۲۴۴. ایشان همواره برای تحقق وحدت میان مردم از یاران خود می‌خواست که در تبلیغ، محور وحدت را در نظر داشته باشند:

شما آقایان که مردم را هدایت می‌کنید، همه را به وحدت کلمه دعوت کنید. خدای تبارك و تعالی امر فرموده است که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ.» اجتماع کنید، لکن اجتماع با تشبّث به حبل‌الله هر اجتماعی مطلوب نیست. «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» مطلوب است. «اقْرَأْ بِسْمِ رَبِّکَ» اسم ربّ همان ریسمانی است که همه باید به آن اعتصام کنیم. مردم را دعوت کنید به وحدت.

دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند. همان، ج ۴، ص ۲۰۰.از دید امام، یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی، ضرورت ایجاد وحدت میان مسلمانان است؛ زیرا از دیدگاه آن بزرگوار، امت

ص: ۵۱

اسلامی، ید واحده است که استعمارگران و زمامداران مستبد و جاه‌طلب آن را به صورت ملت‌های از هم جدا درآوردند. بنابراین، برای اینکه بتوانیم وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، راهی جز تشکیل حکومت اسلامی نداریم. ایشان در این زمینه به فرازی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام اشاره می‌کند که فرموده است: «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است». ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص ۳۵.واژه وحدت، وفاق و یک‌پارچگی یا مفهوم مخالف آن؛ یعنی تفرقه و پراکندگی در گفتمان سیاسی- اجتماعی امام کاربرد فراوانی دارد.

ایشان در سخنی می‌فرماید:

رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را به امپراتوری‌های بزرگ عالم غلبه داد.صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۹. مسلمین به حسب دستور خدای تبارک و تعالی، ید واحده هستند. این دیگر آسیب بردار نیست. آسیب از داخل خود ... ملت و کشور بر ما وارد می‌شود و به شما. از خارج هیچ ترسی نداشته باشید. از داخل خودمان بترسید، از اینکه با توطئه‌ها، شماها را از هم جدا کنند.همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰.به همین دلیل، بر اتحاد و هم‌بستگی ملی تأکید فراوانی داشت و از همگان می‌خواست اتحاد داخلی را حفظ کنند. هر چند ممکن است گاهی

ص: ۵۲

اختلاف سلیقه هم موجود باشد، ولی باید کوشید این اختلاف‌ها، ریشه‌دار نشود؛ چون در این‌صورت، دشمنان از پراکندگی داخلی بیشترین بهره را خواهند برد.

بایسته‌های وفاق ملی

اشاره

۱. وجود اختلاف، امری طبیعی و پسندیده است. اختلاف را باید از ویژگی‌های آفرینش الهی به‌شمار آورد. تصریح خداوند متعال در سوره مبارکه هود مبنی بر اینکه وجود اختلاف، موضوع اراده الهی است و یک‌دستی و یکسانی همه مخلوقات منظور نیست، بر اعتبار دینی و عقلی این مدعا دلالت دارد:

وَ لَوْ شاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً واحِدَةً وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفینَ. (هود: ۱۱۸)

و اگر خداوند تو اراده می‌کرد، تمامی مردم را در یک امت واحد گرد می‌آورد، ولی چنین نخواسته است. پس شما پیوسته از یکدیگر متفاوت بوده‌اید و مختلف خواهید بود.

۲. در پرتو یک‌دستی کامل بدون هیچ‌گونه اختلاف سلیقه و رأی، هیچ‌گاه نمی‌توان از تضارب آرای گوناگون بهره گرفت. وجود اختلاف نوعی نعمت تلقی می‌شود. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

سلیقه‌های مختلف باید باشد. اگر در یک مجلس، اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال، اینها باید باشد، لکن نتیجه

ص: ۵۳

این نباشد که ما دو دسته بشویم ... در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۷.اختلاف میان بزرگان و فقیهان اسلامی هم امر مبارکی است و مورد توجه مردم نیز قرار دارد. حضرت امام به زیبایی به این امر اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید:

در گذشته، این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتاب‌های علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید. قهراً توده‌های مردم از آن بی‌خبر بودند و اگر با خبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت، اما امروز با کمال خوش‌حالی، به مناسبت انقلاب اسلامی، حرف‌های فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است؛ چرا که نیاز علمی به این بحث‌ها و مسائل است.همان، صص ۱۷۶– ۱۷۸. ۳. اختلاف، امری سازنده است و کارکردهای آن حیاتی بوده و برای رشد و تعالی هر اجتماعی لازم است. اختلاف در افکار و بینش و روش‌ها به نقد و بررسی صاحبان آرا و اندیشه می‌انجامد و راه بر خشک‌اندیشی بسته می‌شود و در نهایت، به وسعت دید و ارتقای معلومات مردم یاری می‌رساند.

حضرت علی علیه السلام درباره پیشرفت و توسعه جامعه در سایه اختلاف

ص: ۵۴

آرا می‌فرماید: «اضْرِبُوا بِعْضَ الرّاىِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوابُ؛ آرای مختلف را بر یکدیگر عرضه بدارید تا از تضارب آنها به دیدگاه صواب دست یابید».عبدالواحد آمدی، غررالحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۱۵۸. ایشان برای دست‌یابی به نظر صائب، طریقی جز تضارب آرا را چاره‌ساز نمی‌داند و در سخنی دیگر می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْآراءِ عَرفَ مَواقِعَ الْخَطاءِ؛ هر آن کس که دیدگاه‌های مختلف را دریابد و درک کند، بر نقاط اشتباه او در اندیشه و عمل خویش آگاه می‌شود».نهج البلاغه، ح ۱۷۳. حضرت امام خمینی رحمه الله نیز وجود دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف را وسیله پویایی می‌داند و می‌فرماید:

این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود و وابسته، اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ... و به همین‌خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است.صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸. با این حال، اختلاف با تمام آثار و فوایدی که دارد، باید چارچوب ضوابط مشخصی داشته باشد. این موارد را می‌توان چنین برشمرد:

ص: ۵۵

۳/ ۱. برنخاستن اختلاف‌ها از انگیزه نفسانی

اختلاف‌های نفسانی به نزاع و دشمنی کشیده می‌شود. اختلافی که از روی خودخواهی باشد، مانع بزرگی در راه ایجاد وحدت است. این گونه انگیزه‌های ویران‌کننده در کلام امام خمینی رحمه الله نکوهش شده است:

همه این نزاع‌ها برای این است که این برای خودش یک چیزی می‌خواهد، آن هم برای خودش یک چیزی می‌خواهد. این دو خودها تزاحم می‌کنند. این قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد.

آن هم قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد. تزاحم می‌کنند (و) جنگ (درمی‌گیرد).صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۱. در واقع، اختلاف ناپسند و غیرمشروع، نتیجه خودخواهی است به فرموده امام: «اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هر کس برای پیشبرد نظرات خود، به دیگری پرخاش کنند».همان، ج ۲۱، ص ۲۸. ازاین‌رو می‌افزاید که اگر اختلافی هم پیش آید، باید سرچشمه و انگیزه الهی داشته باشد و به دور از جنجال‌های متعارف صورت پذیرد.

انگیزه الهی، هدف را مشخص می‌سازد و در نهایت، وحدت رویه را پدید می‌آورد:

... شما اختلافاتی را که از نفسانیت سرچشمه می‌گیرد، باید از بین ببرید و مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد و از وحدت اسلام بیرون بروید، مخذول می‌شوید.صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۳۴.

ص: ۵۶

۳/ ۲. جایز بودن وفاق در اصول و اختلاف در روش

گاهی برای ایجاد وفاق ملی لازم است تا گروه‌های انقلابی به دلیل ملاحظات سیاسی، با گروه‌هایی که چه بسا به طور کامل هم‌سو و منطبق با ایشان نباشند، همراهی کنند و از طرح نقاط مورد اختلاف برای رسیدن به هدف واحد، چشم‌پوشی کنند.اصغر افتخاری، وفاق ملی و جامعه‌شناسی وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۴۴.
امام خمینی رحمه الله قابلیت‌های ملت را در برخورد با رژیم پهلوی چنین سامان داد:
عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه هم حتی با (ما) مخالفت دارند، لکن در اصل مقصد با ما موافقند، به ملت موافق، مسیرشان مسیر ملت است (اتحاد داشته باشیم)، عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز دست از تمام این اختلافات برداریم تا این مملکت را آرام کنیم ... من به همه، همه آنها عرض می‌کنم که شما دست از اختلافات بردارید. این طور نباشد که هر کدام در یک اجتماعی که پیدا کردید، بر ضد دیگران صحبت کنید.همان، به نقل از: وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، صص ۳۳- ۳۶. حضرت امام معتقد بود دانش و فهم سیاسی، مانع از آن می‌شود که هر اقدام مطلوب و مجازی را در هر زمانی بیان کنیم و خواهان تحقق آن شویم. از سوی دیگر، حضرت امام خمینی رحمه الله فرمود که حوزه اختلاف‌ها

ص: ۵۷

نبایـد به اصول و مبـانی گسترش یابـد؛ چون اگر چنین شود، نظام سیاسـی دچار تزلزل می‌شود. ایشان، اختلاف‌نظرها را ورای اصول بنیادین دانست. ازاین‌رو، در بیان علت موافقت خود با انشعاب روحانیون از روحانیت فرمود:

همه در اصول با هم مشترکنـد و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسـبت به اسـلام، قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مسـتقل باشد. هر دو می‌خواهند سـیطره و شرّ زالوصـفتان وابسـته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کننـد ... هر دو می‌خواهنـد اسـلام قـدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاـف بر سـر چیسـت؟ اختلاـف بر سر ایـن اسـت کـه هر دو عقیـده‌شان اسـت کـه راه خـود (شـان) بـاعث رسـیدن بـه ایـن همه است.صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸.امام چون اختلاف را در روش و نه در اصول می‌دید، آن را تأیید کرد و مثبت دانست.

۳/ ۳. پای‌بندی همگانی به قانون

التزام به محوریت قانون در حل و فصل اختلافات از جمله مصداق‌های وفاق ملی است. امام خمینی رحمه الله با عنایت به همین نکته می‌فرماید:

نمی‌شود (از کسی) پذیرفت که ... قانون را قبول نداریم ... مردمی

ص: ۵۸

که به قانون اساسی رأی دادند، منتظرند که قانون اساسی اجرا شود. همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید ولو بر خلاف رأی شما باشد ... همه‌تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید.

بنابراین، اختلاف سازنده باید در چارچوب قانون باشد و این ویژگی بر آن دلالت دارد که اختلاف در دیدگاه‌ها باید با اصول قانونی تعارض نداشته باشد. در مواردی هم که ضعف قانون وجود دارد، اخلاق و التزام اخلاقی می‌تواند آن را جبران کند. پای‌بندی به اخلاق، فضای خشک روابط سیاسی را تعدیل می‌کند و انسانی می‌سازد. امام خمینی رحمه الله می‌فرماید:

اگر اخلاق اسلامی در خودتان نفوذ بکند و همه توجه به این مسائل داشته باشید که از اخلاق اسلامی، یکی از امور مهمش، قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است (پیشرفت می‌کنید)، تا حالا هم ما هر چه پیشرفت کرده‌ایم، از این معنا بوده.مهدی حاضری، امام خمینی رحمه الله و وفاق اجتماعی، تهران، بی‌نا، همایش رقابت‌های سیاسی و امنیت ملی و وزارت ارشاد، ۱۳۷۹، صص ۲۷ و ۲۸.

حدود اختلاف‌ورزی

حضرت امام خمینی رحمه الله اختلاف را در دو محور ارزیابی می‌کرد.

اول، اختلاف روبنایی که وجود آن ناگزیر است. دوم، اختلاف زیربنایی

ص: ۵۹

است که نبود آن اساس نظام سیاسی به شمار می‌رود و بازیگران موظف به پاس‌داری از آنها و گسترش ندادن اختلافاتشان به این حوزه‌اند. اصول التزام به قانون اساسی و رعایت نقش محوری آن در جامعه به عنوان یک عنصر اجتماعی تعریف شده است و هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند و نباید نسبت به اهمیت و جایگاه آن تعرض کند. این اصول و اهداف، آرمان‌های متعالی حکومت اسلامی هستند که سمت و سوی حرکت و بنیاد استراتژی کلان جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهند. قانون‌گذار در اصل ۷۸ قانون اساسی از اصولی سخن می‌راند که تغییرناپذیرند:

اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت و نیز اداره امور کشور با اتکای آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران، تغییر ناپذیرند.

اندیشه فراملی

در دوران کنونی، با توجه به گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سراسر جهان، ظهور نظام جهانی که بر اساس آن، جهان به صورت یک واحد در نظر گرفته شده، دور از انتظار نیست. محصور نبودن دین به مرزهای ملی و جغرافیایی، عامل بسیار مهمی برای تحقق وحدت و هم‌بستگی میان چند ملت است. به همین دلیل، دامنه آن وسیع‌تر از حوزه یک ملت به شمار می‌رود.

با انحطاط امپراتوری عثمانی و از بین رفتن تدریجی نظام استعماری

ص: ۶۰

کهن، ملت‌گرایی و ملیت‌ستایی مدرن که در قرون هجدهم و نوزدهم ریشه داشت، تحت تأثیر نهضت‌های انقلابی و ملی وارد مرحله جدیدتری در قرن بیستم شد که در نتیجه آن، مناقشه‌ای ایدئولوژیک میان قومیت، ملیت و اسلام پدید آمد. از سوی دیگر، پدیده انترناسیونالیسم نیز که پس از جنگ بین‌المللی با پیدایش جامعه ملل در ۱۹۱۹ م.، زمینه تجربی و عملی یافته بود، تا حدودی توانست به حفظ و تقویت امنیت بین‌المللی و حتی تشکیل نوعی حکومت جهانی کمک کند. در واقع، آنچه در جهان امروز اهمیت دارد، نوع مدیریتی است که بتواند با ایجاد پیوند میان قومیت و ملیت از یک‌سو و استفاده از ابزارهای موجود فراملی از سوی دیگر، در راستای تحقق آرمان توحیدی وحدت اسلامی گام بردارد.قومیت، ملیت و اندیشه فرا ملی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱، چ ۱، صص الف- ه. خطمشی حضرت امام خمینی رحمه الله از آغاز نهضت اسلامی مبتنی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت‌مدارانه به مسائل جهان اسلام بود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نقطه عطف این آرمان توحیدی به شمار می‌رود. امام برای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحد اسلامی هرگز پای‌بند محدودیت‌های ملی نبود. به همین دلیل، همواره مصالح اسلام و مسلمانان را در کنار مصالح و منافع ملی قرار می‌داد و مسئولیت‌پذیری در مقابل مسائل و مشکلات جهان اسلام را که به تصریح قرآن امت واحده هستند، اصل مسلّم اسلامی و انسانی می‌پنداشت. امت اسلامی در اندیشه امام شامل همه مسلمانانی بودند که فراتر از مرزهای

ص: ۶۱

جغرافیایی و تفاوت‌های نژادی، زبانی و قومی قرار می‌گیرند و فارغ از هر مذهب، پیرو دین اسلام هستند. طرح مفاهیمی همچون امت اسلام، بسیج جهانی مستضعفین، ید واحده و اخوت بین مسلمانان، احیای فلسفه واقعی کنگره عظیم حج، اعلام روز جهانی قدس و مانند آن در راستای همین نگرش ارزیابی می‌شوند. البته امام به قومیت، حب وطن و احساسات پاک ملی گرایانه تا زمانی که در مقابل ایدئولوژی اسلامی قرار نمی‌گرفتند، ارج می‌نهاد:

آن چیزی که آنها اصرار به آن دارند این است که ما با هم مجتمع نشویم، ما با هم برادر نباشیم، مسلمان‌ها در هرجا که هستند، با اشکال مختلفه (باشند)، یک شکل آن ملی گرایی [است.] آن می‌گوید ملت فارس، آن می‌گوید ملت عرب، آن می‌گوید ملت ترک. این ملی گرایی که به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستند، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می‌زند.صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۷۸.

خطرهای ملی‌گرایی افراطی

استعمارگران، مروّج ملی گرایی از نوع افراطی هستند. حضرت امام خمینی رحمه الله در آشکار ساختن این توطئه فرموده است:

این تبلیغات که این عرب است، آن ترک است و یا فارس یا کرد، تبلیغاتی است که اجانب برای چپاول مخازنی که در این ممالک است، رواج می‌دهند که مسلمانان را از هم جدا کنند. مسلمین باید

ص: ۶۲

هشیار باشند که تحت تأثیر این تبلیغات واقع نشوند.صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۲. ایشان در سخنی دیگر می گوید:

نهضت اسلامی ایران، مظهر برادری شیعه و سنّی و هم گامی نژادهای مختلف کشور ایران است. شما خواهران و برادران عزیز باید توجه داشته باشید که دشمن اصلی؛ یعنی استعمار هنوز با وسایل مختلف دست اندرکار لنگ‌اندازی و تفرقه‌افکنی است.صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۸۴. امام چه نیکو از اهداف و دورنمای استعمارگران پرده برمی‌دارد که چگونه از ابزار قوم‌گرایی و ملی‌گرایی برای مبارزه با اسلام بهره می گیرند:

این مسائل بسیار محتمل است که از دست‌هایی که می‌خواهند ممالک اسلامی با هم وحدت پیدا نکنند، پیش آمده است. قضیه عرب را پیش کشیده‌اند و عجم را. در داخل ممالک، قضیه کرد را و عرب را و فارس را. در مملکت ما، قضیه کرد و عرب و لر و ترکمن و بلوچ و امثال اینها را پیش کشیده‌اند. مخالفین ما که دارای مطالعات زیادی در این مملکت‌ها هستند، اینها به آنجا رسیدند که چنانچه اسلام به آن طوری که هست، پیاده بشود و آن طوری که اسلام دعوت کرده است، تحقق پیدا بکند. تمام این قدرت‌هایی که در عالم هستند، اینها منعزل می‌شوند و قدرت بالاتر از همه قدرت‌ها به دست مسلمین که جمعیت‌شان اکثر هم.

ص: ۶۳

هست، ذخایرشان بیشتر هم هست، می‌افتد. از این جهت، در یک سطح وسیعی اینها بین عرب این ناحیه، ترک آن ناحیه، فارس این ناحیه، اینها جدایی می‌خواهند بیندازند و لهذا برخلاف منطق اسلام، این ملیت‌ها، پان ایرانیسم، پان ترکیسم، از این اسم‌ها درست می‌کنند و مقصد آنها این است که اینجا اسلام و منطق اسلام نباشد و ملیت‌ها را پیش بکشند و جدا کند اسلام را. بعض طایفه‌اش را از طایفه دیگر، اقلیت‌های مثلًا کرد و ترک و کذا، اصل قاعده‌اش این است که در ایران مطرح نباشد. اینکه این اقلیتی است، آن یک اقلیتی است، این یک اکثریتی است. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵.حضرت امام، آسیب‌های زیادی را در پی ملی گرایی افراطی ارزیابی می کرد و می‌فرمود:

با دست حکومت‌های فاسد و با تبلیغ حکومت‌های فاسد، این نژادپرستی‌ها و گروه‌پرستی‌ها در بین مسلمین رشد کرده، عرب‌ها را در مقابل عجم‌ها و ترک‌ها قرار دادند و عجم‌ها را در مقابل عرب‌ها و ترک‌ها را در مقابل دیگران و همه نژادها را در مقابل هم.

اینکه من مکرّر عرض می کنم که این ملی گرایی اسلامی، بدبختی مسلمین است، برای این است که این ملی گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا.همان، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

ص: ۶۴

امام خمینی رحمه الله در داخل کشور نیز همه اقوام را در پناه اسلام می‌دانست و آنان را از هرگونه تفرقه برحذر می‌داشت:

از اول پیروزی انقلاب تاکنون، در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده‌ایم که در اسلام، کرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیراینهـا مطرح نیست. اسـلام برای همه است و جمهوری اسـلامی حق همه گروه‌ها را با عـدالت اسـلامی ادا خواهـد کرد. صحیفه نور، ج ۹، ص ۷۱.البته امام راحل همواره در سخنان خویش حدود ملیت را هم در اسلام تبیین می‌کرد:

ما ملیت را در سایه تعالیم اسـلام قبول داریم و ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فـداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسـلام است، نه اینکه همه‌اش ملیت.همـان، ۲۰۳. اسـلام آمـده است که همه نژادها با همه باشـند. مثل دنـده‌های شانه می‌مانند. هیچ کـدام بر هیـچ کدام تفوق ندارند، نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه ترک بر هیچ یک از اینها و نه هیچ نژادی بر دیگری و نه سفید بر سیاه و نه سیاه بر سفید. هیچ کدام بر دیگری فضیلت ندارند.

فضیلت با تقواست؛ فضیلت با تعهد است؛ با تعهد به اسلام است.همان، ج ۱۲، ص ۲۸۱. از منظر حضرت امام خمینی رحمه الله:

ص: ۶۵

اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولت‌های اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند، نتوانند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه (دارند). تمام مسلمین با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند.صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

رهایی ملت‌های اسلامی در پرتو اتحاد

امام خمینی رحمه الله، رهایی مسلمانان را ثمره وحدت دولت‌ها و ملت‌های اسلامی می‌دانست و می‌فرمود:

به همین دلیل، امام می‌خواست تا دولت‌های اسلامی اختلافات جزئی خود را کنار بگذارند:

امیدوارم که مسلمین و ملت‌های اسلامی همان‌طور که دستور اسلام و قرآن مجید است، با هم، برادر باشند و نسبت به دشمنان انسانیت (و) کشورهای اسلامی با شدت و قدرت رفتار کنند و این حاصل نمی‌شود الّا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت‌ها هست، دست بردارند. برادر هم باشند. این اختلاف موجب بهره‌برداری دشمنان اسلام و مسلمین است. باید از این بهره‌برداری جلوگیری بشود به وحدت اسلامی و اینکه همه در

ص: ۶۶

تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند؛ زیرا آن‌طور که قرآن دستور داده «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ». (فتح: ۲۹)صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۳۵.

امام خمینی رحمه الله همواره از یک نکته اظهار نگرانی می کرد و آن، معمای تفرقه است:

برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامیّه و ملت‌های اسلام می‌دانند که این درد چیست. می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکند.

می‌بینند که با این تفرقه‌ها، ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود.

می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده- که اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند، او را سیل می‌برد- مع ذلک در مقابل او زبون هستند. معما این است که با اینکه اینها را می‌دانند، چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است، روی نمی‌آورند؟ چرا توطئه‌هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می‌برند، آنها توطئه‌ها را خنثی نمی‌کنند. آیا این معما چه وقت باید حل شود؟ همان، ج ۸، ص ۲۳۶.آن‌گاه روی سخن را به مسلمانان جهان برمی‌گرداند و می‌فرماید:

ای مسلمانان جهان، چه شد شما را که در صدر اسلام با عده

ص: ۶۷

بسیار کم، قدرت‌های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد کردید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، این‌چنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید، آنجا که می‌فرماید: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی؛ بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دو تا دو تا یا یک یک برای خداوند قیام کنید». (سبأ: ۴۶).صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

شاخص‌های اتحاد و هم‌بستگی

اشاره

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در سرزمین ایران، پیکره امت اسلامی که همواره از زخم کهنه تفرقه و جدایی رنج می‌برد، به یک‌باره با ندای «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا» جانی دوباره یافت. صدایی آشنا از زبان عالمی بزرگ برخاست و مسلمانان جهان، با شور و شعفی وصف‌ناپذیر به سوی این نوای عالمانه جذب شدند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، از آغاز جوانی، از برجسته‌ترین معتقدان به تقریب مذاهب اسلامی بود و پس از مرجعیت نیز اهتمام ویژه‌ای به این امر داشت. در گلستان اعتقادی و اندیشه حضرت امام

ص: ۶۸

خمینی رحمه الله، می‌توان گل‌های معطری را دید. اکنون به اصول اساسی اتحاد اسلامی در نگاه ایشان می‌پردازیم:در تدوین این شاخصه‌ها از مقاله «اعتقاد به ضرورت و هم‌بستگی مذاهب اسلامی»، بیژن شهرامی، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی رحمه الله و احیای تفکر دینی استفاده شده است.

الف) تشکیل حکومت اسلامی

امام خمینی رحمه الله، عامل اساسی و بنیادین اختلاف در پیکره امت اسلامی را «فقدان قدرت سیاسی» می‌دانست. بی‌شک، بدون اتکا به قدرت سیاسی اسلامی نمی‌توان کاری سازنده و اصلاحاتی ریشه‌دار انجام داد.

امروزه اگر مسلمانان با یکدیگر متحد نباشند، قدرت عظیم آنان در پیچ و خم اختلاف‌نظرهای ناشی از تعدد مراکز تصمیم‌گیری، تحلیل خواهد رفت.

تشکیل حکومت واحد اسلامی، از مهم‌ترین جلوه‌های اعتقاد بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به هم‌بستگی پیروان مذاهب مختلف اسلامی است، آن‌گونه که بازتاب آن را در آثار مکتوب حضرت امام می‌توان دید. برای مثال، ایشان در جایی می‌نویسد:

و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام، مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان، به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارضی خواهید رساند. به امید

ص: ۶۹

آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.صحیفه انقلاب، صص ۳۵ و ۳۶. شکل‌گیری حکومت واحده اسلامی، در گرو هم‌بستگی مذاهب اسلامی بر اساس مشترکاتی مانند قرآن، سنّت پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

همه مسلمین ید واحده باشند بر من سواهم. هرکس در محیط خودش با هر حکومتی که هست و با هر مذهبی که هست، در محیط خودش باشد و مستقل باشد، لکن کما اینکه مسلمان است، با مسلمین دیگر اخوت داشته باشد، دوستی داشته باشد، پیوند داشته باشد. ارتش‌های همه کشورهای اسلامی پشتیبان هم باشند.سخنرانی در دیدار با مهمانان خارجی هفته وحدت، ۲۰/ ۱۰/ ۱۳۶۰.

امروزه بسیاری از کشورهای جهان، درصدد ایجاد نوعی وحدت میان خویش هستند. ازاین‌رو، شاهد تشکیل ده‌ها اتحادیه منطقه‌ای و بین‌المللی در سطح جهان هستیم. طرح وحدت کامل کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در قالب یک کشور واحد و گسترده با ایالات فدرال و دولت مرکزی، ارتش، پول و پارلمان واحد و موارد مشترکی مانند آن، نمونه برجسته‌ای از این‌گونه تلاش‌هاست.

ایده تشکیل حکومت اسلامی، از عقاید و اندیشه‌های متعالی حضرت امام سرچشمه گرفته است که تجلی قدرت و هم‌بستگی مذاهب اسلام را در آن به روشنی می‌توان دید. البته یاوران حضرت امام، در راه

ص: ۷۰

تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد قدرت سیاسی، تنها شیعیان و دلدادگان مذهب جعفری نبودند، بلکه بسیاری از پیروان دیگر مذاهب اسلامی که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اهمیت هم‌گرایی مذاهب اسلامی را دریافته بودند، ایشان را در این زمینه یاری کردند. امام راحل به بیان‌های مختلف از این قدرت بزرگ اسلامی یاد می‌کند و می‌فرماید:

اگر تمام مسلمین باهم متحد شوند، قدرتی خواهند بود که هیچ قدرتی در مقابل آنها نمی‌تواند ایستادگی کند. پیام امام راحل به مناسبت روز قدس، ۱۷/ ۵/ ۱۳۵۸.کشورهای اسلامی اگر هم به یک نقطه روی آورند و آن نقطه اسلام است، با این جمعیت زیادی که دارند، با این تجهیزاتی که دارند، با این سلاح‌هایی که در اختیار دارند، مثل نفت و غیر نفت، در دنیا به آقایی می‌رسند.سخنرانی در جمع نمایندگان سازمان‌های آزادی‌بخش جهان، ۲۰/ ۱۰/ ۱۳۵۸.

ب) برقراری روابط حسنه دولت اسلامی با دولت‌ها و ملت‌های مسلمان

با بررسی و مقایسه روابط پیش و پس از انقلاب، درمی‌یابیم که سردمداران نظام پیشین، در پی ایجاد روابط با کشورها و ملل اسلامی و تقویت پیوند با دولت‌های استعمارگر بودند. پیوندهایی که جز تیره‌روزی، چپاول ثروت‌های سرشار ملی، تهاجم فرهنگی، سست شدن مبانی ارزشی و اعتقادی جامعه، تحقیر روزافزون مردم، وابستگی‌های روزافزون، عقد قراردادهای خانمان‌سوز و مواردی مانند آن، ره‌آورد

ص: ۷۱

دیگری برای ملت مسلمان نداشت. فرهنگ سراسر غربی نیز بر زندگی مردم حاکم بود. امام راحل دراین باره فرمود:

فرنگی مآبی از سرتا پا و در تمام نشست و برخاست‌ها در معاشرت‌ها و تمام شئون زندگی، موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. صحیفه انقلاب، ص ۱۵.عملکردهای نظام اسلامی، پس از انقلاب نشان می‌دهد که دولت اسلامی، در جهت مخالف طاغوت گام برداشته است. الزام دولت اسلامی در ایجاد روابط حسنه با دول و ملل اسلامی و قطع هرگونه رابطه با دولت‌هایی که برخلاف مصالح اسلام و مسلمانان گام برمی‌دارند، نشانه آشکاری از اعتقاد ژرف حضرت امام خمینی رحمه الله به هم‌بستگی مسلمانان جهان با یکدیگر است. امام خمینی رحمه الله در رهنمودی می‌فرماید:

ما می‌گوییم که شما با هم باشید، همه مسلمین با هم باشند، ما نه با آن یکی روابطی داریم، نه با شما روابطی داریم و با همه و همه روابط داریم. همه شما را علی السوی نگاه می‌کنیم و همه مسلمین در نظر ما اگر چنانچه به احکام اسلام عمل بکنند،

ص: ۷۲

عزیزند. ملت اسلام را، تُرکش باشد، عربش باشد، عجمش [باشد]، از افریقا باشد، از امریکا باشد، از هر جا باشد، عزیز می‌داریم. ما می‌گوییم آقا [همه] دست به دست هم بدهند. شما یک جبهه ثلاثه درست نکنید و پیوند نکنید با اسرائیل .... آوای انقلاب، ص ۱۷۱.قطع روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت اسلامی ایران با اسرائیل غاصب، ایالات متحده امریکا و رژیم‌های وابسته به آنها گویای عملی این مدعاست. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

مسلمین باید با هم ید واحده باشند. اینها باید دست واحده باشند، مجتمع باشند، یکی باشند و خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدایی ملت‌ها ندانند.سخنرانی در دیدار با افسران ارتش پاکستان، ۳/ ۹/ ۱۳۵۸.

ج) تلاش برای رفع اختلاف میان امت اسلامی و مسؤولیت علمای اسلام

خداوند در آیه‌ای از قرآن مجید می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند. پس همیشه میان برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید. باشد که از رحمت الهی بهره‌مند شوید.

ص: ۷۳

حضرت امام خمینی رحمه الله با آگاهی کامل از پی‌آمدهای جبران‌ناپذیر درگیری‌های تفرقه‌افکن میان ملل اسلامی که نمونه برجسته آن، کشمکش‌های خونین و طولانی دو دولت و شیعی صفوی و سنّی عثمانی است، در راه ایجاد اتحاد و هم‌بستگی میان ملل اسلامی بسیار می‌کوشید.

ازاین‌رو، با رهنمودهای حکیمانه امام، نظام اسلامی توانست اختلاف‌های شیعه و دیگر مذاهب اسلامی را به نیکوترین شکل ممکن برطرف سازد و راه را برای تحقق وحدتی ریشه‌دار و پایدار میان مسلمانان هموار کند. از آن پس نیز نظام اسلامی که به ضرورت هم‌بستگی مذاهب اسلامی برای رفع اختلاف میان امت اسلامی اعتقاد کامل دارد، توانسته است اعتماد دولت‌ها و ملت‌ها گروه‌های مبارز اسلامی را جلب کند و گام‌های ارزشمندی را برای ایجاد تفاهم و برادری میان آنان برداشته است.

امروزه کم نیستند افرادی که صحیفه فاطمیه و جامع علی بن ابی‌طالب علیه السلام را قرآن مذهب امامیه می‌پندارند. آنان معتقدند امامیه، کتابی متفاوت با قرآن دیگر مسلمانان در حجاز و غیرحجاز دارد. افزون بر این، تهمت‌های ناروای دیگری به شیعیان وارد می‌سازند. از سوی دیگر، کم نیستند افرادی که محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام را به پیروان مذهب امامیه محدود و منحصر کرده‌اند و دیگر مذاهب اسلامی را از آن بیرون می‌پندارند. البته امروزه در میان مذاهب اسلامی، گروه‌های ضاله‌ای مانند غُلات در شیعیان و خوارج و نواصب در اهل‌سنّت وجود دارند که از محدوده اسلام خارج شده‌اند، ولی اینکه به آسانی حکم تکفیر آنان داده شود، بسیار نادرست است. این کار از نادانی، تعصب کورکورانه، ناآگاهی

ص: ۷۴

از دسیسه‌های دشمنان اسلام، فرقه‌گرایی، هوا و هوس، بدعت‌های سیاسی و ملاک قرار دادن اقوال غیرعلمی یا عامیانه سرچشمه می‌گیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی، مسلمانان را از تکفیر یکدیگر بازمی‌دارد و می‌فرماید:

مَنْ اسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنا وَ أَكَل ذَبِيحَتَنا فَهُوَ الْمُسلِمُ لَهُ ما لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيهِ ما عَلَى الْمُسْلِمِ وَ حِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ.عبدالرزاق الصنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۱۲۹.

هر کس به قبله ما رو کند و از گوشتی که مسلمان ذبح کرده است، بخورد، وی مسلمان است و هرچه سود یا زیان دیگر مسلمانان است، برای او نیز جاری است و رسیدگی به اعمالش با خداوند می‌باشد.

تفرقه و جدایی، عامل ویرانگری است که همواره موجودیت اسلام را تهدید کرده است. حضرت امام خمینی رحمه الله با درک خطرهای بی‌شمار این امر، پیروان مذاهب اسلامی را از اختلاف بر حذر داشته و به هم‌بستگی دعوت کرده و فرموده است:

چنانچه کراراً اعلام کرده‌ام، اگر ملت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند، اگر "علمای اسلام "احساس مسئولیت نکنند و به پا نخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحریک کلیه فرق مسلمین در مقابل بیگانگان است و ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست

ص: ۷۵

عوامل و ایادی اجانب، همین‌طور در زیر پرده سیاه استعمار پوشیده بماند و آتش اختلاف و تشتت در میان مسلمین افروخته گردد، روزهای سیاه‌تر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است و خطر ویران‌کننده‌ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن می‌باشد.صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۴۳. از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ایجادکنندگان اختلاف میان شیعه و سنّی، نه شیعه‌اند و نه سنّی، بلکه از محدوده دین مبین اسلام خارجند.

د) هشیاری در برابر توطئه‌های مخالفان وحدت اسلامی

تلاش مخالفان وحدت اسلامی در حذف عوامل وحدت‌آفرین بسیار گسترده و مرموزانه است، به‌گونه‌ای که گاه برای اجرای نقشه‌های شومشان از خود مسلمانان بهره می‌گیرند. البته شناخت این توطئه‌چینی‌ها بسیار مشکل است و رویارویی با آنها بسیار دشوارتر است. امام خمینی رحمه الله با هشیاری و ژرف‌اندیشی، بسیاری از دسیسه‌های مخالفان جهانی وحدت اسلامی را آشکار ساخت و مقصد و اهداف شوم آنان را به همگان شناساند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرماید:

دولت‌های استعمارطلب با دولت‌هایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله‌های مختلف، با نیرنگ متعدد، دول اسلامی [و] سران دول اسلامی را اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنّی اختلاف ایجاد می‌کنند .... در دول اسلامی بین

ص: ۷۶

طوایف مسلمین به اسم اسلام و به اسم مذهب چیزهایی پخش می‌کنند، تبلیغاتی می‌کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنّی پیدا بکنند و آنها به ذخایری که مسلمین دارند، دسترسی پیدا بکنند و نتوانند مسلمین کاری انجام بدهند.صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۲۳. بصیرت و ژرف‌اندیشی حضرت امام خمینی رحمه الله بسیار ستودنی است.

ایشان به تمام مسلمانان که در کنگره بزرگ حج گرد هم می‌آیند، یادآوری می‌کند:

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره‌برداری شود، با کمال تأسف دیده می‌شود که بعضی قلم‌های مسموم عمّال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سال‌هاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم «الخطوط العریضه» و امثال آن نشر می‌دهند و به مستعمرین کمک می‌کنند [و] با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری را از صفوف مسلمین جدا می‌کنند و جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می‌دهد این اوراق گمراه‌کننده در مرکز وحی پخش شود.صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۹۵. بر ملت اسلامی لازم است که از این‌گونه کتاب‌ها و نشریات تفرقه‌انگیز و استعماری اجتناب کنند و این اشخاص مخالف

ص: ۷۷

وحدت مسلمین را طرد نمایند و در این اجتماع مقدس، اولًا در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها، با دست استعمار و عمّال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس، گرفتاری‌های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.همان.

ه) لزوم تعامل برادرانه پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر

پس از به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، دشمنان داخلی و خارجی کوشیدند انقلاب اسلامی را جریانی فرقه‌گرا و صرفاً شیعی معرفی کنند که پس از پیروزی، اقلیت‌های مذهبی را به کلی از صحنه اجتماع طرد خواهد کرد و بر اقلیت‌های دینی مسیحی، زرتشتی و یهودی خواهد تاخت.

حضرت امام خمینی رحمه الله در گفت‌وگوهای مکرر با خبرنگاران رسانه‌های گروهی کوشید تا این توطئه را خنثی کند. ایشان فرمود:

اولًا برادران اهل سنّت هرگز از اقلیت‌های مذهبی نیستند. ما بارها گفته‌ایم که رفتارمان با اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد بود. اسلام، آنان را محترم شمرده است. ما به آنان تمام حقوقشان را می‌دهیم. آنان حق دارند در مجلس وکیل داشته باشند و آزادانه به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی بپردازند و آزادانه امور مذهبی خود را انجام دهند.صحیفه نور، ج ۳، ص ۲.

ص: ۷۸

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید:

ائمه اطهار ما سفارش کردند، به ما بپیوندید. با هم و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد بر هم بزند یا جاهل است و یا مغرض و نباید به این حرف‌ها گوش بکنند. برادران سنّی ما نباید به یک تبلیغاتی که از طرف دشمنان اسلام می‌شود، ترتیب آثار بدهند. ما با آنها برادر هستیم. آنها با ما برادر هستند. این مملکت، مال همه ما هست. مال همه ما، مال اقلیت‌های مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنّت ما، همه ما با هم هستیم.همان، ص ۲۳۴. ایشان برای آسوده کردن خاطر پیروان مذاهب و ادیان الهی این گونه می‌فرماید:

تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل کند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.همان، ج ۱، ص ۱۲۸. امروزه در ایران اسلامی، پیروان مذاهب اربعه اهل سنّت، مانند برادران شیعه در عمل به احکام مذهبی‌شان به طور کامل آزادند. حتی مسائل فقهی مذاهب آنها در مراکز صدا و سیمای استان‌های محل سکونتشان رعایت می‌شود و دروس احکام ویژه را به آنها می‌آموزند.

ص: ۷۹

دادگاه‌ها نیز در شهرستان‌هایی که پیروان مذاهب اربعه اهل سنّت در آن سکونت دارند، مسائل فقهی مذاهب را رعایت می‌کنند. حوزه‌های علوم دینی نیز با بهره‌مندی از حمایت‌های مادی و معنوی حکومت اسلامی، به تربیت طلاب می‌پردازند. خیابان‌ها، معابر، مراکز آموزشی، فرهنگی و تفریحی نیز که به نام مشاهیر مسلمان سنّی و شیعه نام‌گذاری شده، به سهم خویش، نمادی زیبا از هم‌بستگی مذاهب اسلامی است.

و) مبارزه با ملی‌گرایی افراطی

مهم‌ترین حربه استعمار در تجزیه جهان اسلام به بیش از پنجاه کشور، دامن زدن به افکار تند ناسیونالیستی در میان مسلمانان بود. هنگامی که استعمار از رویارویی با یک دولت واحد و متحد اسلامی باز ماند، به فکر تجزیه آن افتاد و این راه‌کار مخرب، موجب تجزیه امپراتوری مقتدر اسلامی، تشدید اختلاف‌ها، برافروخته شدن آتش جنگ‌های مذهبی، بازماندن از پیشرفت‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی، بر باد رفتن ذخایر و ثروت‌های قومی و ملی و روی کار آمدن حکومت‌های وابسته و دست‌نشانده شد.

اهتمام حضرت امام خمینی رحمه الله در مبارزه با ملی‌گرایی افراطی، جلوه دیگری از اعتقاد ایشان به هم‌بستگی مذاهب اسلامی است. ایشان در رهنمودی می‌فرماید:

از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان طرح و عمّال استعمارگر در تبلیغ آن به پا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند. در حب وطن

ص: ۸۰

حرفی نیست، ولی ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمانان و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین است.پیام به زائران بیت‌اللَّه‌الحرام، ۲/ ۶/ ۱۳۵۹. با نگاهی به آخرین سال‌های حاکمیت رژیم پهلوی، درمی‌یابیم که نظام حاکم، با دامن‌زدن به افکار ناسیونالیستی، برای نابودی اسلام می‌کوشید. به همین دلیل، برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله؛ تغییر مبدأ تاریخ رسمی کشور از هجرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به تاج گذاری بنیان گذار سلسله هخامنشیان؛ مبارزه با زبان قرآن و حدیث و زبان فارسی قوت گرفته از زبان عربی؛ نشر افکار زرتشتی آریاپسندانه و مواردی مانند آن، در دستور کار طاغوت قرار گرفته بود.

آیت الله مرتضی مطهری که سال‌ها از اندیشه و دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله بهره گرفته است، می‌نویسد:

استعمار برای اینکه اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» را اجرا کند، راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان کند و آنها را سرگرم افتخارات موهوم نماید. به هندی بگوید تو سابقه‌ات چنین است و چنان، به ترک بگوید نهضت جوانان ترک ایجاد کن و «پان ترکیسم» به وجود آور. به عرب بگوید روی «عروبت» و «پان عربیسم» تکیه کن و به ایرانی بگوید نژاد تو آریایی است و تو باید حساب خود را از اعراب که از نژاد سامی است، جدا کنی.مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۵.

ص: ۸۱

ز) اشتراکات؛ زمینه‌ساز وحدت مذاهب اسلامی

آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ. (بقره: ۲۸۵)

رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد، ایمان آورد و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتاب‌ها و پیامبران خدا ایمان آوردند و گفتند ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاشته‌ایم و همه یک زبان و یک‌دل، فرمان خدا را شنیدیم و اطاعت کردیم.

پروردگارا! ما آمرزش تو را می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

مسلمانان جهان، خواه شیعه، خواه سنّی به خدای واحد، عالم غیب، معاد، قرآن کریم، نبوت و رسالت نبی مکرم اسلام ایمان دارند و رو به سوی یک وادی مقدس نماز می‌گزارند؛ زمانی یکسان امساک می‌کنند؛ در موسمی مشخص به حج می‌شتابند و مانند هم زکات می‌پردازند. با وجود این، دسیسه‌های دشمنان اسلام و جهالت برخی از بزرگان و رهبران مذاهب، موجب پراکندگی مذاهب و اختلاف‌نظرهای فراوان شده است.

هر چند مسلمانان در اصول عقیدتی و قطعیات شریعت و هر آنچه ملاک اسلام و کفر است، مشترک هستند، ولی در پاره‌ای موارد مانند مسائل فقهی و عملی، بسان فروع، عبادات، معاملات، ارث، قصاص و دیات و دیگر مطالب فقهی، اختلاف‌نظر دارند. این اختلاف‌ها در طرح ناهمگون

ص: ۸۲

این‌گونه مسائل از سوی رؤسای مذاهب و متکلمین و مجتهدان آنها در دوره زمانی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ریشه دارد، ولی هیچ یک از این موارد نمی‌تواند عامل تفرقه و جدایی باشد.

حضرت امام خمینی رحمه الله به تبیین علایق مشترک میان مذاهب اسلامی اهتمام ویژه‌ای داشت و می‌فرمود:

دولت‌های اسلامی باید به منزله یک دولت باشند، کأنّه یک جامعه هستند، یک پرچم دارند، یک کتاب دارند، یک پیغمبر دارند. اینها همیشه باید با هم متحد باشند، با هم علاقه‌های همه‌جانبه داشته باشند. اگر چنانچه این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است تا بر مشکلات خودشان غلبه کنند و قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند.صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۲۲. ایشان در کلامی دیگر فرمود:

علایق ما با ملت‌های همسایه و مسلمان عرب دارای ویژگی‌های خاص اسلامی است. لذا ما خواستار نزدیکی هر چه بیشتر این ملت‌ها با هم می‌باشیم. این استعمار و دست اجانب است که اختلاف میان این مسلمانان انداخته و می‌اندازد.صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۳۲. اگر به کتاب‌هایی که علمای اهل سنّت درباره مذهب شیعه نگاشته‌اند یا به آثار علمای شیعه درباره مذاهب اهل سنّت نظری داشته باشیم،

ص: ۸۳

می‌بینیم که برخی نویسندگان بدون برخورداری از روحیه علمی و رعایت بی‌طرفی، دست به قلم برده و به جای بیان حقیقت، به خرده‌گیری از طرف مقابل پرداخته‌اند. بنابراین، دامن‌زدن به این کتاب‌ها به جای پرداختن به علایق مشترک، نتیجه‌ای جز تفرقه و پراکندگی به همراه ندارد. آیت الله خامنه‌ای، خلف صالح حضرت امام که در خط و فکر متعالی ایشان گام برمی‌دارد، در رهنمودی به مسئولان فرمود: «هرچه از این قبیل کتب (کتاب‌های ضد شیعه و انقلاب اسلامی) می‌رسد، به کناری بگذارید و به هیچ وجه روی آنها بحث نکنید».منشور هم‌بستگی، ص ۱۰۴.

ح) تعیین روز جهانی قدس

تعیین «روز جهانی قدس» از سوی حضرت امام خمینی رحمه الله در دفاع از آرمان قدس شریف و ملت مسلمان سنّی مذهب فلسطین، نشان‌دهنده عنایت ویژه ایشان به سرنوشت امت اسلامی، خواه شیعه و خواه سنّی بود.

هدف والای ایشان افزون بر آزادی فلسطین و قدس شریف، ایجاد وحدت و هم‌بستگی میان مسلمانان جهان است. ایشان می‌فرماید: روز قدس، روز اسلام است، روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلامی در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرت‌ها هشدار بدهیم که اسلام، دیگر تحت سیطره عمّال خبیث شما واقع نخواهد شد. روز قدس، روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند. باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند، قدرت‌های

ص: ۸۴

مادی، قدرت‌های معنوی مسلمین که یک میلیارد جمعیت هستند و پشتوانه خدایی دارند و اسلام پشتوانه آنهاست.همان، ص ۲۸۷. حضرت امام خمینی رحمه الله با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان «روز قدس»، به زیبایی، هم‌بستگی بین‌المللی مسلمانان را خواستار شد. پیام امام به مناسبت نام‌گذاری، به درستی گویای این آرمان بلند است.

ایشان می‌فرماید:

من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی، هم‌بستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۷۹.

ط) تعیین هفته وحدت در پرتو انقلاب اسلامی

برپایی مراسم میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دو روز جداگانه (دوازدهم و هفدهم) از ماه ربیع‌الاول، نه‌تنها شکوه و ابهتی را نداشت که از آن انتظار می‌رفت، بلکه‌جلوه‌ای از دو دستگی مسلمانان‌بود. این‌وضع‌نامناسب ادامه داشت تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام

ص: ۸۵

خمینی رحمه الله، دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول هر سال، «هفته وحدت» نام‌گذاری شد. بدین ترتیب، مسلمانان جهان یک‌صدا و هم‌سو، یک هفته را به نام نامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرامی داشتند و «هفته وحدت» هر سال باشکوه‌تر از سال پیش گرامی داشته شد. امام خمینی رحمه الله درباره شکوه این روز مبارک در سایه وحدت می‌فرماید: «این عید بزرگ سرمنشأ تمام برکات در عالم است و مرکز وحدت مسلمین در جهان است.»صحیفه امام، ص ۱۵۹.

م) هم‌بستگی مذاهب اسلامی؛ آرمان حضرت امام

امام خمینی رحمه الله پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره بر هم‌بستگی مذاهب اسلامی تأکید و سفارش می‌کرد. ایشان در کلامی وحدت‌آفرین فرمود:

گمان نکنند برادرهای سنّی ما که در اسلام، این معنا مطرح باشد که فرقی میان شما و ما باشد. همان‌طور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دوتاست، لکن برادرند همه، دشمن نیستند. این هم یک مذهب خاصی است که دشمنی در کار نیست. همه برادر، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم صلی الله علیه و آله [هستیم].صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۴۶.

نگاهی به فتاوای حضرت امام خمینی رحمه الله گویای این مدعاست. برخی از این فتواها عبارتند از:

ص: ۸۶

۱. «اگر اول ماه ذی‌حجه نزد علمای اهل سنّت ثابت شد و حکم کردند به اول ماه، باید حجاج شیعه از آنها تبعیت کنند و روزی را که سایر مسلمین به عرفات می‌روند، آنها نیز بروند و حج آنها صحیح است».

۲. «خارج شدن از مسجدالحرام یا مسجد مدینه به هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست و بر شیعیان واجب است که با آنان نماز جماعت بخوانند».

۳. «در مسجدالحرام و مسجد رسول اللّه صلی الله علیه و آله، مهر گذاشتن و سجده کردن بر آن حرام است و نماز اشکال پیدا می‌کند».پیام به زائران شیعی خانه خدا، ۲۹/ ۶/ ۱۳۵۸؛ رسانه نوین، ج ۱، ص ۱۶۲. حضرت امام در تاریخ ۲۳/ ۱۱/ ۱۳۵۷ در پیامی به ملت ایران فرمود:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم. واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنّی اصلًا در کار نیست. ما همه باهم برادریم .... صحیفه نور، ج ۵، ص ۷۷.ما پیوستگی خودمان را به اقلیت‌های مذهبی اعلام می‌کنیم.

ما برادری خودمان را به برادران اهل سنّت اعلام می‌کنیم.

دشمنان اسلامند که می‌خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند.همان، ص ۳۷.

ص: ۸۷

ن) دعوت دولت‌های اسلامی به اتحاد و هم‌بستگی

حضرت امام خمینی رحمه الله افزون بر دعوت عموم مسلمانان به ویژه علما و زعمای مذاهب به تلاش برای ایجاد هم‌بستگی و اتحاد اسلامی، دولت‌مردان جهان اسلام را نیز به تلاش برای تحقق این ایده حیاتی دعوت و نتایج حاصل از تفرقه و جدایی را بارها به ایشان گوشزد کرده است. ایشان می‌فرماید:

ما می‌دانیم و مسلمین هم، بلکه مهم دولت‌های اسلامی هم، همه می‌دانند که آنچه به ما می‌رسد و رسیده است، از دو مشکل است: یکی مشکل بین خود دولت‌هاست که مع‌الاسف، تاکنون نتوانسته‌اند این مشکل را حل بکنند و آن مشکل اختلافات بین خودشان هست و آنکه نمی‌دانند منشأ همه گرفتاری‌های مسلمین، این اختلافات است و ما هم بیش از قریب به بیست سال است که در این موضوع سفارش کردیم، گفتیم، نوشتیم، دعوت کردیم سران دولت‌ها را بر این اتحاد، لکن مع‌الاسف تاکنون حاصل نشده است و مشکل دوم مشکل دولت‌ها با ملت‌هاست که دولت‌ها با ملت‌ها طوری رفتار کردند که ملت‌ها پشتیبان آنها نیستند.صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۷۸. از آنجا که برخی از دولت‌های حاکم بر ممالک اسلامی، برخلاف مصالح امت اسلامی گام برمی‌دارند، حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنی

ص: ۸۸

دیگر، از این آسیب جدی در جهان اسلام چنین یاد می کند:

مصیبت مسلمین، بسیارش از دولت‌های اسلامی سرچشمه می گیرد. دولت‌های اسلامی که باید باهم، هم‌صدا باشند، هم‌فکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب و همه هم می‌بینند که با اختلافاتی که بینشان هست، دیگران نتیجه می گیرند؛ درد را می‌دانند، لکن دنبال دوا نمی‌روند، بلکه هر روز اختلافاتشان بیشتر می‌شود و جدایی از هم بیشتر پیدا می کنند و دولت‌های بزرگ هم حرفشان همین است که ما از هم جدا باشیم و با هم، بلکه دشمن باشیم و اشتغال پیدا بکنیم به حال هم و آنها استفاده کنند. باید مسلمین فکر اساسی برای خودشان بکنند و دولت‌های اسلامی فکر اساسی بکنند.صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۶.آشکار است که بسیاری از مشکلاتی که گریبان‌گیر جهان اسلام شده، از پی‌آمدهای تفرقه و اختلاف مسلمانان است. البته بسیاری از این تفرقه‌ها و اختلاف‌ها نیز در نوع برخوردها و سیاست گذاری‌های دولت‌های اسلامی با یکدیگر ریشه دارند. با این حال، روزنه‌هایی از امید، در هم‌اندیشی‌ها و موضع گیری‌های هم‌سوی مسلمانان در کنفرانس‌های اسلامی بیش از گذشته دیده می‌شود.

ص: ۸۹

فصل دوم: اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیدگاه رهبری

اشاره

رهبر معظم انقلاب در آغاز سال ۱۳۸۶، با هدف پاسداشت و گسترش دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی و هشیاری و استقامت ملت ایران و مسلمانان جهان در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام، امسال را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام نهاد. ایشان مانند بنیان‌گذار انقلاب، از دیرباز در اندیشه اتحاد میان مسلمانان بوده و این مهم، در موضع‌گیری‌ها و اندیشه‌های ایشان به چشم می‌خورد.

در نگاهی گذرا به بیانات مقام معظم رهبری در بحث "وحدت، "با دو حوزه اصلی و محوری آشنا می‌شویم: وحدت ملی، انسجام اسلامی.

ایشان در پیام نوروزی سال جدید، به این دو حوزه یکجا اشاره کرده و فرموده‌اند:

یک ملت زنده، با چالش‌ها مواجه است؛ چالش‌ها، لازمه زنده بودن است. هر موجود زنده‌ای باید هزینه زنده بودنِ خود را

ص: ۹۰

بپردازد تا بتواند به اهداف خود دست پیدا کند. زنده بودن همراه با چالش‌هاست؛ همراه با مانع‌هاست؛ از مانع‌ها باید عبور کرد. احیاناً همراه با دشمنی‌هاست. برای دشمنی‌ها باید تدبیر و اندیشه راسخ داشت ....

با نگاه به حوادث و مسائل جهانی به روشنی درمی‌یابیم که دشمنان ملت ایران درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند (آنچه که امروز در دنیا محسوس است، این است). یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از بین بردن یک‌پارچگی ملت ایران و از دست ملت ایران این نیروی عظیم وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن. و دومی، ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود. این دو، چیزی است که در نقشه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دشمنان ما به طور محسوس وجود دارد که اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند، قابل حدس بود، ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.

آیت الله خامنه‌ای با توجه به تشدید هجوم دشمنان در سال گذشته برای ایجاد شکاف در صفوف متحد مردم ایران از سویی و حمله‌های ویرانگر به وحدت برادران اسلامی در سرتاسر جهان اسلام، با هشیاری کامل، امسال را به سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی اختصاص داد تا ملت ایران و امت بزرگ اسلامی، به این توطئه بزرگ و ویرانگر نگاه ویژه‌ای داشته باشد. ایشان درباره اهمیت اتحاد ملی و انسجام اسلامی می‌فرماید:

ص: ۹۱

مسئله دیگر، مسئله اتحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاش‌های موذیانه گوناگون خود سعی می‌کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند. به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش‌های صنفی، وحدت کلمه ملت را از بین ببرند. علاوه بر این، در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند؛ اختلاف مذهبی را بزرگ کنند؛ جنگ شیعه و سنّی را در هر نقطه‌ای از دنیا که ممکن باشد، به وجود بیاورند و عظمت و ابهت ملت ایران را در میان ملت‌های دیگر- که روزبه‌روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده- از بین ببرند.

ملت ما باید هشیار باشند. تلاش برای سازندگی کشور و عمده‌تر و مهم‌تر از آن، تلاش برای اتحاد کلمه و یک‌پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی ادامه یابد. عاقلانه، هشیارانه، خردمندانه و مدبّرانه بایستی این اتحاد را حفظ کرد و روزبه‌روز تقویت کرد.

من به همین جهت به مسئله اتحاد کلمه ملت‌مان اهمیت می‌دهم و به نظر من، امسال، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما، اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین‌المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها. امروز عظمت اسلام هم وابسته به استقلال ملت‌ها و عزم راسخ

ص: ۹۲

ملت‌هاست و ملت مسلمان ایران در این راه تاکنون بحمداللّه، پرچم‌دار بوده است و پرچم‌دار هم خواهد بود.

ناگفته پیدا است که در گرداب حوادث سهمگین، دیدگاه‌ها و موضع گیری‌های رهبر و ناخدای امت اسلامی می‌تواند ره‌گشا و گره‌گشا باشد. بنابراین، شایسته است با بررسی دیدگاه‌های رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، با اتکا به این نگاه‌های ظریف و حکیمانه، راه را از بی‌راهه باز شناسیم. آن‌گاه پس از آگاهی از دیدگاه‌های سازنده ایشان، برای به کار بستن این نظریه‌های متعالی در دو ساحت وحدت ملی و انسجام اسلامی، بیش از پیش کوشا باشیم.

به همین دلیل مجموعه دیدگاه‌های ایشان در این نوشتار، در دو بخش اصلی تقسیم و طبقه‌بندی شده است. «بخش اول» به نقطه نظرات معظم له در باب اتحاد و وحدت ملی اختصاص یافته و در «بخش دوم» مبحث «انسجام اسلامی» مطرح شده است.

ص: ۹۳

بخش اول: اهمیت وحدت ملی

اشاره

نگاهی گذرا به سخنان مقام معظم رهبری در دو دهه اخیر، اهمیت و ضرورت وحدت را نشان می‌دهد:

«وحدت ملی»، همان چیزی است که می‌تواند پشتوانه همه تلاش‌های دولت‌مردان و مسئولان و مبارزان و دل‌سوزان این کشور و این انقلاب باشد. بدون وحدت ملی، این کشور، بزرگترین نیروی خود و مایه عظمت خودش را نخواهد داشت. می‌بینیم کسانی تلاش می‌کنند تا این وحدت را خدشه‌دار کنند. یقیناً آنها دوستان این ملت نیستند. وحدت ملی، شعار اساسی و حیاتی برای کشور ماست. مخاطب این شعار هم افراد خاصی نیستند؛ سیاستمداران و کسانی که در صحنه سیاست، حضور و فعالیت دارند، بسیار مسئولند. وحدت ملی برای همه ملت، شعار بزرگی است. (۱/ ۱/ ۱۳۷۹)

کسانی وحدت ملی را نه به عنوان شعارهای مذهبی، بلکه با

ص: ۹۴

شعارهای سیاسی خدشه‌دار می‌کنند. ما قبلًا به اینها نصیحت کردیم؛ امروز هم نصیحت می‌کنیم که نگذارند وحدت این ملت بزرگ و متّحد خدشه‌دار شود. جدا کردن بدنه‌های این ملت بزرگ از یکدیگر، خدمت به دشمنان این ملت است. اگر این ملت بزرگ و رشید، وحدت ملی را در این کشور حفظ کند، آن وقت این وحدت، برای وحدت ملت‌های دیگر زمینه‌سازی می‌شود. اگر یک امت اسلامی با حدود یک و نیم میلیارد نفر جمعیت، در مسائل اساسیِ خودشان متحد باشند، شما ببینید چه قدرت عظیمی در دنیا به وجود می‌آید. اما اگر وحدت ملی خدشه‌دار شد، دیگر حرف زدن از وحدت جهان اسلام یک سخن افسانه‌گون است و همه می‌خندند. عده‌ای می‌خواهند این را به وجود بیاورند. (۱۶/ ۱/ ۱۳۷۹)

اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می‌کند که کارهای خود، مسئولیت‌های خود، وظایف بزرگ خود و برنامه‌های سازنده خود را اجرا کند. می‌تواند به اقتصاد مردم برسد؛ به اشتغال مردم برسد؛ به مسائل زندگی مردم رسیدگی کند؛ به مسئله فرهنگ کشور رسیدگی کند. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دایماً تشنج سیاسی باشد، اول کسی که ضربه می‌خورد، دولت است؛ چون نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه‌های مسئول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد. (۲۶/ ۱/ ۱۳۷۹)

رهبر معظم انقلاب هرگونه اختلاف و تشنج‌آفرینی را عامل نابودی امکانات کشور می‌شمارد و همچون امام راحل، بیش از همه، مسئولان و

ص: ۹۵

سیاست‌گذاران عالی‌رتبه نظام را به وحدت و پرهیز از اختلاف فرامی‌خواند:

اگر چه این مسئله بسیار بدیهی است، ولی در عمل، توجیهات و مصلحت اندیشی‌ها و هوای نفس و القای نفوذی‌ها، مانع از تحقق بخشیدن به آن می‌شوند. اختلاف و تشنج، توان و امکانات کشور را به سوی بی‌راهه سوق می‌دهد و صرف قدرت‌طلبی و بیرون کردن حریف از میدان می‌کند و البته به این مقدار بسنده نمی‌شود بلکه جناح‌ها و احزاب و جمعیت‌ها، در کشاکش کسب قدرت و انزوای حریف، دست به سوی بیگانه دراز می‌کنند و منافع و مصالح ملت و انقلاب را فدای همآوردی و سابقه قدرت می‌نمایند. تشنج و اختلاف علاوه بر نتایج فوق، موجب ناامیدی ملت از مسئولان و فاصله بین آنان شده و آرام آرام تمایل به سوی یک دیکتاتوری خشن ولی وحدت‌بخش پیدا می‌کنند که بدترین سرنوشت برای یک ملت است. دیکتاتوری رضاخان از دل مشروطه به همین علت بیرون آمد! مردم متدین و فداکار و حاضر در صحنه نبایستی با خبرهای سیاسی از مسئولان و به تدریج از نظام قطع امید کنند. حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از اوجب واجبات برای مسئولان نظام است. نفوذهایی که برنامه دشمن را در صفوف خودی دنبال می‌کنند، بایستی از سوی مسئولان شناسایی وطرد شوند. هر صدایی که از آن بوی تشنج واختلاف برآمد، بی‌گمان از دشمن و دشمنی حکایت می‌کند.راهبردهای اساسی خدمت‌گزاری به مدیران نظام اسلامی، از رهنمودهایی رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹.

ص: ۹۶

مفهوم وحدت ملی

منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه.

یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم؛ یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند. (۲۶/ ۱/ ۱۳۷۹)

وحدت مردم، اتحاد قلبی مردم، اتحاد روحی مردم، محبت مردم، وفاق مردم حول نظام اسلامی، حول احکام مقدسه اسلام، حول قانون اساسی- که قانون اساسی هم منطبق بر احکام اسلامی است- حول قوانین کشور- که لااقل اغلب آنها منطبق بر قوانین اسلامی است؛ اگر نگوییم همه‌اش منطبق است- «وحدت ملی» را تشکیل می‌دهد. (۲۶/ ۱/ ۱۳۷۹)

محورهای وحدت ملی

وحدت؛ یعنی برگرد محورهای اصولی گرد آمدن. (۲۱/ ۴/ ۱۳۷۷) علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناح‌های مختلف سیاسی و گرد آمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معیّن کرده و مورد قبول این ملت است؛ همان چیزهایی که ملت برای آن فداکاری کرد. شما ببینید در هر نقطه دنیا، وقتی کسی به عنوان نامزد ریاست جمهوری، شعارهایی می‌دهد و بعد اکثریتی- ولو ضعیف- به او

ص: ۹۷

رأی می‌دهند، صرف آمدن آنها پای صندوق‌های رأی، به عنوان طرفداری از این شعارها به حساب می‌آید. در انتخابات اخیر فرانسه این را ملاحظه کردید؛ در همه جای دنیا هم این معمول است. ملت ایران برای اصول امام بزرگوار ما و خطوط اصلی این انقلاب- که عمده آنها را برشمردم- این طور نبود که فقط پای صندوق‌های رأی بیاید بلکه جان بر کف دست گرفت و وسط میدان آمد. این ملت با خون خود، این انقلاب و این خطوط و این اصول را که در قانون اساسی امروز مجسم و متبلور است، امضا کرد. نه فقط در اولِ انقلاب، بلکه در دوران جنگ تحمیلی، هشت سال مردم در مقابل متجاوز ایستادند و با جان و جوان و همه وجود خود از این نظام مقدّس دفاع کردند. این غیر از آن است که مردم برای تأیید شخصیتی پای صندوق‌های رأی بیایند؛ این ده‌ها بار بالاتر از آن است. این اصول، اصولی است که ملت ایران برای آن جان داده است؛ جوان داده است؛ خون داده است؛ الان هم ایستاده است. الان هم اگر معرکه‌ای پیش آید که مردم ایران احساس کنند باید با جسم و جان خود وسط میدان بیایند، همه چشم‌های دنیا خواهند دید که استقبال و شور و هیجان مردم حتّی از دوران جنگ تحمیلی هم بیش‌تر خواهد بود. این اصول، مورد اعتقاد و اعتماد و عشق و علاقه مردم و محور وحدت است.

بعضی دنبال محور وحدت نگردند! این اصول، محور وحدت است.

همه- چه مسئولان و چه عناصر سیاسی- وفاداری خود را به این اصول، بارها و بارها به زبان، به قلم، با نطق و با رفتار ثابت کنند؛ این می‌شود محور وحدت. (۱۴/ ۳/ ۱۳۸۱)

یک جبهه واحد وجود دارد و آن، جبهه انقلاب و اسلام است.

ص: ۹۸

داخل این جبهه، هر اختلاف سلیقه‌ای هم باشد، اصل احترام به اسلام، احترام به قرآن، پاسداری از انقلاب، پاسداری از راه امام بزرگوار، پاسداری از عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است. این بحمداللّه یک امر مشترک بین دل‌سوزان این کشور، بین مسئولان قوا، بین رؤسای کشور، بین مسئولان بخش‌های مختلف است و همه آنها در این چیزها متفق و متحدند. (۲۸/ ۱۰/ ۱۳۷۷)

همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. (۱۹/ ۷/ ۱۳۶۸)

وحدت و تفرقه، کارکردها و پیامدها

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می‌کند که کارهای خود، مسئولیت‌های خود، وظایف بزرگ خود، برنامه‌های سازنده خود را اجرا کند. می‌تواند به اقتصاد مردم برسد؛ به اشتغال مردم برسد؛ به مسائل زندگی مردم رسیدگی کند؛ به مسئله فرهنگ کشور رسیدگی کند. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دایماً تشنج سیاسی باشد؛ اول کسی که ضربه می‌خورد، دولت است؛ چون نمی‌تواند وظایف خود را انجام بدهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه‌های مسئول هستند،

ص: ۹۹

معلوم است که چگونه خواهد شد. بنابراین، این دو شعار مهم است.

من بر روی وحدت ملی تأکید بیشتری دارم. به خاطر اینکه امنیت هم ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می‌افتد و ایجاد ناامنی می‌شود ....پرسش و پاسخ از محضر رهبر انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۳- ۳۴۱. اگر ملتی با اتحاد کلمه در میدان اقتصاد وارد بشود، پیشرفت می‌کند. جنگی برایش پیش بیاید و وارد بشود، پیشرفت می‌کند.

با وحدت ملی، آبروی ملت را بهتر می‌شود حفظ کرد. یک ملت، تمام آرمان‌های بزرگ خودش را در سایه وحدت ملی می‌تواند به دست آورد. اختلاف، تفرق کلمه، جدایی دل‌ها از یکدیگر، رو در رو قرار دادن جناح‌ها و گروه‌ها و اشخاص و شخصیت‌ها با یکدیگر، نمی‌تواند هیچ خدمتی بکند. بنابراین، این یک اصل است که امیدواریم همه رعایت بکنند. این خواست و مطالبه ما از مسئولانی است که با افکار عمومی مردم سر و کار دارند.پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی، صص ۳۵۹- ۳۶۰، به نقل از سخنرانی رهبری در روز عید غدیر در اجتماع زائران حضرت رضا علیه السلام، ۶/ ۱/ ۱۳۷۹.

عوامل و زمینه‌های تفرقه

۱- تحرکات دشمن خارجی

البته دشمن در همه این مسائل سود می‌برد و به احتمال زیاد در

ص: ۱۰۰

این مسائل یا در همه‌اش، یا در بعضی‌اش دست هم دارد؛ یعنی این را نمی‌توانیم ندیده بگیریم.

البته متأسفانه عده‌ای امروز حساسیت پیدا کرده‌اند، تا گفته می‌شود دشمن، اینها لجشان می‌گیرد که چرا می‌گویید دشمن! دشمن هست. نمی‌شود شما دشمن را ندیده بگیرد. هیچ کس یک ملت و یک جماعت را برای اینکه دشمن خود را ندیده است، خاکریزهای دشمن را ندیده است، اسلحه دشمن را ندیده است، توطئه دشمن را نفهمیده است، ستایش نخواهد کرد. خود دشمن دارد به طور صریح می‌گوید که من دشمنی می‌کنم. خود دشمن دارد می‌گوید که من برای ایجاد اختلال در ایران بودجه می‌گذارم. برای تشنج افکار در ایران رادیو درست می‌کنم.

بی‌خود هم مردم ایران دو دسته بشوند، ولی ما بگوییم نیست.

این ساده‌لوحی نیست؟ بنابراین، دست دشمن هم در کار است.پرسش و پاسخ از محضر رهبر انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- غفلت و کوتاهی خودی‌ها

البته اگر ما بیدار باشیم و اشتباه نکنیم، دشمن نمی‌تواند کاری بکند. پس اشتباه و غفلت و کوتاهی ما یقیناً یک جزء مهم و عنصر اساسی در موفقیت دشمن است.

من به تاریخ مراجعه می‌کنم و دو نمونه را عرض می‌کنم برای اینکه شما توجه کنید که این مفاهیم مشتبه چه‌طور می‌تواند یک

ص: ۱۰۱

جامعه را دچار دو دستگی کند:

یک نمونه، نمونه جنگ صفین است که بعد از آنکه لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام بر لشکر معاویه غلبه ظاهری پیدا کردند، آنها قرآن‌ها را سر نیزه کردند. دیدن قرآن‌ها در لشکر امیرالمؤمنین دو دستگی انداخت؛ چون معنای آن کار این بود که بین ما و شما قرآن قرار دارد. عده‌ای متزلزل شدند و گفتند که نمی‌شود ما با قرآن بجنگیم. یک دسته دیگر گفتند که اصل جنگ اینها با قرآن است؟ حالا جلد قرآن و صورت ظاهر قرآن را آورده‌اند، اما دارند با معنای قرآن که امیرالمؤمنینی است، می‌جنگند. بالاخره در سپاه مسلمین، دو دستگی افتاد و تزلزل به وجود آمد. این کار دشمن بود.

یک نمونه دیگر هم در همان جنگ اتفاق افتاد. بعد از آنکه حکمیت بر امیرالمؤمنین تحمیل شد، عده‌ای از داخل اردوگاه امیرالمؤمنین که اینها دیگر خودی بودند، از بیرون نبودند، بلند شدند و شعار دادند: «لا حکم الّا للّه؛ یعنی حکومت فقط از آنِ خداست.» بله معلوم است و در قرآن هم هست که حکومت از آنِ خداست، اما اینها چه می‌خواستند بگویند؟ اینها می‌خواستند با این شعار، امیرالمؤمنین را از حکومت خلع کنند. امیرالمؤمنین نقشه آنها را افشا کرد. گفت که حکم و حکومت مال خداست، اما اینها این را نمی‌خواهند بگویند. اینها می‌خواهند بگویند «لا امرهٔ الّا اللّه» می‌خواهند بگویند بایستی خدا بیاید مجسمه بشود و امور زندگی شما را اداره کند؛ یعنی امیرالمؤمنین نباشد! این شعار،

ص: ۱۰۲

عده‌ای را از اردوگاه امیرالمؤمنین خارج کرد و به آن جماعت بدبخت نادانِ غافلِ ظاهربین و احیاناً مغرض ملحق کرد که قضیه خوارج به وجود آمد. الان متأسفانه این کارها دارد در جامعه ما می‌شود. شعارهایی مطرح می‌شود بعضی از این شعارها، روشن و خوب است، اما دشمن از همان شعارها استفاده می‌کند.پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۳۴۱– ۳۴۳، به نقل از: نماز جمعه، ۶/ ۱/ ۱۳۷۹.

۳. فتنه‌انگیزی بزرگان و رهبران سیاسی مورد اعتماد مردم

یکی از چیزهایی که وحدت ملی را تأمین می‌کند، این است که آن کسانی که سخنشان در میان مردم، حوزه تأثیری دارد یا مسئولند یا چهره موجه دینی‌اند، چهره روحانی‌اند، چهره سیاسی‌اند، در اظهارات خودشان کاری نکنند که یک گروه و جناح از مردم، دل‌هاشان نسبت به دیگران چرکین شود.

فتنه‌انگیزی نکنند. آن کسانی که زبان و قلمشان کار می‌کند، در درجه اول باید این را رعایت کنند که آنچه می‌گویند، ایجاد بدبینی نکند، مردم نسبت به یکدیگر بدبین بشوند یا مردم نسبت به مسئولان بدبین بشوند. این باز یک نوع فتنه‌سازی و گناه دیگری است. بعضی هم همتشان این است که با شایعه‌پردازی، با جعل خبر، با پرداخت‌های تقلب‌آمیز خبر– ممکن است یک خبر اصلش هم راست باشد، اما به نوعی آن را پردازش کنند تا مطلب دروغ و خلاف واقعی را در ذهن مخاطب القا کند– دل‌های مردم،

ص: ۱۰۳

جوانان و خوانندگان و شنوندگان خودشان را نسبت به مسئولان نظام بدبین کنند، آنها را دچار تردید کنند. این کار چه فایده‌ای دارد؛ جز کُند کردن حرکت پیشرفت ملت و کشور، هیچ فایده دیگری ندارد. جز اینکه مسئولان را در این کار مردد کند، مردم را نسبت به آینده ناامید کند و نیروی عظیم امید را از مردم بگیرد، هیچ فایده‌ای ندارد. بعضی سعی می‌کنند افرادی را به همه نظام یا به برخی از مسئولان بدبین کنند، در حالی‌که اگر حقیقتاً سخن حقی وجود داشته باشد، آن سخن حق ممکن است از طریقی به گوش مسئول یا مسئول مافوق او منتقل شود که آثار خیلی بهتری هم داشته باشد. حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، تروری می‌شود، جنایتی در جایی اتفاق می‌افتد، آن‌قدر حرف خلاف توهم‌آمیز و حیرت‌آور برای خواننده از زبان کسانی که هیچ احساس مسئولیتی نمی‌کنند، شنیده می‌شود. آن کسانی که از واقعیت‌ها خبر دارند، می‌بینند که چه‌قدر اینها یا دورند یا خودشان را عمداً از واقعیت دور نگه‌می‌دارند. اینها چیزهایی است که وحدت ملی را خدشه‌دار می‌کند.

۴- نقش موثر رسانه‌ها در اختلاف افکنی و تفرقه

(یکی از مسائل داخلی) مسئله وحدت است. عزیزان من! یک ملت هر چه قدرتمند باشد، هر چه ثروتمند باشد، اگر اختلافات در بین آنها ریشه گرفت و آتش اختلافات مشتعل شد، بدبخت و بیچاره خواهند شد. اختلافات که گفته می‌شود، مقصود، اختلاف سلیقه نیست. اختلاف سلیقه هست. اگر اختلاف خط، اختلاف جهت،

ص: ۱۰۴

اختلاف مـذاق باشد، اشـکالی ندارد. اختلافات؛ یعنی درگیری‌های سیاسـی که فضا را متشـنج می‌کند. اینکه من گاهی از بعضـی از روزنامه‌ها گله می‌کنم، به این خاطر است. فوراً بعضـی‌ها فریادشان بلند نشود که «آزادی» محدود شد؛ نه، برای شعار آزادی ما بارها جان خودمان را در معرض مرگ قرار داده‌ایم! کسانی که اهل دینند، بیشتر از همه از آزادی دفاع می‌کنند.

بنـابراین، بحـث «آزادی» نیست؛ بحث این است که از این آزادی که وجـود دارد و از انقلاب هم وجـود داشـته است، کسـانی برای متشـنج کردن فضـا اسـتفاده نکننـد. انسـان وقتی بعضـی از روزنامه‌ها را نگاه می‌کنـد، می‌بینـد کأنّه این عنوان‌های درشت را چه‌طور انتخـاب کرده‌انـد، برای اینکه یک گروه را به جان یک گروه دیگر بینداز‌نـد. این نقشِ همان بوق‌های تبلیغاتی است؛ این بـد است. روزنامه‌هـا بایـد کـاری کننـد که دل‌هـا را به هم نزدیـک کننـد؛ جناح‌ها را به هم نزدیک کننـد. اگر جناح‌های سیاسـی و گروه‌های سیاسـی واقعاً معتقد به یک مبنا و اصـلی هسـتند، باید سعی کنند که هر چه ممکن است، در عمل، خودشان را به گروه‌های رقیبشان نزدیـک کننـد، بـا هم مهربـان کننـد، قضایـای گونـاگون را با هم حل کننـد؛ نه اینکه اختلافات را همین‌طور دایم موج بدهنـد، اوج بدهند، بزرگ‌نمایی کنند، بنویسند و بگویند. این فضا را متشنج خواهد کرد.

این درست همان نقشه‌ای است که بوق‌های تبلیغاتی خارجی و رادیوهای خارجی- که اگر کسی گوش کرده باشد، می‌داند-

ص: ۱۰۵

دارنـد ایفـا می‌کننـد؛ یعنی به جان یکـدیگر انـداختن دسـته‌جات مختلف. خطبه‌های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۴/ ۱۰/ ۱۳۷۷.از منظر رهبری، دشـمن به ویژه رسانه‌های خبری در کمین این انقلاب الهی نشسـته‌اند و هرجا بوی دو دستگی استشمام کنند، در بزرگ‌نمایی، آن تلاش می‌کنند. ایشان می‌فرماید:

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاست‌ها و نیّات خصـمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاست‌های جهانی‌اند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودسـتگی استشـمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن اسـتنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به طور دایم در تلاشند که شاید بتواننــد تصـویری مشـوش و آلـوده بـه اختلافـات و زد و خـورد داخلی از ایران اســلامی- کـه بحمــداللّه برخـوردار از وحــدت و یک‌پارچگی کم نظیری است- به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه دو دسـتگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشـانه آن است که امروزه دشـمن از همه راه‌هـا برای تضـعیف جمهوری اسـلامی عاجز مانـده و بـدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسئولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند

ص: ۱۰۶

همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله حق بر ملت ایران است، با همه وجود پاسداری کنند.سیدعلی خامنه‌ای، حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۴، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

وحدت کلمه، ضامن سلامت، رشد و سربلندی جامعه اسلامی

یک خاطره از امام (ره)

مقام معظم رهبری نقل می‌کند:

بهار سال ۱۳۶۵ را- روزی که امام در بستر بیماری بودند- فراموش نمی‌کنم. ایشان دچار ناراحتی قلبی شده بودند و تقریباً ده، پانزده روزی در بستر بیماری بودند. در آن زمان من در تهران نبودم. آقای حاج احمدآقا- آقازاده محترم ایشان (حفظه الله و سلمه و ایده)- به من تلفن کردند و گفتند سریعاً به آنجا بیایید؛ فهمیدم که برای امام مسئله‌ای رخ داده است. آناً حرکت کردم و پس از چند ساعت طی مسیر، خود را به تهران رساندم.

اولین نفر از مسئولان کشور بودم که شاید حدود ده ساعت پس از بروز حادثه، بالای سر ایشان حاضر شدم. در آن وقت، برادر عزیزمان، جناب آقای هاشمی در جبهه بودند و هیچ کس دیگر هم از این قضیه مطلع نبود.

روزهای نگران‌کننده و سختی را گذراندیم. خدمت امام رفتم و

ص: ۱۰۷

هنگامی که نزدیک تخت ایشان رسیدم، منقلب شدم و نتوانستم خودم را نگه‌دارم و گریه کردم. ایشان تلطف فرمودند و با محبت نگاه کردند. بعد چند جمله گفتند که چون کوتاه بود، به ذهنم سپردم؛ بیرون آمدم و آنها را نوشتم. برادر عزیزمان، آقای صانعی هم در اتاق بودند. از ایشان کمک گرفتم تا عین جملات امام را بازنویسی کنم.

در آن لحظه‌ای که امام ناراحتی قلبی پیدا کرده بودند، ما به‌شدت نگران بودیم. وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار و آمادگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهم‌ترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعدتاً می‌باید در آن لحظه حسّاس به ما می‌گفتند. ایشان گفتند: «قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ»فتح: ۲۹. باشید و اگر با هم بودید، هیچ کس نمی‌تواند به شما آسیبی برساند.» به نظر من، وصیت سی صفحه‌ای امام می‌تواند در همین چند جمله خلاصه شود. او واقعاً حکیم بود و مصداق کامل «صیرورت الانسان عالم عقليّا مضاهيا للعالم العينى»الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۲۰. محسوب می‌شد. انسان احساس می‌کرد که تمام حقایق عالم در وجود او منعکس بود. او چیزهایی را به وضوح و روشنی و با همان نورانیت نفسانی و

ص: ۱۰۸

نگاه رحمانی و حکمت خودش- نه با استدلال و تمهید مقدمات معمولی- می‌دید و می‌فهمید که دیگران عصا زنان، خودشان را به آن نقطه می‌رساندند.

این مرد حکیم الهی مجرب دلسوزی که چندین سال این جامعه را اداره کرده بود، مهم‌ترین مسئله را همین چند کلمه می‌دانست که یکی از آنها «رحماء بینهم» است. من وصیت حقیقی امام را تحقق همین نکات می‌دانم. باید بر سلایق پا گذاشت؛ آنجا که موجب جدا شدن از دیگران است؛ چه رسد به هوا و هوس‌ها و انگیزه‌های مادی که حالش معلوم است.حدیث ولایت، ج ۱، صص ۲۰۰- ۲۰۳.

زمینه‌ها و عوامل موثر بر وحدت و اتحاد ملی

۱- همدلی و هماهنگی مسئولان

اشاره

رهبر انقلاب، از مسئولان قوای سه‌گانه می‌خواهد تا با هم و در کنار هم باشند و هرگز به تضعیف یکدیگر نپردازند؛ زیرا با این کار می‌توانند هم منشأ خیر و خدمت بیشتری باشند و هم محبوب و مقبول مردم شوند.

ازاین‌رو از مسئولان می‌خواهد:

هماهنگی میان عناصر و مسئولان در هر کاری، از مهم‌ترین عوامل موفقیت در اجراست. دستگاه اجرایی کشور؛ یعنی دولت به واسطه گستره و تنوع مأموریت‌ها و وظایف، بیش از سایر دستگاه‌ها، به هماهنگی و همکاری و هم‌دلی مسئولان و مدیران

ص: ۱۰۹

ارشد و میانی نیازمند است. نبایستی بخشی از بدنه اجرایی و مدیریت کشور، بخشی دیگر را خنثی نماید. بدتر از آن، این است که بخشی، بخش دیگر را تضعیف نماید. همین‌طور قوای سه گانه کشور از مجلس و دولت و دستگاه قضایی نیاز به هماهنگی و عدم تضعیف یکدیگر و یا مقابله با هم را دارند. نتایج تضعیف و مقابله بین قوای مختلف اداره کننده کشور، خسارت‌بار و به زیان انقلاب و اصول آن و منافع ملی و مصالح مردم است.

مدیر و مسئول بایستی از این حداقل بینش برخوردار باشد که علاوه بر وظیفه وجدانی و انسانی و شرعی در ایجاد و حفظ هماهنگی با سایر اجزای مسئولیت کشور، حساسیت‌های موجود و وضعیت بین‌المللی، هماهنگی را بیش از پیش ضروری و لازمه پیروزی و مقاومت در عرصه بین‌الملل می‌سازد.

یک نکته، انسجام و هماهنگی دولت است و پرهیز از اینکه بخشی از دولت، بخش دیگری را تضعیف کند. این مجموعه شما باید واحد باشد. شماها باید به معنای واقعی کلمه با هم همکاری کنید.راهبردهای اساسی خدمت‌گزاری، رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲، به نقل از: سخنان رهبری در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۲/ ۶/ ۱۳۷۸. مسئولان در سطوح مختلف هم عرض می‌کنم که یکی از راه‌های موفقیتِ عملی و جا گرفتن در چشم مردم، همکاری دستگاه‌های مختلف و همکاری قوای سه‌گانه است؛ نباید همدیگر را تضعیف

ص: ۱۱۰

بکنند. هیچ کس نباید قوای مسئول مملکت را تضعیف بکند. هیچ کس نباید مجلس شورای اسلامی را تضعیف بکند. ممکن است شما از اظهارات یا از موضع گیری یک یا چند نماینده خرسند و خشنود نباشید، اما نباید مجلس را تضعیف کرد. مجلس، نهاد قانونیِ معتبری است مثل نهادهای قانونیِ معتبرِ درجه یک دیگر.

قوه قضاییه را نباید تضعیف کرد. اگر کسی با حکم فلان دادگاه در فلان قضیه مخالف است، نباید قوه قضاییه را تضعیف بکند. بالاخره هر حکمی یک عده موافق و یک عده مخالف دارد. دولت را نباید تضعیف کرد. ممکن است شما عملکرد فلان مسئول را نپسندید یا چند ایراد بر او وارد بدانید، اما نهاد دولت و قوه مجریه نباید تضعیف بشود. نهادهای قانونی که هر کدام در زیر این بنای شامخ، یک ستون هستند، باری را بر دوش دارند؛ مجموعه اینهاست که این بنای باعظمت را سرپا نگه‌داشته است و یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان در اطراف عالم- آن کسانی که قوه فهمیدن و ادراک کردن دارند- به آن نگاه می کنند و احساس غرور می کنند.

بعضی شورای نگهبان را تضعیف می کنند؛ بعضی مجلس را تضعیف می کنند؛ بعضی قوه قضاییه را تضعیف می کنند؛ بعضی دولت را تضعیف می کنند؛ بعضی مجمع تشخیص را تضعیف می کنند. اشکال داشتن به یک کار یا دو کار یا ده کار- که بعضی از این اشکال‌ها هم طوری است که اگر توضیحی داده بشود، ممکن است برطرف هم بشود؛ ولو برطرف هم نشود-

ص: ۱۱۱

موجب نمی‌شود که ما نهادها را تضعیف کنیم. عده‌ای در دوره مجلس قبلی شعار می‌دادند که مجلس باید منحل بشود! انسان می‌بیند گاهی همان صداها، همان حرف‌ها و همان انگیزه‌ها، یک روز به مجلس، یک روز به قوه قضاییه و یک روز به قوه مجریه می‌پیچند؛ بدون اینکه استدلال درستی داشته باشند.

رهبر معظم انقلاب همواره به این امر توجه داشته و در موارد متعدد، حساسیت و اهمیت این مهم را گوشزد کرده است:

اقتدار ملت ایران هنگامی تأمین خواهد شد که دستگاه‌های مسئول کشور با هم همکاری کنند. اگر در جایی، نقطه‌ای هست که برای سرنوشت کشور و ملت، خطراتی را با خود دارد، مسئولیتِ همه مسئولان کشور است که با نهایت احساس مسئولیت و با کمال اتکال و اتکا به خدا و با قدرتی که ملت به دست آنها داده است، به آن نقطه برخورد کنند. همکاری بین سه قوه، یکی از شرایط اصلی برای رفع مشکلات عمومی مردم است. ناهماهنگی‌هایی که گاهی دیده می‌شود، به ضرر مردم است. همه باید با هم همکاری کنند تا اقتدار ملت ایران تأمین شود.دیدار با مسئولان قوه قضائیه، ۷/ ۴/ ۱۳۷۹. ایشان در جایی دیگر تاکید می‌کند:

ما باید به آینده امیدوار باشیم و این امید را در مردم ایجاد کنیم.

دشمن می‌خواهد ما با یکدیگر اختلاف داشته باشیم، ولی ما باید

ص: ۱۱۲

به صورت قاطع به دشمن تفهیم کنیم که ترفندهای او مؤثر نیست و در جمهوری اسلامی، هم‌دستی و هم‌دلی، برای مسئولان یک اصل است. این وحدت و یک‌پارچگی را واقعاً یک اصل بدانیم و برای آن سرمایه‌گذاری کنیم و از اختلافات بگذریم.

من گمان نمی‌کنم در طول ده سال گذشته که امام عزیزمان این همه بیانات حکمت‌آمیز ایراد کردند، چیزی را به اندازه «وحدت» مورد تأکید قرار داده باشند. یکی از دو یا سه موضوعی که ایشان بیشترین تأکید را می‌کردند، همین مسئله وحدت دل‌ها و وحدت زبان‌ها و وحدت راه‌ها و هم‌دستی و همگامی و هم‌دلی بوده است. ما این مقوله را به منظور حفظ حرمت امام و تعظیم به روح او پاس بداریم و به عنوان یک هدف قطعی تلقی کنیم و با هر قیمتی درصدد تأمین آن باشیم.

ایشان در ذیل همین بحث (وحدت و همدلی مسؤولان) به بحث زمینه و عوامل وحدت مسؤولان اشاره و نکاتی را گوشزد کرده‌اند:

الف: هشیاری مسئولان در مقابل نیروهای نفوذی

انسجام میان مسئولان نظام بیش از هر زمان دیگری لازم است. در فضای آرام و صمیمی بهتر می‌توان به اهداف نظام دست یافت. قوای سه‌گانه به جای اینکه نیرو و توان خود را به رفع اختلاف‌های نابجا میان خود صرف کنند، باید با تمام قوا به مردم خدمت کنند و مراقب توطئه‌ها و

ص: ۱۱۳

اختلاف‌افکنی دشـمنان باشند؛ چون دشمنان اسلام از کوچک‌ترین فرصتی، برای جداسازی صفوف متحد مردم و مسئولان، بیشترین بهره را می‌برنـد. رهبر معظم انقلاب از ابعاد این توطئه‌ها سـخن می‌گویـد و اتحاد و انسـجام را تنها راه مبارزه با این ترفنـدها معرفی می‌کند:

چیزی که لازم می‌دانم در مورد مسـئولان کشور تأکیـد کنم، در درجه اول، انسـجام و اتحاد کلمه است. مسـئولان کشور بایـد متحد باشـند و حرفشان یکی باشد. یکی از توطئه‌های دشمن در چند سال اخیر این بوده است که بتواند آدم‌های نامعتقد به آرمان اسلامی را در صـفوف مسـئولان بالای کشور نفوذ دهـد؛ برای اینکه انسـجام مـدیران ارشد کشور به هم بخورد. این خطر بزرگی است. البته مـدیران کشور هم مثل بقیه مردم در هر مسـئله‌ای آرا و عقایـدی دارنـد و عقاید آنها برای خودشان محترم است، اگر کسـی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است، ولی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را آن طوری که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسـی تجسم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است. آن جایی که صحبت از مسائـل اساسـی نظـام اسـلامی است، آن جایی که وحـدت دین و سـیاست مطرح است، آن جایی که اصول قانون اساسـی مورد نظر اسـت، آن جـایی کـه الزام بـه تبعیت از دین و شـریعت مطرح است، اگر یـک مسـئول عقیـده‌ای غیر از این دارد، می‌توانـد شـهروند جمهوری اسلامی باشد- مانعی ندارد- اما نمی‌تواند مسئول باشد؛ به خصوص

ص: ۱۱۴

مسئولیت‌های بالاـ مدیران ارشد، نمایندگان مجلس و مسئولان عالی‌مقام قوه قضایی، در عین حال که مسئولیت مهمی در نظام جمهوری اسلامی دارند، نمی‌توانند به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و اصول قانون اساسی اعتقادی نداشته باشند؛ چون اعتقاد انسان در عمل و گفتار او اثر می‌گذارد.

ب: جلوگیری مسئولان از علنی شدن اختلافات در افکار عمومی

رهبر معظم انقلاب ضمن هشدار در این خصوص، توصیه کرده‌اند:

آن جایی که مسئولان در غیر مسائل اصلی نظام- در مسائل کاری، اداری، فهم یک قانون- با هم اختلاف نظری دارند، باید این اختلاف نظر جلوی چشم مردم قرار نگیرد و به کوی و بازار کشیده نشود. اختلاف نظر نباید نشان دهنده اختلاف مسئولان باشد؛ چرا؟ چون مردم را مأیوس و نگران و دشمن را خوشحال می‌کند. البته اختلاف بین مسئولان در فهم یک وظیفه، یک چیز متوقع است. مثلاً ممکن است رئیس جمهور محترم و رئیس محترم قوه قضاییه درباره نقطه‌ای از نقاط، دارای دو دید و دو بینش باشند و هر کدام هم برای خود استدلالی داشته باشند؛ بسیار خوب، این راه حل دارد. در قانون اساسی راه حل اینها معین شده ا ست؛ هماهنگ کننده سه قوه، رهبر است؛ رهبری می‌تواند این مشکلات را برطرف کند. معیار همکاری، قانون اساسی است که وظایف، حُکم موارد اختلاف و تنازع، و حَکم و مرجع را هم معلوم کرده است. در قانون اساسی، قوه مجریه

ص: ۱۱۵

وظایفی دارد که مشخص است. مدیریت‌های عمده کشور، اداره همه امور اجرایی کشور، هزینه کردن بودجه کلان کشور، بر عهده قوه مجریه است.

البته ممکن است در بخشی از مسائلی که این سیاست‌ها متضمن آن است، مسئولانی نظرات دگرگونه‌ای داشته باشند. ایرادی ندارد. اینها می‌آیند و نظرات خود را مطرح می‌کنند. اتخاذ این سیاست‌ها هم یک روند بسیار معقول و منطقی دارد؛ در دستگاهِ موظف این کار در دولت، طراحی می‌شود و بعد درجه درجه بالا می‌آید تا به مجمع تشخیص مصلحت می‌رسد. بنابراین، تمام جوانب مراعات می‌شود؛ در عین‌حال ممکن است یک نفر مخالف باشد. ایرادی ندارد، لیکن همچنان که یک قانون تا وقتی قانون است، مخالفت با آن جایز نیست، سیاست هم که مضمون قانون اساسی است- مرتبه سیاست‌ها از قانون بالاتر است؛ در حد قانون اساسی است- تا وقتی تغییر پیدا نکرده است، ولو کسی نظر دیگری داشته باشد، نباید بر طبق نظرِ خود عمل یا تبلیغ کند.

بحث در مجامع علمی و فنی و تخصصی بسیار خوب است، اما فضاسازی در کشور به شکلی که اغوای افکار عمومی بشود، غلط و برخلاف مصالح کشور است.

سیاستی که مطرح کردم، یک سیاست مهم کشور است.

مسئولان باید به سیاست‌ها عمل کنند و منسجم باشند. انسجام، مهم‌ترین شرط پیشرفت است. من به شما عرض کنم اگر دشمن ملاحظه کند که در کشور ما یک گروه مؤمن، متعهد، منسجم،

ص: ۱۱۶

هم‌دل و کارآمـد بر سـر کار هسـتند، ناامیـد می‌شود و انگیزه او برای دشـمنی کم خواهـد شد. آن کسانی که تفرقه بین مسـئولان را تشویق می‌کننـد، بفهمنـد دارنـد چه کار می‌کننـد. امروز سـیاست دشـمنان کشور این است که بین مسـئولان اختلاف بیندازند. ما از گروهک‌هـایی که یـک سـرشان در داخـل است، یـک سـرشان در خـارج، خبرهای ویژه داریم. برنامه عمـده اینها این است که بین مسـئولان کشور، با عنوان‌های چپ، راست و عناوین دیگر اختلاف بیندازند. مردم وحدت مسئولان را می‌خواهند. مردم هر جا ببینند مسـئولان با هم هسـتند و هم‌دل و هم‌زبانند و یکدیگر را تخریب نمی‌کنند، خوشحال و امیدوار می‌شوند، اما دشمن به عکس، ناامید می‌شود.در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۸/ ۸/ ۱۳۸۰.

ج: حمایت از یکدیگر در مواضع کلان نظام

رهبر انقلاب در خصوص این رویکرد می‌فرماید:

یکی دیگر از عیوب و آفت‌ها، عـدم اتحاد کلمه است. لازم است مسـئولان مواضع واحدی اتخاذ کنند به خصوص در مسائل جهانی و مسائل عمده کشور. وقتی اندک اختلافی در حرف مسـئولان پیدا می‌شود، شـما می‌بینید رادیوهای بیگانه چگونه اینها را بزرگ و چند برابر می‌کنند. حتی آن جایی که اختلافی نیست، اختلاف را جعل می‌کنند؛ برای اینکه نشان دهند بین

ص: ۱۱۷

مسئولان اتحاد کلمه نیست. آنها از جمع منسجمی که با هم کار کنند و هم‌دل باشند، خیلی می‌ترسند. خوش‌بختانه ترکیب قانون اساسی ما راه حل مشکلات را معیّن کرده؛ رهبری را به عنوان محور، در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده؛ این امکان و فرصتِ خیلی بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه، با همدیگر کار کنند.دیدار با جوانان اصفهان، ۱۲/ ۸/ ۱۳۸۰. امروز علاج دردهای این کشور این است که قوای سه گانه با وحدت کلمه و با همکاری با یکدیگر، برنامه‌های منظم و مرتبی را که برای رسیدن به هدف‌های این نظام و آسایش مردم مورد نظر است، تعقیب کنند؛ امروز این وظیفه است.در دیدار با کشاورزان، ۱۲/ ۱۰/ ۱۳۸۰.

۲- وحدت و همدلی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی

رهبر معظم انقلاب، ضمن تاکید بر حفظ و پاسداری از وحدت، به نقش تاثیرگذار جناح‌های سیاسی و همدلی آنها اشاره کرده و می‌فرماید:

اسلام و رهایی از نفوذ و سلطه قدرت‌های استکباری، این امکان را که برای کمتر ملتی و کشوری پیش آمده، در اختیار کشور ما و ملت ما قرار داده است، لیکن شرط اساسی، وحدت و یک‌پارچگی ملی است و اگر نباشد، همه آنچه هست، بیهوده خواهد بود. پس، مرز میان پیروزی همه‌جانبه ملت ما، یا خدای

ص: ۱۱۸

نکرده ناکامی و هدر رفتن همه زحمات گذشته، یک چیز بیش نیست و آن، وحدت کلمه میان مردم است. دشمن به همین دلیل است که برای شکستن وحدت ملت، سرمایه گذاری مادی و معنوی هنگفتی کرده و می کند.

گروه‌ها و جناح‌ها و اشخاص و دستگاه‌ها در هر منطقه که تلاش خود را مضر به وحدت ملت دیدند، باید آن را متوقف سازند. در تمام حوادث بزرگ تاریخِ بیداری و مبارزات ملت، هرجا شکست و نامرادی پیش آمده، بر اثر شکسته شدن صف واحد ملت بوده است. ما امروز حق نداریم تجربه‌های گذشته را تکرار کنیم و هیچ عذر و بهانه‌ای برای صدور گفتار و علمی که ناقض وحدت است، پذیرفته نیست.

ملت ما بحمداللَّه در تمام دوران پس از انقلاب و در تمام حوادث مهم، وحدت کلمه خود را پشت سر امام عظیم‌الشأن راحل، با استحکام حفظ کرد و تعارض‌های گروهی و جناحی را به چیزی نگرفت و امروز هم بحمداللَّه به همین گونه است. لیکن صاحبان بیان و قلم و تریبون باید توجه کنند که تعارض‌ها و مناقشات گروهی، نخستین ضررش آن است که آنان را از توجه به مسایل مهم جهان و منطقه غافل ساخته و قهراً وظایف آنان در قبال ملت را از یادشان خواهد برد و ضرر بزرگ‌تر آنکه راه این‌گونه افراد را از ملت جدا خواهد ساخت.حدیث ولایت، ج ۵، ص ۳۰۰.

ص: ۱۱۹

رهبر معظم انقلاب، برای نزدیک‌تر شدن و همدلی بیش‌تر نخبگان و فعّالان سیاسی، بر پر رنگ کردن وجوه مشترک تاکید بسیار کرده و می‌فرماید:

[مسئله دیگر] مربوط به مسایل سیاسی جامعه و همین رقابت‌ها و برخوردهای خطی است. به نظر من، در این زمینه آنچه که ما بگوییم، از آنچه که امام فرمود، کمتر و نارساتر است. در این قضایا، امام لبّ مطلب را بارها و بارها گفتند. واقعاً به خط امام برگردیم. دو گروهند- باشند- اما چرا با هم تعارض می کنند؟ مگر نمی‌شود نقاط مشترک را هم در قبال نقاط محال افتراق مورد توجه قرار داد؟ چه اشکالی دارد جمع‌هایی که با هم معارضند- جمع‌های روحانی، جمع‌های دانشجویی، جمع‌هایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند- هر چند وقت یک‌بار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فیمابین خودشان را به زبان بیاورند؟ شما مگر در چند چیز با هم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوی‌تر و مهم‌تر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی می‌تواند این حرف را ادعا بکند؟

برو برادرت را مخفیانه پیدا کن، هر چه می‌خواهی، به او بگو؛ چرا با این اختلاف افکنی، مردم و مخاطبان عمومی جامعه را دچار تشویش فکری می کنی؟

الآن انتخابات در پیش است. جناح‌های مختلف بنشینند با یکدیگر هم‌فکری و تبادل نظر و کار مشترک کنند و به هم نزدیک شوند؛

ص: ۱۲۰

مگر نمی‌شود؟ اتحاد و نزدیک شدن به هم، تنازل لازم دارد.

نمی‌شود که ما همان جای خودمان بایستیم، دیگری هم همان جای خودش بایستد و بعد بگوییم که به یکدیگر نزدیک بشویم.

نزدیکی به این است که یک قدم شما بردارید، یک قدم هم او بردارد.

به نظر من، اختلافات واقعی، کمتر از تظاهر به اختلاف است. این هم خودش نکته‌ای است. اختلاف و شکاف و جدایی واقعی بین برادران، به مراتب کمتر از آن چیزی است که بر زبان می‌آورند.

ص ۱۲۰

من نمی‌دانم این حالت مبالغه‌گویی ما در حرف زدن‌ها و در اظهارات، چرا متوقف نمی‌شود؟ طوری حرف می‌زنند که آن خوش خیال‌های بیچاره‌ای که در بیرون نشسته‌اند، خیال می‌کنند که همین فردا اینها به هم می‌پرند و علیه یکدیگر اسلحه برمی‌دارند! حرف‌ها این‌گونه تند است.

این حرف‌ها دشمنان را به طمع می‌اندازد؛ چرا این‌گونه حرف می‌زنید؟ دل‌های شما به هم نزدیک‌تر از این حرف‌هاست که در اظهاراتتان نشان داده می‌شود. این هم مسئله بعدی بود که به نظر من مسئله مهمی هم است و هر چه هم گفته بشود، کم است.حدیث ولایت، ج ۷، صص ۲۶۳- ۲۶۵.

ص: ۱۲۱

بخش دوم: انسجام اسلامی

اشاره

همان شرائط، مقتضیات و دلایلی که وحدت ملی را ضروری می‌ساخت، انسجام و اتحاد صفوف در عرصه جهان اسلام را در مقابل دشمنان قسم خورده و کینه‌توز ایجاب می‌کند.

ضرورت و لزوم این مهم در آموزه‌های وحی و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله به گونه‌ای است که اهل بیت علیهم السلام در دوران طولانی خلافت اموی و عباسی به رغم همه مشکلات و مصائبی که خود و شیعیان با آن روبه‌رو بودند، هیچگاه صف خود را از دیگر مسلمانان جدا نکردند بلکه حضور فعال شیعیان را در صفوف آنان برای حفظ شوکت اسلامی و اتحاد و انسجام مسمانان ضروری و مأجور دانستند.

در امتداد آن سیره الهی و هوشمندانه، رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنار تاکید بر ضرورت وحدت ملی، همواره بر ضرورت مضاعف اتحاد مسلمانان و برادران شیعه و سنّی تاکید ورزیده‌اند. در بخش دوم از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری پیرامون" وحدت، "به بررسی نقطه نظرات

ص: ۱۲۲

ایشان در موضوع اتحاد و انسجام اسلامی می‌پردازیم.

جایگاه و ضرورت وحدت مذاهب اسلامی

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب، همه مردم برای اتحاد تشیع و تسنن باید تلاش گسترده‌ای انجام دهند:

... شعار وحدت مسلمین، شعار درست و ضروری است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسئله استراتژیک می‌دانم. یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حال بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباطات داشته باشیم. مسلمانان به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه صحیح مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم. امام بارها فرمودند ارگان‌های مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس برنامه‌ریزی و طراحی و تلاش کردند و ماها هم سخنرانی کردیم.

گناه تاریخی

امروز هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام، گناهی تاریخی است. آنان‌که عنودانه، گروه‌های عظیمی از مسلمین را به بهانه‌های واهی تکفیر می‌کنند؛ آنان‌که با گمان‌های باطل، به مقدسات فرقه‌هایی از مسلمین اهانت می‌کنند؛ آنان‌که به

ص: ۱۲۳

جوان‌های از جان‌گذشته لبنان که مایه سربلندی امت اسلامی شدند، از پشت خنجر می‌زنند؛ آنان‌که برای خوش‌آمد امریکا و صهیونیست‌ها از خطر موهومی به نام هلال شیعی سخن می‌گویند؛ آنان‌که برای شکست دولت مسلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادرکشی را دامن می‌زنند؛ آنان‌که دولت حماس را که محبوب و منتخب ملت فلسطین است، از هر سو زیر فشار قرار می‌دهند ... چه بدانند و چه ندانند، مجرمانی به شمار می‌روند که تاریخ اسلام و نسل‌های آینده از آنان با نفرت یاد خواهند کرد و آنان را مزدوران دشمن غدار خواهد دانست. ۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵.

مفهوم وحدت اسلامی

اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنّی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنّی هم سنّی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟ ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنّی باید همیشه سر عقل باشند؛ همچنان که بحمداللّه در دروان انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها

ص: ۱۲۴

سوءاستفاده کند.۱۱/ ۷/ ۱۳۶۹. امر دوم، تأکید روزافزون بر مسئله وحدت است. سال‌ها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل‌سنّت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته، جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنّی و سنّی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست، بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را برگردن خود احساس کند و متقابلًا او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این‌قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این‌طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

اگر کسی مخلصاًلِلّه احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ والّا او می‌رود کتاب «احقاق الحق» را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب «تحفه اثنی عشریه» را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد! هر دو هم به‌قدر کافی کتاب پر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته‌اند! اگر مابخواهیم گذشته را

ص: ۱۲۵

مطرح کنیم، نمی‌شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم:

گذشته، گذشته است «رحم اللّه معشر الماضین.» ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده‌اند، ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را بیننا و بین‌اللّه نگاه کنیم. بیننا و بین‌اللّه، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم.

اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف‌نظر کنیم. ۵/ ۱۰ / ۱۳۶۸.منظور ما از وحدت، هماهنگی و یک‌نوایی و هم‌صدایی است.۲۲/ ۱/ ۱۳۶۹. ایشان در جای دیگر توضیح می‌دهند:

باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فِرَق مسلمین- اعم از شیعه و سنّی- یا فِرَقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده خود دست بردارند و به عقیده سومی یا به عقیده طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه هر کسی وابسته است و بینه و بین الله تکلیف اوست. بحث ما این نیست.

ما نمی‌گوییم که سنّی‌های عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. البته، اگر یک سنّی یا هر کسی

ص: ۱۲۶

تحقیق و تفحص کرد، عقیـده‌اش هرچه شـد، باید بر طبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است. حرف ما در هفته وحـدت و به عنوان پیام وحـدت این است که مسـلمانان بیاینـد با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشـمنی نکنند. محور هم کتاب خـدا و سنّت نبی اکرم صـلی الله علیه و آله و شـریعت اسـلامی باشـد. این حرف، حرف بـدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد.

البته، بعضـی در بیـان مطلب اشـتباه می‌کننـد. وقتی که آنهـا این حرف‌هـا را می‌زننـد، شایـد خیلی هم ساده نباشـد. وقتی می‌خواهند وحـدت اسـلامی را بیان کننـد، می‌گوینـد که در صـدر اسـلام، نه شـیعه و نه سـنّی بود؛ پس شـیعه و سـنّی غلط است! نه، این حرف نادرست و سـستی است. بحث سـر این نیست که در صـدر اسـلام، آیا شـیعه و سنّی وجود داشت یا نه. بالاخره بعـد از پیامبر، آرای مسـلمین متفاوت شد. یک عده در مسـئله امامت نظری داشتند و عده‌ای نظر متفاوت دیگری داشتند. بعضی منبع احکام الهی را یک چیز و بعضـی چیز دیگری دانسـتند. بنابراین، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتی بین مسـلمانان به وجود آمـد. اینکه ما بگوییم در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنّی بود، حرف غلطی است. امروز این حرف، در حقیقت به معنای نفی کردن و از بین بردن معارف و فقه و محصول فرهنگی همه فرق مسـلمین است. روی هر چه دست بگذارنـد، می‌گوینـد در صـدر اسـلام نبوده، پس این غلط است! این، خودش حرفی شبیه

ص: ۱۲۷

توطئه است.۱۹/ ۷/ ۱۳۶۸. وحدت امر پیچیده‌ای است؛ ایجاد اتحاد یک کار پیچیده است.

اتحاد بین ملت‌های اسلامی، با اختلاف مذاهب می‌سازد، با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد، با اختلاف فقه‌ها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، هم‌سو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملت‌ها، سرمایه‌های خودشان راعلیه یکدیگر به کار نبرند.۲۴/ ۵/ ۱۳۷۴ ما در مسئله وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده‌ایم. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دو آن باید تأمین بشود: اول اینکه فرق گوناگون اسلامی (فرق سنّی و فرق شیعه)- که هر کدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند- حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، هم‌دلی و هم‌دستی و همکاری و هم‌فکری کنند.

دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود.۲۴/ ۷/ ۱۳۶۸

ص: ۱۲۸

شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی بـا این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عـدالت و مردم‌سالاری و بسط وحـدت در دنیای اسـلام و میان امت اسلامی وجود دارد.۱۹/ ۶/ ۱۳۸۲. حقاً وضع مسـلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی تأسف‌انگیز است. بسـیاری از توانایی‌های با ارزش علمی و فکری مسـلمین در طول تاریـخ، صـرف تعارض با یکـدیگر شده است. اشـتباه نشود. اگر کسـی برای اثبات مذهب علمی خـود تلاش علمی بکنـد، من آن را رد نمی‌کنم. هم شـیعه، هم سـنّی، هم هر مؤمن به نحله‌ای، به عقیـده‌ای و به طریقه‌ای حق دارد طریقه خودش را اثبات کند. این چیز دیگری است. ما آن را رد نمی‌کنیم.

آنچه که ما رد می‌کنیم تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است. این غلط است.

در بحث علمی، طبیعی است که هر کس عقیـده‌ای دارد. اثبـات آن عقیـده، به معنـای نفی و رد عقایـد دیگری و اسـتدلال بر عقیـده خود است. همه اینها مفهوم، قابل درک و قابل تحمل است. همین بحث‌ها هم همیشه دامنه تفکر را گسترش می‌دهد، تعمیق می‌کند و پیش می‌برد. مانعی ندارد، لیکن آنجایی که دو گروه، هر دو

ص: ۱۲۹

منتسب به اسلام و هر دو معتقد به مبانی اساسی واحد، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند تا یکدیگر را محو کنند یا ضرر بزنند یا جریحه‌دار کنند، این فاجعه است. ما از این کار بایستی جلوگیری کنیم.حدیث ولایت، دفتر مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۸، صص ۷۷ و ۷۸. مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی- هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت- میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «و لا تنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد. ۳۰/ ۵/ ۱۳۸۵.

توجه به وحدت شیعی

... ما وظیفه داریم در کنار آن شعار و عمل به وحدت- که یک برنامه و یک عمل قطعی است- شیعه را در همه جای عالم به عنوان یک مجموعه متصل و ملحق به جمهوری اسلامی جمع کنیم. وقتی ما شعار وحدت اسلامی می‌دهیم، چرا شعار وحدت شیعی ندهیم و در داخل شیعه، به فکر ایجاد یک وحدت نباشیم؟

ص: ۱۳۰

البته شیعه در نگاه وسیع‌تر، شیعه اثنی‌عشری، شیعه زیدی و شیعه اسماعیلی را شامل می‌شود که اینها در دنیا هستند و مشترکات زیاد و تأثیرات سیاسی هم دارند، ولی متفرقند ... الان در هند و پاکستان و کشورهای عربی میلیون‌ها شیعه وجود دارد و غالباً اقلیت‌هایی هستند که به آنان فشار می‌آید؛ چه آن جاهایی که مسلمین در فشارند، چه آن جاهایی که حتی مسلمین در فشار نیستند، اما آنان در فشارند. بنابراین، جایی لازم است که از آنها حمایت بکند و آن اینجاست. اگر بخواهیم این مرکزیت را تثبیت و تحکیم کنیم، باید با شیعه دنیا تعارف داشته باشیم.

آنان را بشناسیم، بیایند، بروند و بدانند که با جایی ارتباط دارند.

ما از اوایل انقلاب، حتماً از این کار غفلت داشتیم. این کاری که الان انجام می‌گیرد، کاری است که خیلی دیر دارد انجام می‌گیرد.حدیث ولایت، ج ۴، صص ۹۷- ۹۹.

نسبت وحدت شیعه و سنّی و وحدت ملی

نه می‌خواهیم بگوییم که شیعه، سنّی شود یا سنّی، شیعه شود و نه می‌خواهیم بگوییم که شیعه و سنّی به‌قدر توان و مقدورات خودشان، برای تحکیم عقاید خودشان کار علمی نکنند. اتفاقاً کار علمی، بسیار خوب است و هیچ اشکالی ندارد. کتاب‌های علمی بنویسند؛ در محیطهای علمی، نه در محیطهای غیرعلمی، آن هم با لحن‌های بد و غلط. بنابراین، اگر کسی می‌تواند منطق

ص: ۱۳۱

خود را ثابت کند، ما جلوِ کار او را نباید بگیریم. اما اگر کسی می‌خواهد با حرف، با عمل و با شیوه‌های گوناگون، اختلاف ایجاد کند، این را ما فکر می‌کنیم که در خدمت دشمن است. هم سنّی‌ها باید مراقب باشند و هم شیعه‌ها. «وحدت ملی» را که ما گفتیم، شامل این هم می‌شود.. ۶/ ۱/ ۱۳۷۹.

دشمنان وحدت و انسجام اسلامی

در عین اینکه دولت‌ها و قدرت‌ها و اداره‌کنندگان جهان برای مصالح دولت‌ها و مسائل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاش‌های استکبار جهانی در جهت تضعیف ملت‌ها و به خصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می‌رود. شیعه و سنّی که مسئله امروز نیست؛ قرن‌هاست که در اسلام، شیعه و سنّی وجود دارد. در خود مذهب سنّی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی و دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته‌بندی‌هایی که در تسنن هست، همان‌ها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته‌بندی‌ها و فرقه‌بندی‌ها، یا بر اثر سوءسیاست و یا بر اثر سوءفهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست؛ اما شما نمی‌بینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه‌قدر تلاش می‌شود. ۲۹/ ۹/ ۱۳۶۸

ص: ۱۳۲

رهبر معظم انقلاب در جایی دیگر به علت اساسی این دشمنی با جهان اسلام و مسلمانان اشاره کرده و فرموده‌اند:

امروز بیشترین منابع نفت که بی‌اغراق به منزله خون برای تمدن کنونی جهان است، در کشورهای اسلامی است. حساس‌ترین مناطق سوق‌الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورهاست. یک پنجم همه جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگ‌ترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه‌دار و علوم و معارف آنان، اولین گام‌های عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غربی‌ها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند.۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶. ایشان در بیان دیگری فرمود:

امت اسلامی تنها به این جرم که چون در یک نقطه ثروتمند دنیا قرار گرفته است؛ چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف بر امکاناتی است که در این نقطه از دنیا به وفور موجود است، مورد طمع و دست‌اندازی قدرت‌ها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را برای خودشان مجاز می‌شمارند؛ این وضع

ص: ۱۳۳

امت اسلامی است!

برای به دست آوردن ثروت عظیم مسلمانان، تنها راه چاره، ایجاد تفرقه و جدایی بود که به فرموده رهبری، دشمن در این کار توفیق نسبی داشته است:

در آن دوران‌های تلخ و سیاه، قدرت‌های مسلط غربی، همه ابزارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی را برای تضعیف کشورها و ملت‌های مسلمان به کار گرفتند و تفرقه و فقر و جهل را بر آنان تحمیل کردند. غفلت و تنبلی و ضعف نفس بسیاری از رجال سیاسی، و مسئولیت‌ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی ما به آنان کمک کرد و نتیجه، غارت ثروت‌های ما، تحقیر و حتی انکار هویت ما و نابود شدن استقلال ما باشد.

ما ملت‌های مسلمان روزبه‌روز ضعیف‌تر شدیم و چپاولگران زیاده‌خواه و سلطه‌طلب روزبه‌روز قوی‌تر.

دشمنان آن‌گاه که کشورهای اسلامی را به منافع داخلی خود مشغول کردند و آنان را آن‌گونه که باید و شاید، از توجه به کشورهای برادر بازداشتند، قدم بعدی را در جداسازی بعضی از کشورهای اسلامی از پیکر جهان اسلام برداشتند.

سوگ‌مندانه باید گفت اندیشمندان اسلامی و به تبع آن، مسلمانان، در برابر این کار واکنش جدی نشان ندادند. در نتیجه، دشمن در اقدام خود گستاخ‌تر شد. ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۴

ص: ۱۳۴

ترفندهای تفرقه انگیز دشمنان

۱- تحریف انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان‌های آن

اختلاف و نزاع و بعضاً زد و خورد بر سر مسائل کلامی و فقهی و فرقه‌ای، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است، لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی، انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌ای آن و نه اسلامی به معنای عام معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنّی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم که یکی از آخرین آنها، تشکیل «مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی» است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه مردم از همه مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند. ۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰ایشان در جای دیگر با اشاره به این حقیقت، گوشزد می‌کند:

البته بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف‌افکنی شدت پیدا کرده است؛

ص: ۱۳۵

چون از انقلاب اسلامی و حیات مجدد اسلام می‌ترسند. اسلام قوی است. قوّت و معنویت اسلام آن‌چنان است که اگر به شرایطش عمل بشود و واقعاً اسلام پیاده گردد، قدرت‌های دنیا و تخت‌ها را می‌لرزاند. آنها از این می‌ترسند و به همین خاطر نمی‌خواهند بگذارند قوّت و معنویت اسلام زنده بشود. یکی از طرق مبارزه با این پدیده‌ای که برای آنها به شدت ترسناک می‌باشد، همین است که اینجا را از بقیه مسلمانان غیرشیعی دنیا ایزوله کنند و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شیعی وانمود نمایند و دعوای بین شیعه و سنّی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می‌دهند، آن را متوقف کنند. ۵/ ۱۰/ ۱۳۶۸.

۲- تفرقه شیعه و سنّی، سمّ مهلک دنیای اسلام

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اختلاف مسلمانان، اختلاف میان شیعه و سنّی است. دشمنان اسلام امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که تنها حربه‌ای که می‌تواند میان مردم مسلمان اختلاف ایجاد کند، دامن‌زدن به مسئله شیعه و سنّی است. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب بارها و در مناسبت‌های گوناگون، آن را گوشزد کرده و همواره مسلمانان را از توطئه خطرناک دشمنان آگاه ساخته است. ایشان در سخنی می‌فرماید:

سهم مهلک دنیای اسلام، تفرقه است. این تفرقه، ملت‌ها را از هم جدا می‌کند؛ دل‌ها را از هم جدا می‌کند. الان دشمن، و همین

ص: ۱۳۶

سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق یک عده‌ای را تحریک می‌کنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند- حالا- امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست- مقابله و مبارزه کنند؛ ناامنی ایجاد کنند و این ناامنی را وسیله‌ای قرار می‌دهند برای اینکه پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند.

امریکا برای ماندن در عراق، بهانه لازم دارد و این بهانه، ناامنی است. آنها برای اینکه دولت عراق نتواند به خدمات لازم بپردازد، این اوضاع ناامن را در کشور به وجود می‌آورند تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می‌آورند: دل سنّی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنّی آن‌چنان چرکین می‌کنند که نتوانند با این همه مشترکات کنار هم قرار بگیرند.

این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی‌فهمیم؟۱۷/ ۵/ ۱۳۸۵. ایشان در کلامی دیگر فرمود:

مسئله شیعه و سنّی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمین‌گیر کردن امت اسلامی است. هم سنّی‌ها بدانند، هم شیعه‌ها بدانند؛ همه در ایران و در دنیای اسلام این را بدانند که اختلاف شیعه و سنّی یکی از ابزارها و چماق‌های دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده می‌کنند. آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، یک عده‌ای را با این شعار، با این تبلیغات که اینها سنّی هستند، شما شیعه

ص: ۱۳۷

هستید؛ سعی می‌کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه لبنان زیر فشار است، به یک عده‌ای می‌گویند شما سنّی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می‌گذارند، نه به سنّی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.۱۷/ ۵/ ۱۳۸۵. توجه به جنبه‌های مختلف سخنان رهبری، عمق توطئه دشمنان را در گسترش دادن اختلاف میان تشیع و تسنن چنین می‌نمایاند:

در عراق، شیعه و سنّی قرن‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند. چه‌قدر فامیل‌های شیعه و سنّی با هم خویشاوند و قوم و خویشند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل مطرح نبوده است. زمان عثمانی‌ها دولت و حکومت به شیعه زور می‌گفتند و اذیت می‌کردند و زمان صدام و زمان‌های دیگر هم کم و بیش همین طور بوده، اما مردم شیعه و سنّی با هم کاری نداشتند. امروز می‌خواهند مردم را به جان هم بیندازند.۲۱/ ۷/ ۱۳۸۵. امروز انسان متأسفانه می‌بیند که حرف‌های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاست‌مداران دنیای اسلام تکرار می‌شود.

همان چیزی که آنها می‌خواهند، اینها تکرار می‌کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنّی و اختلافات فرقه‌ای دنیای اسلام دامن می‌زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند. باید با این کار مقابله کرد. ۳۰/ ۵/ ۱۳۸۵.

ص: ۱۳۸

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است و مخصوص شیعه و سنّی هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنّی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل‌تسنن- مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها- هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین- مردم عامی- می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند.

علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند، لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده. همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می‌کردند که مانع بشوند. علما و زبدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد، لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی‌خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده، نه، احساساتِ خودشان هم دخیل بوده. بعضی از جهالت‌ها، بعضی از تعصب‌ها، بعضی از احساسات، بعضی از کج‌فهمی‌ها دخالت داشته، لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر

ص: ۱۳۹

استفاده را کرد.۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۵. امروز اصرار استکبار در دنیای اسلام بر ایجاد تفرقه است.

راه‌های دیگر را رفتند، اما ناکام ماندند. شما ملاحظه کنید امریکا در دو سه تصرفی که در منطقه خاورمیانه کرد، در همه بی‌استثنا شکست خورد. نه در عراق، نه در لبنان، نه در افغانستان و نه در فلسطین، آن مقصودی که امریکای مستکبر دنبال می‌کرد- آن هم با هزینه‌های بسیار سنگین و انبوه (پول، سلاح، نیروی انسانی و سیاست)- برای اینکه بتواند مقاصد خودش را در این چهار نقطه تحقق ببخشد، نتوانست و در هر چهار نقطه ناکام ماند؛ به مقصودهایش نرسید و دارد سختی‌های شکست را مزمزه و احساس می‌کند. یک روزی- سه، چهار سال قبل- ما این حرف‌ها را می‌زدیم، اما امروز خود امریکایی‌ها می‌گویند و خود سیاست‌مدارانشان هم این را تکرار می‌کنند. بنابراین، از راه‌های دیگر دستشان بسته شده است. ۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵. استکبار می‌خواست دولت‌ها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولت‌ها هشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود، اما بعضی از دولت‌ها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملت‌ها هم مسئله اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنّی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه

ص: ۱۴۰

جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتاب‌های زیادی نوشته شد.

عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها که به این کتاب‌ها و به این اشکال‌ها و دشنام‌ها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسئله این است. ۱۳ / ۵/ ۱۳۷۵.سیاست استکبار ایجاد جنگ بین فلسطینی و فلسطینی است؛ بین عراقی و عراقی است؛ بین مسلمانِ شیعه و مسلمانِ سنّی است؛ بین جامعه عربی و غیرعربی است. این، سیاست‌های آشناست.

این را اول باید همه علاج کنند. ما به سهم خود، وحدت را بین امت اسلامی یک ضرورت می‌دانیم ... اینکه امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت می‌کرد. فکر نمی‌کرد که «مذهب من چیست؟» «من سنّی‌ام، او شیعه است»، «او سنّی است، من شیعه‌ام» ...

این حالت برای دشمن، حالت مضری است. دشمن می‌خواهد این را بشکند. حال اگر دوست، این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرت‌های استکباری، خود من و شما، با حرف زدنمان، با نوشتنمان، با گفتنمان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنّی، سنّی را از شیعه جدا کنیم، چه می‌شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می‌رسد به فرقه‌های سنّی؛ این فرقه را از آن فرقه،

ص: ۱۴۱

اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می‌رسد به شیعه؛ این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا می‌کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ اینکه امام این‌قدر روی مسئله «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یک مسئله احساساتی نیست. این یک مسئله عقلانی است. هر کس به مقدسات آن فرقه دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه دیگر برخورد کند، به هر اندازه که برد کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می‌خواهد باشد.۱۴/ ۶/ ۱۳۷۲. در عین اینکه دولت‌ها و قدرت‌ها و اداره کنندگان جهان، برای مصالح دولت‌ها و مسائل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاش‌های استکبار در جهت تضعیف ملت‌ها و به خصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می‌رود. شیعه و سنّی که مسئله امروز نیست؛ قرن‌هاست که در اسلام، شیعه و سنّی وجود دارد. در خود مذهب سنّی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی، دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته‌بندی‌هایی که در تسنن هست، همان‌ها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته‌بندی‌ها و فرقه‌بندی‌ها یا بر اثر سوء سیاست و یا بر اثر سوءفهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست، اما شما

ص: ۱۴۲

ببینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه‌قدر تلاش می‌شود.۵/ ۱۰/ ۱۳۶۸.

۳- غدیر و استفاده ابزاری

اشاره

محور دیگری که استکبار برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام به آن توجه دارد، شناخت حساسیت‌ها و مقدسات مذاهب مختلف است. دشمن با توجه به این حساسیت، عوامل خویش را وامی‌دارد تا به این حساسیت‌ها دامن بزنند. گروهی از پیروان مذاهب نیز که قدرت تجزیه و تحلیل ندارند، با تعصب خاص خود در خطر توطئه قرار می گیرند و اختلافات مذهبی را تشدید می کنند. رهبر معظم انقلاب در پرده‌برداری از این توطئه می‌فرماید:

یک نکته که در کنار این لازم است پیروان اهل بیت علیهم السلام و نیز همه مسلمانان در نظر داشته باشند، این است که ما از حادثه و واقعه غدیر- که نشانه عظمت اسلام و جامعیت اسلام است- به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف اسلام استفاده نکنیم. این را من بالخصوص امروز و این روزها موظفم و مقیدم که به همه ملت عزیزمان و همه مسلمان‌ها در هر نقطه دنیا عرض بکنم که مراقب باشند امروز برای تضعیف اسلام، دشمنان به دنبال همین نقطه خاص، همین چیزی که منشأ عظمت اسلام است، هستند؛ یعنی مسئله شیعه و سنّی، قبول غدیر و انکار غدیر.

ص: ۱۴۳

دشمن می‌خواهد مسئله غدیر را یک مایه برادرکشی و جنگ و خون‌ریزی قرار بدهد، در حالی‌که غدیر می‌تواند وسیله ائتلاف و برادری مسلمان‌ها با هم باشد.۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵. این معنا مسلّم است که قضیه غدیر هیچ گونه جنگ و دعوای بین پذیرنده و نپذیرنده به وجود نمی‌آورد و اختلافات را ایجاب نمی‌کند. برای شیعیان هم همین‌طور است. شیعیان هم خدا را شکر کنند که از طرف پروردگار به نعمت این اعتقاد و معرفت متنعم شدند. آن برادرهایی هم که این حقیقت را قبول نکردند، یا مراجعه نکردند، یا اطلاع ندارند و یا نتوانستند ذهن‌هایشان را قانع کنند، آنها هم اعتقادی ندارند. این، اختلاف و درگیری را ایجاب نمی‌کند.۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵.

ایجاد اختلاف در عراق

امروزه دشمن، تجربه تلخ افغانستان را این بار با نقشه‌ای دیگر در عراق به کار گرفته است. باید دانست همان‌گونه که میکروب‌ها بر بدن ناسالم زودتر تسلط می‌یابند، دشمنان نیز اگر کشوری را در دام اختلاف داخلی بیندازند و مردم آن سرزمین را تضعیف کنند، روزبه‌روز بر دامنه توطئه‌های خود می‌افزایند. آن‌گاه با برنامه‌ریزی غیرمستقیم، مردم را درمقابل هم قرار می‌دهند و تمام مقاصد خود را در پرتو این توطئه شوم به دست می‌آورند. رهبر انقلاب در مورد عراق می‌فرماید:

ص: ۱۴۴

در عراق هم دارنـد همین مسـئله مردم در مقابل مردم را دنبال می کننـد. واقعیت آنجا اشـغالگرانی است که آمده‌اند و در همه امور- در دولت، در مجلس، در امور ریاست جمهوری، در امور نخست‌وزیری، در امور مالیه، در امور امنیت- دخالت‌های بی‌جا و بی‌مورد می کننـد و از همه اینها بـدتر و خطرناک‌تر، اینکه به حکم شواهـد فراوان، تروریسم را در عراق ترویـج می کنند. یعنی قصد دارند به اسم شیعه و سنّی، مردم را در مقابل مردم قرار دهند. سنّی را نسبت به شیعه به نحوی بدبین کنند، شیعه را هم نسبت به سنّی به نحوی بـدبین کننـد. این را به خون او تشـنه کنند، او را درصدد انتقام گیری از این تحریک بکنند. این سـیاست امریکایی‌ها در عراق است. امروز برادران عراقی ما به شدت به اتحادی احتیاج دارند که ناشـی از درک این حقیقت باشد که دشمن می‌خواهد واقعیت مردم در مقابـل اشـغالگر را به مردم در مقابـل مردم در عراق تبـدیل کنـد. در کل منطقه هم همین طور است. این سـیاست قـدیمی اختلافات مـذهبی و فرقه‌ای، امروز زنـده شـده است که البته متخصـص آن هم انگلیسـی‌ها هسـتند. این کـار را به امریکایی‌هـا هم یـاد دادنـد؛ اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنّی، به هر نحوی که بتوانند. همه باید متوجه باشند.۳۰/ ۵/ ۱۳۸۵.

۴- تبلیغات مسموم و استخدام نیروهای نفوذی

دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و

ص: ۱۴۵

متأسفانه در نقاطی از جهان، کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری، از یک سیاستمدار و در کشور دیگری، از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده می‌شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به‌گونه‌ای بهت‌انگیز از آن دفاع کرده‌اند- زبان می‌گشاید و قلم می‌راند. یا در کشور مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملت‌ها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی که با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می‌کنند و کتاب و مقاله می‌نویسند، تا شیعه و تشیع اهل‌بیت پیامبر علیهم السلام را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰.

۵- ترویج ملی گرایی و ناسیونالیسم

اشاره

رهبر فرزانه انقلاب معتقد است که سیاستمداران استعمار، با برجسته کردن تفاوت های ملی و نژادی، هویت یک‌پارچه جهان اسلام را نشانه رفته‌اند. ازاین‌رو، همگان را متوجه به این توطئه می‌کند:

امت اسلامی از ملت‌ها و نژادها و پیروان مذاهب گوناگون تشکیل یافته است. این تنوع که با پراکندگی جغرافیایی در بخش حساس و مهمی از کره زمین همراه است، می‌تواند خود، نقطه

ص: ۱۴۶

قوتی برای این پیکره عظیم به‌شمار آید و میراث و فرهنگ و تاریخ مشترک آنان را در گستره‌ای پهناور، از کارآمدی بیشتر برخوردار سازد و انواع استعدادها و قابلیت‌های انسانی و طبیعی را در خدمت آن به کار گیرد. استعمار غربی از آغاز ورود به کشورهای اسلامی، همین نکته را مدنظر ساخته و یکسره به تحریک انگیزه‌های تفرقه‌افکن پرداخته است.

سیاستمداران استعمارگر به خوبی می‌دانستند که اگر هویت یک‌پارچه جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره سیاسی و اقتصادی آنان بسته خواهد شد. پس در تلاشی همه‌سویه و بلندمدت، به اختلافات در میان مسلمانان دامن زدند و زیر چتر این سیاست خبیثانه، از غفلت توده‌های مردم و سست عنصری زمامداران سیاسی و فرهنگی، بهره‌برداری کردند و کار خود را در تسلط بر کشورهای اسلامی پیش بردند.۸/ ۱۰ / ۱۳۸۵. مرتب باید خطرات تفرقه و اطماع استکباری، دشمن را از ایجاد تفرقه و تقویت گرایش‌های طایفه‌ای تذکر بدهیم. مرتب می‌خواهند گرایش‌های منفی را رواج بدهند. ما هم گرایش‌های مثبت داریم، هم گرایش‌های منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته به مجموعه‌ای می‌دانم. گرایش منفی یا نافی آن است که این وابستگی خودم را به معنای لگدزدن به دیگران بدانم، مثل ناسیونالیسم منفی یا نافی.

ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به

ص: ۱۴۷

میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است، اما به این معنا که چون من اهل اینجا هستم، پس بایستی علیه همه ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم، این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به اینجا به جزئیت من از خانواده عمومی و جهانی را نفی کند. معمولًا این ناسیونالیست‌ها وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جا خیلی قوی می‌شود، این طوری هستند. علی ایّ حال، توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه‌ها مورد توجه باشد.حدیث ولایت، ج ۴، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

نتایج شوم و زیانبار تفرقه و جدایی ملت‌ها و دولت‌های اسلام

مهم‌ترین نتایج و پیامدهای تفرقه در جهان اسلام از دیدگاه رهبر انقلاب را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد:

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه عظیم- یعنی امت اسلامی- نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد نتواند از آن همه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه، ملت‌ها و کشورهای اسلامی از قافله دانش بشری عقب و از ثروت عظیم مادی خود، بی‌بهره و در مسابقه بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگ‌های بیگانه و در عرصه سیاست بین‌المللی، تابع دیگران و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرت‌های استکباری بوده باشد. این مشکلات که

ص: ۱۴۸

بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بدکرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی را تشکیل می‌دهد که به عنوان ردیف‌های اول آن می‌توان اینها را برشمرد:

- «اختلافات فرقه‌ای» که بیشتر به وسیله علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می‌شود.

- «اختلافات قومی و ملی» ناشی از ملی گرایی افراطی که بیشتر به دست روشن‌فکران وابسته دامن‌زده می‌شود.

- «تسلیم در برابر قدرت‌های مداخله گر» که برخی کشورها را به اقمار قدرت‌های بزرگ بدل ساخته است.

- «تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی».

- بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی از دولت‌ها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان. و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرت‌های مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- «حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه اسلامی» که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- «ترویج جدایی دین از سیاست» و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل حکومت، سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و ده‌ها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه‌های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی

ص: ۱۴۹

از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می‌دادند، قابل علاج می‌بود، منشأ گرفتاری‌های کنونی جهان اسلام شده و درپی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرودستی سیاسی و عقب‌ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.۴/ ۲/ ۱۳۷۵.

وجوب دفاع مسلمانان و جهان اسلام در برابر توطئه تفرقه‌افکنی

آیا امت اسلامی در مقابل این دست‌اندازی قدرتمندانه نمی‌تواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما می‌توانیم دفاع کنیم.

ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم. ما ثروت عظیمی داریم.

ما انسان‌های برجسته و سرمایه معنوی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را می‌دهد. ما فرهنگ و تمدن با سابقه‌ای داریم که در دنیا کم‌نظیر است. ما خیلی امکانات داریم. بنابراین، بالقوه می‌توانیم دفاع کنیم، اما چرا دفاع نمی‌کنیم؟ چرا عملًا در میدان، کاری از ما برنمی‌آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانه‌های گوناگون ما را از هم جدا کرده‌اند. لشکر منظم عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروه‌هایی که همّ و غمشان مقابله و مبارزه با هم، ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجه زدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کرده‌اند. در این شرایط، معلوم است که این لشکر کارآیی

ص: ۱۵۰

نخواهد داشت. ۱۸/ ۲/ ۱۳۸۳.ما باید بیدار باشیم؛ هم شیعه، هم سنّی باید بیدار باشند به خصوص علما. مردم دور از محیط علمایی ممکن است دچار توهماتی بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند، اما علما نمی‌توانند در این قضیه بی‌تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اینها عوامند، ما که نمی‌کنیم. نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند.

امروز بیداری اسلامی شروع شده، عزت اسلامی آشکار شده، هزیمت دشمن در میدان‌های مختلف روزبه‌روز بیشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطین شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد و در هیچ کدام از اینها به مقاصد و اهداف خودش نرسید.۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۵.

ضرورت اتحاد مسلمانان

اگر مسلمانان هشیار باشند و در محور حبل‌الله گرد آیند و بی‌جهت به اختلافات جزئی خود دامن نزنند، دشمنان هیچ‌گاه توفیقی به دست نخواهند آورد. امروز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری، به وحدت و هم‌بستگی نیاز دارد، همان‌گونه که در جنگ احزاب تمام دشمنان در مقابل مسلمانان قرار گرفته بودند، اینک نیز باطل در ضربه‌زدن به مسلمانان متحد و متفق عمل می‌کند. بنابراین، تا دیر نشده این توصیه رهبر فرزانه باید جدی گرفته شود:

ص: ۱۵۱

وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه‌ترین راه این است که همه به فکر بیفتند و دست‌ها را در دست هم بگذارند. توصیه و مطالبه جدی ما از دولت‌ها و ملت‌های اسلامی این است که روی این مطلب فکر و کار کنیم که زحمت و مقدماتی دارد؛ باید مقدماتش تأمین شود. ۱۸/ ۲/ ۱۳۸۳.مسئله اتحاد بین مسلمین یک امر جدّی است. با این مسئله، باید این‌طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن‌چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود.۲۴/ ۵/ ۱۳۷۴.

محورهای مشترک برای وحدت و انسجام اسلامی

اشاره

مسلّم است که محور و اصول مشترک فراوانی میان مسلمانان وجود دارد، مانند توحید، نبوت، معاد، قبله، حج، مسجد و عبادت که هر یک از آنها می‌تواند محور وحدت و هم‌دلی قرار گیرد. پس باید روی مشترکات تأکید شود:

۱- توحید مبنای وحدت اسلامی

بنای توحید- که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست- در وحدت است. تفکرات شرک‌آلود، انسان‌ها را هم تقسیم می‌کرد.

ص: ۱۵۲

جامعه‌ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. وقتی در یک جامعه شرک‌آلود، ربط انسان‌ها به مبدأ هستی و نیروی قاهر و مسلط عالم مطرح می‌شود، به طور طبیعی و قهری، در این جامعه انسان‌ها از هم جدا می‌افتند؛ یکی به یک خدا، دیگری به خدایی دیگر و سومی هم به خدایی دیگر. جامعه‌ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره جدایی غیرقابل وصل وجود دارد. درست به عکس آن، در جامعه توحیدی که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حیّ و قیومی و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسان‌ها- چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون‌های مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف- با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصلند، به یک جا متصلند و از یک جا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه قهری اعتقاد به توحید است. در این دیدگاه، نه فقط انسان‌ها به یکدیگر مرتبطند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبطند و همه با انسان خویشاوندند.

بنابراین، همه آنچه که انسان می‌بیندو احساس و درک می‌کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد.

این‌که در قران می‌فرماید: «یهدی من اللّه من اتبع رضوانه سبل السلام»، کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آنها را هدایت می‌کندو به راه‌های سلم و همزیستی سوق می‌دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعه

ص: ۱۵۳

اسلامی است. ولایت هم معنایش همین است. ولایت؛ یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است؛ یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه- یعنی ولیّ- متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نماید. یعنی «اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم»، لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است.

این مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق (جلّ و علا)، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی اثر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت (وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف) می‌سازد. این جوامع، نقطه مقابل تأثیر شرک و مشرکان و الهه شرک‌آفرین هستند. لذا هر جا در میان مؤمنین و بندگان صالح خدا، وحدت هست، آن‌جا توحید و خدا هم هست. هر جا بین مؤمنین و بین بندگان صالح خدا، اختلاف هست، آن‌جا قطعاً شیطان و دشمن خدا حاضر است. هرجا شما اختلاف دیدید، جست‌وجو کنید، بدون دشواری، شیطان را در آن‌جا خواهید یافت یا شیطانی را که در درون نفوس خود ماست و نفس امّاره نام داردو خطرناک‌ترین شیطان‌ها هم است، پیدا خواهید کرد. بنابراین، پشت سر همه اختلافات، یا خودخواهی‌ها و جاه‌طلبی‌ها و منیّت‌های ماست و یا شیطان‌های خارجی؛ یعنی دست‌های دشمن و استکبار و قدرت‌های ظالم

ص: ۱۵۴

و ستمگر. (۲۹/ ۹/ ۱۳۶۸)

این‌که بعضی‌ها به دنبال مطامع دنیوی خودشان، دچار زندگی مشقّت‌بار روحی و صفات ناپسندیده و رذایل اخلاقی و حرص و طمع و بخل می‌شوند، به خاطر دور مانداز جهان‌بینی الهی و معنوی و توحیدی است که مردم را به جمعیت و وحدت دعوت می‌کند. جمعیت، در درون انسان هم شیرین و مطلوب است. در متن جامعه و در سطح عالم هم همین‌طور است. (۱۸/ ۷/ ۱۳۷۵)

در دین مقدس اسلام، وحدت یک اصل اساسی است. از ذات مقدس باری تعالی- که اصل و مظهر وحدت و یکتایی است- بگیرید، تا آثار این وحدت که توجه همه عالم وجود، به سمت آن مرکز عظیم و عالی است- کل الینا راجعون- و همه به سمت ذات مقدس پروردگار حرکت می‌کنند: «الی اللّه المصیر». (۱۸/ ۷/ ۱۳۷۵)

بزرگی در چند ده سال قبل فرموده بود: «بنی الاسلام علی دعانتین:

کلمه التوحید و التوحید الکلمه». این دو پایه اساسی اسلام است: اول کلمه توحید، بعد وحدت کلمه که این دومی هم به اولی برمی‌گردد؛ یعنی وحدت کلمه بر محور توحید. (۲۱/ ۴/ ۱۳۷۷)

۲- وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله

وجود نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، بزرگ‌ترین مایه وحدت در همه ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می‌تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه

ص: ۱۵۵

مسلمان‌هاست و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمین و نزدیکی فرق اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. ابعاد شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارایه نماید. آنچه ما از برگزیده پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته‌ایم، سایه و شبحی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است؛ اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولًا حرکت آنها را به سمت کمال تضمین کند و قله انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً آنها را به وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند. بنابراین، توصیه ما به همه مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاق آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار مأثور و منصوص است، کار زیادی بشود.۲۴/ ۷/ ۱۳۶۸. در بین حقایق و معارف اسلامی، چیزی که به این صورت مورد توافق آرا و عقاید و نیز عواطف همه مسلمین باشد، شاید نداشته باشیم یا خیلی نادر باشد؛ چون عواطف هم نقش زیادی دارد. به غیر از بعضی اقلیت‌ها و جمعیت‌های جدا شده از عامه مسلمین که به عواطف چندان اهمیت نمی‌دهند و کاری به محبت، توجه و توسل ندارند، عامه مسلمین، با عواطف نسبت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله سر و کار دارند. بنابراین، وجود این بزرگوار می‌تواند محوری

ص: ۱۵۶

برای وحدت باشد.۲۴/ ۵/ ۱۳۷۴. آنچه به دنیای امروز ما ارتباط دارد، نکته‌ای است که من مکرر بر آن پامی‌فشارم و آن، این است که در بین فرق اسلامی- که امروز مسلمین خیلی گرفتاری و نابسامانی دارند و با آن دست به گریبان‌اند و باید از هر وسیله‌ای برای نجات خود از این گرفتاری‌ها استفاده کنند- یک نقطه وجود دارد که در آن نقطه، هیچ اختلاف بین آنها نیست. حتی در عقیده توحید هم که متفق علیه است، ممکن است کسانی تفسیر و حرفی داشته باشند که آن دیگری قبول نداشته باشد؛ اما در این نقطه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن، محبت و ارادت به نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است. این، یک نقطه اجتماع و اتحاد است و روی آن بایستی تلاش شود. ما قبلًا هم این را گفته‌ایم، بعضی از اصحاب همت هم تلاش کرده‌اند که بر این اساس، اجتماعی بین فرق مسلمین به وجود آید. امروز هم کسانی که اهل همت‌اند، باید بر این اساس بنشینند و مسلمین را به این نقطه وحدت، متوجه و متنبه کنند.۱/ ۵/ ۱۳۷۶.

۳- اهل بیت علیهم السلام

از جمله عواملی که می‌تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه مسلمین می‌توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل‌بیت

ص: ۱۵۷

پیغمبر علیهم السلام است. اهل‌بیت پیغمبر علیهم السلام را همه مسلمین قبول دارند.

البته شیعه اعتقاد به امامت آنان دارد؛ غیرشیعه، آنان را به معنای امامت در اصطلاح شیعی، امام نمی‌داند، لکن از بزرگان اسلام که می‌داند، خانواده پیغمبر که می‌داند، مطلع از معارف و احکام اسلامی که می‌داند. مسلمین باید در عمل به کلمات ائمه علیهم السلام و اهل‌بیت پیغمبر علیهم السلام، اتفاق کلمه کنند. این یکی از وسایل وحدت است.۲۴/ ۵/ ۱۳۷۴.

۴- ولایت

ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، درهم‌پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه شئون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می‌کند. ولایت، یعنی پیوند. «وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یُهاجِرُوا ما لَکُمْ مِنْ وَلایَتِهِمْ مِنْ شَیْءٍ حَتّی یُهاجِرُوا.» (انفال: ۷۲) یعنی این. پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست.

ص: ۱۵۸

پیونـد ولایـت که یـک پدیـده سیاسـی، یک پدیـده اجتماعی و یک حادثه تعیین کننـده برای زنـدگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کار کردن حاصل می‌شود؛ لـذاست که در نظام اسـلامی، «ولی» از مردم جـدا نیست. ولایت که معنایش پیونـد و پیوسـتگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می‌آیـد، یک جا هم به معنای پشتیبانی می‌آیـد که همه اینهـا در واقع مصـادیق به هم پیوسـتگی، وحـدت و اتحـاد است و الاـ معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است.

اگر با این دید به جامعه اسـلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعـاد عجیبی می‌یابـد که بسـیاری از معـارف اسـلامی را برای ما معنی می‌کنـد. به سـمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهـت ولاـیت اللَّه حرکـت کردن اسـت. همه ذرات عـالم، خـواه و نـاخواه در چنـبر ولاـیت الهی، در دایره ولاـیت الله قرار دارنـد و انسان‌هـای آگاه، مختار، تصـمیم‌گیرنده و دارای حسن انتخاب، عملًا هم ولایت الهی را برمی‌گزیننـد و در آن راه حرکت می‌کننـد؛ محبت الهی را کسب می‌کنند و خود از محبت پروردگار، پر می‌شوند.

صفـای دنیای اسـلام و محیط اسـلامی و محیط معنوی، ناشـی از همین ولایت اللَّه است. این ولایت الهی، با ولایت خداونـد در عالم سیاست و محیط سیاسی، تفاوت جوهری ندارد؛ حقیقت هر دو

ص: ۱۵۹

یکی است. لذا در نظام اسلامی، حکومت با محبت، با ایمان، با وحدت و هم‌دلی، همچنین با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت و با هم بودن اجزای مردم است؛ اینهاست که مصداق حقیقی ولایت را در جهان متشتّت و متفرق و متنازع، متمایز و مشخص می کند و نشان می‌دهد که این نظام اسلامی است.

وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام ولایت، باید تعاطف، هم‌دلی، تعاون و همکاری باشد؛ لذا شما در آیات کریمه قرآن هم که نگاه می کنید، می‌بینید این مسئله همکاری و هم‌دلی و همراهی، بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحاً در این معناست، مثل «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً» و غیراینها. آیاتی هم هست که اگرچه به صراحت در این معنا نیست، اما مفاد و جهت حقیقی آن، اتحاد دل‌ها و جان‌ها و هم گامی انسان‌هاست و می‌دانید که امیرالمؤمنین علیه السلام، مظهر هم‌دلی یک رهبری سیاسی، یک حاکم سیاسی و یک ولی و امام، با آحاد مردم است. مثال زدنی‌تر از امیرالمؤمنین علیه السلام هم نمی‌شود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد- علی‌ولی الله- ولایت به معنای حقیقی این است ما از اول در نظام مقدس جمهوری اسلامی، به برکت وحدت و اتحاد، هر کاری کردیم و توانسته‌ایم بکنیم.. ۲۷/ ۱/ ۱۳۷۷.

ص: ۱۶۰

فلسطین، مسئله دنیای اسلام

رهبر انقلاب درباره فلسطین یادآوری می‌کند:

امروز مسئله فلسطین، مسئله دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه ماست. اگر فلسطین در این صحنه رویارویی شجاعانه‌ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موفقیت همه دنیای اسلام است، اما هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه ذلت روز افزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این مسئله را مسئله خود بداند. درست است که همه ما وظیفه شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم، اما حرف من امروز فراتر از وظیفه شرعی است. می‌گویم امروز هر حادثه‌ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هرجا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی- چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند- مربوط است و بر آنها هم اثر می‌گذارد. امروز ملت‌های مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده‌اند.۴/ ۲/ ۱۳۸۰.

ص: ۱۶۱

وظیفه جامعه تشیع و جامعه تسنن

۱– برادری اسلامی و پرهیز از اختلاف اختلاف و دعوا

اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند. نگفته است برادرانی که سنّی‌اند یا شیعه‌اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان «انّما المؤمنون اخوه» هستند. هر کسی به این کتاب، به این قرآن، به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی می‌کنیم برای زدن به سینه برادران! در همه بخش‌ها هم مقصرینی هستند. جلوی اینها را باید گرفت و با اینها باید مقابله کرد. ۱۸/ ۲/ ۱۳۸۳.البته اگر بخواهیم به وحدت و هم‌دلی برسیم، نیاز نیست به گذشته‌ها برگردیم و اختلاف و درگیری‌هایی را که با توطئه دشمنان میان مسلمانان ایجاد شده بود، آیینه دیدگان خود قرار دهیم. رهبر انقلاب به این نکته اساسی چنین توجه دارد:

سال‌ها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل‌سنّت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنّی و سنّی، شیعه بشود.

ص: ۱۶۲

نه، مراد از وحدت این نیست، بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلًا او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم.

اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این‌قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خون‌ریزی و این‌طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد. اگر کسی مخلصاً للّٰه احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد.۵/ ۱۰/ ۱۳۶۸.جامعه شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما «الحمدللّٰه الذی جعلنا من المتمسّکین بولایه امیرالمؤمنین» را رها نمی‌کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام- که نعمت بزرگ خداست- را محکم نگه می‌داریم، اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی‌کنیم. این وظیفه جامعه تشیع است. آنچه که دشمن می‌خواهد، این است که با هم اختلاف کنیم.

وظیفه جامعه تسنن هم همین طور است. برادران اهل تسنن هم بدانند که نقشه دشمن، ایجاد اختلاف است، ایجاد تعصب است، برادرکشی است؛ به کمتر از برادرکشی هم راضی نمی‌شوند.

ببینید الان در بغداد و شهرهای مختلف عراق چه می‌کنند! مسجد

ص: ۱۶۳

شیعه، مسجد براثا، حرم مطهر امامین عسکریین علیهما السلام، مسجد کوفه، هرجا دستشان برسد، هرجا یک جمعی که فکر می‌کنند آنها شیعه‌اند، آنجا انفجارات درست می‌کنند و انسان‌های بی‌گناهی را به قتل می‌رسانند. این را دشمن می‌خواهد. دشمن دارد آنها را تغذیه مالی می‌کند. سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست، اما رؤسایشان می‌دانند. این را امریکا می‌خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند. ۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵ متأسفانه شماری از علمای خشک‌اندیش و سطحی‌نگر با جمود فکری خود، کمک بزرگی به دشمنان اسلامی می‌کنند:

آن روحانی‌نمایی که در یک کشور دور دست، به عنوان خطبه جمعه یا غیرجمعه می‌ایستد و به جای اینکه به امریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه‌ای از فرق مسلمین حمله می‌کند، این کار ساده و بی‌مقدمه و بی‌ارتباط به حیات دوباره اسلام نیست. آن کسی که علناً و آشکارا، مقدسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدف‌های مشخص و تعریف شده استکبار است. روی این برنامه‌ریزی و کار و سیاست‌گذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم- متأسفانه- داخل ایران پول

ص: ۱۶۴

خرج می‌کنند. ۱۳/ ۵/ ۱۳۷۵. ایشان در جایی دیگر در این باره می‌فرماید:

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند. این گروه‌های تکفیری نادان- حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است- اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت اینهاست.۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۵.

۲- دشمن‌شناسی

جهان اسلام همواره از دست افراد خودی آسیب‌های جدی دیده است:

اینجاست که مسئله اتحاد و وحدت اسلام و تفاهم اسلامی معنا پیدا می‌کند. ببینید این قضیه چه‌قدر مهم است! ببینید این مسئله برای فردای دنیای اسلام، چه‌قدر حایز اهمیت است! این قضیه‌ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام حساب کنند. من به همه می‌گویم؛ هم به اهل‌سنّت، هم به شیعه، هم به کتاب‌نویسان، هم به شعرا، هم به مطبعه‌چی‌ها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند،

ص: ۱۶۵

حرفی می‌زنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهم است. همه مخاطب به این کلامند. شیعه و سنّی ندارد. فرقی نمی‌کند؛ ایرانی و غیرایرانی ندارد. ۱۰/ ۵/ ۱۳۷۶.هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامی‌شان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشاند یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می‌کند و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است.۱۲/ ۱/ ۱۳۷۷.

۳- عبرت‌آموزی از تاریخ

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی و پیشرفت ملت‌های ما در میدان‌های دانش و سیاست و نوآوری را بزرگ‌ترین مانع سلطه و سیطره جهانی خود می‌شمارد و با همه توان با آن می‌ستیزد. تجربه دوران استعمار و نو استعماری پیش روی ما ملت‌های مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرا نوین است، باید از آن تجربه‌ها درس

ص: ۱۶۶

بیاموزیم و بار دیگر برای مدت طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلط نکنیم.۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۴. امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام، به وحدت احتیاج دارد. کدام منطق است که در مقابل این مسائل بتواند مقاومت کند تا اختلاف ایجاد شود؟ وحدت بر همه ضرورت‌ها و اولویت‌ها ترجیح دارد و از آنها اولی‌تر و مقدم‌تر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی‌فهمیم؟ بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه حساسی است. اگر دشمنان بتوانند با اعمال قدرت این منطقه را تصرف کنند، دنیای اسلام باز هم مثل دوران استعمار صد سال دیگر عقب خواهد افتاد و صد سال دیگر فاصله امت اسلامی با دنیای مدرن و صنعتی بیشتر خواهد شد. ما باید جوابش را بدهیم. امروز ما مسئول هستیم. امروز دولت‌ها، نخبگان، زبدگان، رجال فرهنگی و دینی مسئولند؛ همه ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسئولیم.۱۸/ ۲/ ۱۳۸۳.

۴- مسؤولیت‌شناسی علماء و روشنفکران مسلمان

علمای اسلام، روشن‌فکران مسلمان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان در دنیای اسلام، امروز وظیفه دارند تا آنجایی که توان آنها اجازه می‌دهد شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ابعاد عظمت

ص: ۱۶۷

این وجود بزرگ را برای مسلمانان و غیرمسلمانان ترسیم کنند.

این امر به اتحاد امت اسلامی و به خیزشی که امروز در نسل‌های جوان امت اسلام به سوی اسلام مشاهده می‌شود، کمک خواهد کرد.۳۱/ ۳/ ۱۳۷۹. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تَعالَوْا إِلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلّا اللَّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئًا.» آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلّمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض‌ورزیِ غرض‌ورزان و غفلتِ غافلان نیست؟ هرکسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذه است؛ چه شیعه باشد، چه سنّی.۱۷/ ۵/ ۱۳۸۵.

۵- استفاده طلاب از فرصت حج برای ایجاد و تحکیم وحدت اسلامی

نباید از نیروی عظیم و مناسک حج غافل ماند. کنگره‌ای که تمام مسلمانان از هر نقطه‌ای از دنیا مجتمع می‌شوند و یک رنگ، یک‌صدا و یک‌دل رو به سوی معبود و پیامبر بزرگوار اسلام می‌آورند. آنجاست که خود را واحد می‌بینند و بیشتر اعمال و رفتار خود را یکسان می‌یابند.

بنابراین، در این ایام باید سرمایه‌گذاری بیشتری برای دست‌یابی به

ص: ۱۶۸

وحدت اسلامی انجام گیرد. رهبر انقلاب این همایش بزرگ مسلمانان را فرصتی ارزشمند برای ایجاد وحدت می‌شمارد:

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج استفاده‌ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانان مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیدا کردن با هم نداشته‌اند. مدت‌ها بود که مسلمانان خواب بودند، غافل بودند؛ نوری نبود، برقی نبود، بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند؛ گرفتاری بود، اما نه آن‌قدر که مایه تنبه و بیداری شود و آن گرفتاری‌ها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود گذشت، درحالی‌که اجتماع حج برایشان فایده‌ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملت‌های در خواب غفلت نگه‌داشته شده و غافل از وضعیت خود، به فکر این بودند که گلیمشان را از آب حج بیرون بکشند و واجبشان را انجام بدهند و بروند. یک مدت، چنین بود.

امروز هم مسلمانان به خاطر گرفتاری‌هایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده‌اند، نهایت احتیاج را به هم‌فکری و همکاری دارند. این همکاری و هم‌فکری، امروز ممکن است؛ لکن در گذشته، ممکن نمی‌شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد. ۸/ ۲/ ۱۳۷۲. یکی دیگر از شرایط، همین «مسئله اتحاد مسلمین» است. حج باید آیینه اتحاد باشد، نه آیینه اختلاف. اگر قرار باشد ما همه

ص: ۱۶۹

یک‌جا جمع بشویم تا در آنجا یکی به یکی بگوید تو بدی، آن دیگری بگوید تو بدتری؛ این چه جمع شدنی است! اگر اختلافی هم وجود دارد، جای بروزش آنجایی نیست که خدای متعال فرموده است: جمع بشوید تا «لیشهدوا منافع لهم» که منافع خودشان را در آنجا به دست بیاورند. بعضی‌ها- حالا نگاه خوش‌بینانه همین است که بگوییم کج‌سلیقگی است، والا اگر به چشم بدبینانه نگاه کنیم، حرف‌های دیگر هم می‌شود زد- حج را جایی قرار می‌دهند برای دندان نشان دادن و لج‌کردن و چهره درهم کردن نسبت به اختلافات فرقه‌ای و طایفی؛ شیعه و سنّی را آنجا مقابل هم قرار دادن. چه‌قدر باید به ما بگویند تا باور کنیم که امروز بیش از گذشته اختلافات شیعه و سنّی یکی از محورهای اساسی است که دشمنان اسلام دارند رویش سرمایه‌گذاری می‌کنند. حاضرند پول‌های کلان خرج کنند که شیعه را علیه سنّی و سنّی را علیه شیعه تحریک کنند. یک عده بی‌عقل‌هایی هم هستند که بدون اینکه از این پول‌های کلان هم بگیرند، برای استکبار همین هدف را مفت و مجانی تأمین می‌کنند. خوب چرا؟

این خطایی است که معلوم نیست خدای متعال از آن بگذرد.۱/ ۹/ ۱۳۸۵. خدای متعال همه مسلمان‌ها را در یک مرکز واحدی جمع کند که واضح‌ترین منافع آن، برادران از هم جدا شوند و هر کس به گونه‌ای عمل کند. اینجا باید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد.۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱.

ص: ۱۷۰

دشمنان نیز چون می‌دانند مسلمانان در این ایام به هم نزدیک‌تر می‌شوند، از هیچ کوششی برای تفرقه و جدایی فروگذار نمی‌کنند: در این مجمعی که برای احساس یگانگی به وجود آمده، ما بنا کردیم در این گوشه و آن گوشه، به سر و کله هم زدن و اختلاف را تشدید کردن! این لج کردن با خدا نیست؟! ما- نه فقط تحلیلاً از روی اطلاع عرض می‌کنم- می‌دانیم که در خود آن مراکز، دست‌های استعمار کسانی را گماشته‌اند تا اینکه این اختلافات را تشدید کنند؛ یعنی آنجا افراد مأموری هستند که اصلًا مأموریتشان همین است که یک بهانه کوچکی از یک شیعه‌ای پیدا کنند، جنجال راه بیندازند، تکثیر کنند، فحش بدهند، اهانت کنند و دعوا راه بیندازند. اگر هم خبر نداشتیم، تحلیل هم این را نشان می‌داد. دلیلی نداشت که دشمنان وحدت اسلامی از این فرصت و امکان عظیم حج برای این مقصود استفاده نکنند. خبر هم داریم که چرا، افرادی را هم برای این کار اجیر می‌کنند.

مراقب باشید در این دام نیفتید. ایرانی چه شیعه‌اش و چه سنی‌اش مراقب باشد در این دام نیفتد.۱/ ۹/ ۱۳۸۵. خداوند حکیم عزیز را حمد سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گرد آمدن در خانه خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گل‌دسته تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بت‌های جاهلیت پیراست و مطاف

ص: ۱۷۱

مؤمنـان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه‌گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت‌اللّه را که سـدنه کعبه و خـدمه مطاف و مسـعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سـیادت خود کرده بودند، از آن مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه رسـیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت. حج را رمز وحدت و عظمت مسـلمین و هماهنگی و پیونـد میان آنان قرارداد و باطل‌السـحر بسـیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسـلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه خود به آن دچار می‌شونـد، مانند: بیگانه‌گرایی و خودفراموشـی و ترفندپذیری و غفلت از خدا و اسارت در دست اهل‌دنیا و بدبینی به برادران و شنودن سـخن دشمن درباره آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسـلامی و ناهشـیاری در برابر نقشه‌های دشـمنان دوباره اسـلام و مسـلمین و بسی بیماری‌های مهلک دیگر که در طول تاریخ اسـلام بر اثر تسـلط نااهلان و از خدا بی‌خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرن‌های اخیر، با حضور قدرت‌های اسـتعماری بیگانه در منطقه یا دست‌نشاندگان فاسد و دنیاپرستان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است.

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای

ص: ۱۷۲

خـاص و در زمـانی خـاص فرامی‌خوانـد و در اعمـال و حرکـاتی کـه مظهر هم‌زیسـتی و نظـم و همـاهنگی اسـت، آنـان را روزهـا و شب‌هـایی در کنار یکـدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحـدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان با تکیه بر مردم خود، از تکیه بر قدرت‌های بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز- یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی- این فاصله وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه وجودی آن می‌گردد و به جای آنکه هر قومیتی، وسیله و

ص: ۱۷۳

بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می گردد.۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰. بت‌های بزه کار استبداد و استعمار، حکم‌رانان از خدا بی‌خبر و قدرت‌های سلطه گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حج با مضمون سازنده و روشن و الهام‌بخش، به شدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته‌اند. آنها تبلیغات دامنه‌دار و خصمانه‌ای را به وسیله آخوندهای درباری و ریزه‌خوارن سفره عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و با هیاهو و جنجال خواسته‌اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه عبادات فردی نیست؛ غافل از آنکه هر انسان اندکی هوشمند هم به وضوح درمی‌یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جدا افتاده و هم‌صدایی صاحبان زبان‌ها و نژادها و ملیت‌ها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حبل‌الله با حالت طبیعی در حج منظور نمی‌بود و فقط عبادت و رابطه جداگانه انسان‌ها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از «کلّ فجّ عمیق» و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودن این راه، چرا؟ و حضور در مکه و سپس در عرفات و مشعر و منا، آن هم در ایام معدودات و روزها و ساعات معین برای همه مسلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه واحد، چرا؟۱۴/ ۴/ ۱۳۶۸

ص: ۱۷۴

۶- تقریب مذاهب

اشاره

افزون بر نمادها و محورهای عملی، جهان اسلام نیازمند تقریب بین مذاهب است. رهبر فرزانه انقلاب تشکیل تقریب را از نیازهای اساسی وحدت می‌شمارد:

امروزه تقریب یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود. این خلأ زمان است- بیش از همه زمان‌های دیگر- ما باید آن را پر کنیم. خوشا به حال انسان‌هایی که بتوانند خلأ زمان خودشان را پر کنند خواستِ لحظه را بفهمند و آن را برآورده نمایند. بعضی کارها اگر در لحظه‌ای خاص انجام بگیرد، مفید است. اگر در آن لحظه انجام نگیرد، ای بسا آن فایده را نخواهد داشت.

امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب- همان‌طور که مکرر گفته شده- غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی شود. شاید بعضی از سوءتفاهم‌ها، برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به‌طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است. حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید شود.

این گفت‌وگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود.

بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود.حدیث ولایت، ج ۸، ص ۷۹.

ص: ۱۷۵

۶/ ۱. فتواهای مشترک

در مرحله فقهی نیز تبادل‌نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضـی از فرق اسـلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشـرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. دیگران می‌توانند از آنها اسـتفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و اسـتنباطات اسـلامی از کتاب و سـنّت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضـی از فرق اسلامی باشد، دیگران از آن اسـتفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید. ما می‌بینیم گاهی فتوایی را از مذهبی نقل می‌کنند، درحالی‌که آن فتوا، فتوایی غریب در آن مذهب است ممکن است اهل آن مذهب از آن فتوا تحاشی بکنند یا اصراری به آن نداشته باشند. چرا ما نگردیم تا فتاوی مشترک را پیدا کنیم.حدیث ولایت، ج ۸، ص ۸۰.

۶/ ۲. تقریب عملی مهم‌تر از همه نتایج تقریب

در نهایت و شاید مهم‌تر از همه نتایج تقریب، تقریب عملی است، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه‌ای. اگر دشمنان بگذارند و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل‌التناولی است. ما در میان خودمان و در

ص: ۱۷۶

جوامع دیگر، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکرر این را دیده‌ایم که برادران شیعه و سنّی کنار هم می‌نشینند و در مسائل عملی و سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت اسلام، طوری با هم تبادل‌نظر می‌کنند که اصلًا به یادشان نیست که این مذهبش چیست و آن مذهبش چیست. ما همواره این احساس را در خود مشاهده کرده‌ایم و در بسیاری از معاشرانمان از اصحاب مذاهب مختلف، این را دیده‌ایم.

پس این سه مرحله است، هم در مرحله اعتقاد، هم در مرحله احکام فقهی و هم در مرحله همکاری عملی آنچه که اینها را تضمین می‌کند، این است که اولًا به توطئه دشمن هوشمندانه نگاه کنند. ثانیاً به آن مواردی از اسلام که این تقریب را تضمین می‌کند، بیشتر فکر کنند.همان، ص ۸۱.

۶/ ۳. توجه به مشترکات اسلامی به عنوان پایه‌های تقریب

در صدر فعالیت‌های مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله برای تقریب آن‌طور که من شنیدم و تا حدودی اطلاع دارم، توجه به حدیث ثقلین بود که بین مذاهب مختلف اسلامی مورد اتفاق است و متواتراً آن را نقل کرده‌اند. به همان شکلی که شیعه آن را نقل کرده، کتب برادران اهل سنّت هم پُر است. اگرچه به شکل دیگری هم نقل کرده‌اند. به هر حال، مسئله اهل بیت علیهم السلام و نظیر آن را که مورد قبول همه مسلمین است و همه مسلمین به آنان ارادت دارند و آنان را دوست می‌دارند و هر کدام به نحوی به آنان عقیده دینی دارند، محور قرار بدهند. در خود

ص: ۱۷۷

اسلام می‌شود مواردی را از متون اسلامی پیدا کرد که پایه‌های تقریب باشد.

۶/ ۴. جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز

این مجمع در مقام عمل هم باید گروه‌های تحقیقات علمی- چه در سایه همان دانشگاهی که ان‌شاءاللّٰه تأسیس خواهد شد و چه به شکل دیگر- به وجود بیاورد که بتوانند درباره مسائل قابل بحث در تقریب، تحقیق و بررسی کنند. البته یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز است.

چه در محیط شیعی چه در محیط سنّی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته می‌شود و پول‌هایی خرج می‌شود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این گونه آثار، همه‌جا هم منتشر می‌شود. ما نمی گوییم که در ایران مطلقاً منتشر نمی‌شود، نخیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده می‌شود. آثار کینه‌برانگیز و تفرقه‌انگیزی از طرفین منتشر می‌شود. یکی از موارد توجه این مجمع، باید همین مورد باشد.

بحث مذهبی بکنند، کتاب‌های متعدد بنویسند، استدلالات کلامی بکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتاب‌ها بیاورند- این مقوله دیگری است- اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است منتشر نکنند. روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعاً چگونه می‌تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف

ص: ۱۷۸

و نظارتی پیدا کند.

برای من کتاب‌های متعددی از نقاط مختلف عالم می‌رسد که پیداست اصلًا سعی افرادی بر این بوده که این کتاب‌ها برای ایجاد کینه و کدورت و بغض و نگرانی نوشته بشود. حال که در جمهوری اسلامی بحمدالله پرچم اسلام و قرآن بلند است و حالا ـ که شعارها، شعارهای اسلامی و پرجاذبه است، سعی می‌کنند از طریق دیگری، کینه این کشور، این ملت و این حکومت را در دل برادران مسلمان در نقاط مختلف عالم وارد کنند.

کتاب‌هایی مخصوص این کار می‌نویسند، دشمن که بی‌کار ننشسته است.حدیث ولایت، ج ۸، ص ۸۲.

۷- تهیه منشور وحدت

رهبر انقلاب، تهیه منشوری را که بیانگر چارچوب و اصول متفق‌علیه باشد، امری ضروری و لازم می‌شمارد و از همه اندیشمندان می‌خواهد هر چه زودتر به این کار دست بزنند:

چیزهایی مانع از اتحاد می‌شود، عمده آنها بعضاً کج فهمی‌ها و بی‌اطلاعی‌هاست. از حال هم خبر نداریم. درباره عقاید هم درباره تفکرات یکدیگر دچار اشتباه می‌شویم، شیعه درباره سنّی، سنّی درباره شیعه؛ فلان ملت مسلمان درباره آن ملت دیگر، درباره همسایه‌اش، سوءتفاهم‌ها، که دشمنان هم به شدت

ص: ۱۷۹

بر این سوءتفاهم‌ها دامن می‌زننـد. افرادی هم متأسـفانه بر اثر همین سوء فهم، سوءتحلیل، ندیدن نقشه کلی دشـمن، بازیچه این بازی دشمن قرار می گیرند و دشمن از آنها استفاده می کند.

گاهی یک انگیزه خیلی کوچک، انسانی را وادار می کند، حرفی بزند، موضـعی بگیرد، کاری بکند که دشمن در نقشه کلی خود از آن حرف استفاده می کند و شکاف را بین برادران زیاد می کند.

علاج اصـلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است. باید با هم متحد بشوند. علما و روشن‌فکران اسلام بنشینند و منشور وحـدت اسـلامی را تنظیم کننـد. منشوری تهیه کننـد تـا فلان آدم کـج‌فهم متعصب وابسـته به این یا فلان یا آن فرقه اسـلامی نتوانـد آزادانه جمـاعت کثیری از مسـلمانان را متهم به خروج از اسـلام کنـد، تکفیر کنـد. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ امروز از روشن‌فکران اسـلامی و علمای اسـلامی مطالبه می کند. اگر شما این را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد.در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۷/ ۱/ ۱۳۸۶. وظیفه علما، وظیفه سـنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسـلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند. می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند.۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۵

ص: ۱۸۰

کلام آخر رهبر انقلاب این است که می‌توان مشکلات جهان اسلام را برطرف کرد، اگر مسلمانان با اتکا به پروردگار، وحدت و تکیه بر نیروی امت بزرگ اسلامی، گام بردارند. مروری بر پیشینه هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام و آن‌گاه بررسی اهداف تقریب بین مذاهب اسلامی برای ایجاد وحدت اسلامی در فصل‌های آینده، دریچه‌هایی از عبرت و امید را به روی مسلمانان می‌گشاید.

ص: ۱۸۱

فصل سوم: حج و انسجام از منظر امام رحمه الله و رهبری

درآمد

از شـاخص‌ترین برنامه‌هـای جهـانی اسـلام فریضه حـج است که از جایگـاه ویژه و والا‌یی برخوردار است. انبیا از آدم تا خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله به حج اهتمام ورزیده‌اند و آن را در سرلوحه رسالت خویش قرار داده‌اند.

فریضه حـج اگرچه از ابعـاد متعالی مختلفی برخوردار است. ولی در اینجا به بُعـد اجتماعی و وحـدت‌بخش آن می‌پردازیم که بسـیار کم مطرح شده است و دشـمنان اسـلام نیز تلاش فراوانی کرده‌اند تا از تأثیر و نقش حج در تحکیم وحدت مسلمانان بکاهند. آنها با روش‌های مختلفی کوشـیده‌اند این عبادت جامع و مؤثر را به جنبه‌های خاص و صوری محـدود کننـد تا اهـداف و مصالح مسـلمانان تأمین نشود و در وضع اسف‌بار جوامع اسلامی تحولی به‌وجود نیاید.

بایـد اذعان کرد که متأسـفانه هنوز مسـلمانان معنای حـج را آن‌گونه که بایسـته است، درک نکرده‌انـد و از حج ابراهیمی و محمّدی بسیار فاصله

ص: ۱۸۲

دارند. امام خمینی رحمه الله در تشریح ابعاد مختلف فردی و اجتماعی حج می‌گوید:

حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب‌خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک انسان به خدا نمی‌رسد. حج، کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست‌وجو کرد. حج، پیام‌آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست و مناسک حج، مناسک زندگی است و از آنجا که جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج، تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج، عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۹، ص ۵۵۶.در حقیقت، جلوه اجتماعی سیاسی و وحدت‌بخش حج چنین است که این اجتماع عظیم، مرزهای جغرافیایی را کنار زده، نژادها و رنگ‌ها را نادیده گرفته و به فاصله‌های طبقاتی توجهی نکرده است و تنها ضابطه‌اش، تسلیم شدن در برابر امر خداست. آن کس که به آیین مقدس

ص: ۱۸۳

اسلام- که همان شریعت حنیف ابراهیم علیه السلام است- اظهار ایمان کند، می‌تواند در این وادی مقدس پا بگذارد و به انبوه زایران خدا بپیوندد. با جمع شدن این قطره‌های انسانی، اقیانوسی بزرگ از موحدان تشکیل می‌شود که اولین اثر آن، ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان این آیین است.

در این مراسم الهی، با کنار رفتن تفاخرها و امتیازات موهوم، احساس برادری و وحدت، در افراد ایجاد می‌شود و همه خود را در یک صف و در یک جهت و گرد یک محور می‌یابند. بدیهی است وقتی اقوام و امم مختلف از مناطق جداگانه زمین با همه تفاوت‌هایی که در نژاد و زبان و رنگ و سنن و آداب آنها هست، در یک جا جمع شوند و سپس یکدیگر را بشناسند و معلوم شود که کلمه حق، کلمه واحد آنهاست و معبود همه، یکی است و او خدای عزوجل است و قبله همه، یکی و آن کعبه است، اتحاد روحی آنها به اتحاد جسمی تبدیل می‌شود و وحدت کلمه، ایشان را به تشابه در عمل می‌کشاند. این از آن دیگری آنچه می‌پسندد، می‌آموزد و آن دیگری نیز خوبی‌های این را می‌گیرد و این به کمک آن می‌شتابد و برای حل مشکلات آن قوم کمر همت برمی‌بندد و به اندازه مقدور خود، یاری‌اش می‌دهد. در نتیجه، جامعه‌های کوچک به جامعه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود. آن وقت، نیروهای کوچک نیز به نیرویی بزرگ بدل می‌شود که کوه‌های بلند هم نمی‌توانند در مقابل آن مقاومت کنند و هیچ دشمن نیرومندی، حریف آن نمی‌شود.

حقیقت حج- به ویژه بعد اجتماعی و وحدت‌بخش آن- همان است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و نیز رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در سخنان خود به آن اشاره کرده‌اند.

ص: ۱۸۴

حج از نگاه امام خمینی (ره)

الف: حج از نگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

بنیان گـذار جمهوری اسـلامی ایران- حضـرت امام خمینی قـدس سـره- با ژرف‌اندیشـی بی‌نظیر خود، نقش حـج در تحکیم وحدت مسلمانان را- در رهنمودها و پیام‌های خود به حجاج بیت‌اللَّه‌الحرام- بیان کرده‌اند.

فلسفه و اهداف سیاسی و اجتماعی حج

۱. پیشرفت معنوی وسیاسی‌مسلمانان ورفع‌مشکلات‌جهان اسلام

لازم است زایرین محترم بیت‌اللّه الحرام از هر ملت و مـذهبی که هسـتند، به فرامین قرآن کریم گردن نهند و در مقابل سـیل شـیطانی بنیان کن اسلام‌زدایی شرق و غرب و وابستگان بی‌اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف

ص: ۱۸۵

الهی که آنان را به اعتصام به حبل‌اللّه فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی- سیاسی اسلام، در آن امکنه شریفه که به‌حق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربان‌گاه ابراهیمی- اسماعیلی توجه کنند که برای خدای تبارک و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود.. قرآن کریم می‌فرماید که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران: ۱۰۳). ما اگر همین یک آیه را، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند، تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می‌شود. اسلام برای مردم در هر ناحیه یک امور سیاسی- عبادی قرار داده است. این جماعات در تمام کشورهای مسلمین، و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی- سیاسی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل بکنند. و اجتماع کعبه، بزرگ‌ترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی‌تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمت‌ها و زحمت‌هایی و بدون یک

ص: ۱۸۶

خرج‌هایی که بر دولت‌ها باشد، مجتمع می‌شوند در آنجا و مع‌الأسف، استفاده از آن نمی‌شود».صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۷۳.به همین دلیل جهان اسلام را در موسم حج به اتحاد و وحدت فرا می‌خواند و آن را از وظایف مؤکد زائران بیت‌الحرام می‌شمارد:

«با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرق و تنازع بپرهیزید: «... وَ لاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ ...».

رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است، با تنازع و دسته‌بندی‌های موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد. ای زایران خانه خدا! در مواقف و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید». همان، ج ۶، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.«از جمله وظایف در این اجتماع عظیم [حج]، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است».صحیفه نور، ج ۷، ص ۳.

۲. متحدسازی مسلمانان در برابر جهان کفر و استکبار

حضرت امام قدس سره یکی از فلسفهٔ اساسی حج ابراهیمی را، ایجاد

ص: ۱۸۷

وحدت در صفوف مسلمانان برای رویارویی و مقابله با طاغوت و استکبار دانسته و می‌فرماید:

«یکی از فلسفه‌های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوت‌های جهان است و اگر خدای نخواسته از اعمال بعض زایران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه‌ای ایجاد گردد، موجب سخط رسول اللّه صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد. زایران محترم که در جوار خانه خدا و محل رحمت او هستند، با همه بندگان خدا با رفق و مروت و اخوت اسلامی رفتار نمایند و همه را بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه و محیط، از خود بدانند و همه باهم ید واحده و ملت واحد قرآنی باشند تا بر دشمنان اسلام و انسانیت چیره شوند».همان، ج ۱۱، صص ۸۹ و ۹۰. «دل میقات در هوای زایرانی می‌تپد که از کشور «لا شرقیه و لا غربیه» آمده‌اند تا با تلبیه و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند و با پشت پا زدن بر مکتب‌های شرقی و غربی و انحرافات ملی گرایی، فرقه‌زدایی نموده، با همه ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غم‌خوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند و با یدِ واحده بر دشمنان بشریت و زورگویان جهان‌خوار بتازند».صحیفه نور، ج ۷، صص ۸۳ و ۸۴.«اکنون که در مرکز اسلام حیات‌بخش به امر خدا و ندای رسولش

ص: ۱۸۸

گرد آمده‌اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده‌اید، باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرت‌ها از کشورهای اسلامی است و عملی کردن شعایر مواقف کریمه و مشاهد مشرفه در کشورهای خویش است».همان، ص ۹۰. «شرط همه مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیت‌های جاهلی و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سیلی خورده است و آن را مانع غارت‌گری‌های خود می‌داند و با تفرقه‌افکنی و نفاق‌پراکنی می‌خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد». همان، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.«امروز چاره چیست و برای شکستن بت‌ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و در بند کشیده‌شدگان جهان است. و این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است که ابراهیم خلیل اللّه و محمد حبیب‌اللّه، شروع و در آخرالزمان حضرت بقیهٔ اللّه- أرواحنا

ص: ۱۸۹

لمقدمه الفدا- تعقیب می کند». همان، ج ۱۰، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.«ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است. و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا ....» اعتصام به حبل اللّه، بیان هماهنگی جمیع مسلمین است برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی که اساس همه بدبختی‌ها و عقب‌افتادگی‌هاست. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه مسلمانان جهان را خواستارم».صحیفه نور، ج ۶، ص ۴. «از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا اللّه» از تحت اسارت قدرت‌های شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند». همان، صص ۳ و ۴.ایشان در جایی دیگر به این هدف اساسی حج چنین اشاره می کند:

«هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! به پا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدّرات خود دفاع کنید و از

ص: ۱۹۰

هیاهوی قدرت‌مندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است». . همان، ج ۹، ص ۲۶.«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه‌چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشن‌فکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشن‌فکران اجیر شده بلایی بر سر ملت و مملکت‌شان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است. امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشن‌فکرانشان شوند و آن‌ها را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست و آنان هادی هدایت‌کنندگان تا کنونند.

بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت‌ها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزاین سرشار و ثروت بی‌پایان می‌تواند تمام قدرت‌ها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست». صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۲۵.

ص: ۱۹۱

۳. بیداری مسلمانان

«آن حجی که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می‌روید حج این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم. بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دو تا قدرت چند صد میلیونی باشند. تمام گرفتاری‌ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد، منحرف کرده‌اند».صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۶۰. «امید است حجاج محترم بیت اللّه‌الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می‌باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند و برای بیداری مسلمانان و حکومت‌های آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند».همان، ص ۲۸۵.

۴. تحکیم برادری مسلمانان

«یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است». همان، ج ۵، ص ۵۲۴. «حج، بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف

ص: ۱۹۲

است، گِردهم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخص‌ها و رنگ‌ها و ملیت‌ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی صلی الله علیه و آله را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند». همان، ج ۱۱، ص ۳۷۲.«امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه، کوشا [باشند] و از اخوت ایمانی که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت ننمایند و از تفرقه‌افکنی که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند».صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۶.

نقش‌ها و وظایف زائران و حج‌گزاران

۱- تبادل نظر مسلمانان در حج

«بر ملت‌های اسلامی لازم است که در این اجتماع مقدس حج، اولًا در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل‌نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمّال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس، گرفتاری‌های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند».همان، ج ۱، ص ۲۹۵«فریضه حج یکی از بزرگ‌ترین فریضه‌های عبادی- سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگ‌ترین کنگره‌های جهان اسلام است. حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده و در مصالح اسلام و

ص: ۱۹۳

مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف، مشکلاتی را که برای همه مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است که اهمّ آن اختلاف‌انگیزی بین صفوف مسلمانان است، را چاره‌اندیشی بنمایید».همان، ج ۱۱، ص ۷۶.

۲- برائت از مشرکان در حج

«اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راه‌پیمایی با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان، امریکای جنایت‌کار را در کنار خانه توحید طنین‌اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند».صحیفه نور، ج ۷، ج ۱۱، ص ۳۴۶.

«ما با اعلام برائت از مشرکین، تصمیم بر آزادیِ انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و انشاء اللّه روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند».همان، ص ۵۳۷.

ص: ۱۹۴

«اگر ان شاء اللّه عموم زایران از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده‌اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد، ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخ‌های ستم فروخواهد ریخت. اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین برائت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملت‌های اسلامی و دولت‌های کشورهای اسلامی، با این همه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ‌نشینان نترسند و تحت تأثیر تبلیغات دروغین رسانه‌های طرفدار و جیره‌خوار ابرجنایت‌کاران واقع نشوند و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمت‌هایی که به آنها داده است، بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمک‌های خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت که ما قدر آن را نمی‌دانیم، تسلیم خواهند شد».صحیفه نور، ج ۷، صص ۸۵ و ۸۶.

۳. هشیاری در برابر توطئه اختلاف‌افکنی مسلمانان

امام خمینی قدس سره با بصیرت و ژرف‌نگری کامل خود خطر فتنه‌انگیزی و اختلاف‌افکنی بین حجاج مورد توجه قرار داده و به زایران بیت‌اللّه الحرام چنین هشدار می‌دهد:

مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که

ص: ۱۹۵

هستند، بایـد به خوبی بداننـد که دشـمن اصـلی اسـلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم‌الشأن صـلی الله علیه و آله ابرقـدرت‌ها، خصوصـاً امریکـا و ولیـده فاسـدش، اسـرائیل است که چشم طمع به کشورهـای اسـلامی دوخته و برای چپـاول مخـازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورهـا از هیـچ جنـایت و تـوطئه‌ای دست‌بردار نیسـتند. و رمز مـوفقیت آنـان در این توطئه شـیطانی، تفرقه انـداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی ... را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند و آن‌قدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده‌دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه بایـد هوشـیار باشـند و بداننـد که این کوردلان جیره‌خوار با اسم اسـلام و قرآن‌مجید و سـنت پیامبر می‌خواهند اسـلام و قرآن و سنت را از بین مسـلمین برچیننـد یـا لااقـل به انحراف کشاننـد. برادران و خواهران بایـد بداننـد که امریکا و اسـرائیل با اساس اسـلام دشـمنند؛ چرا که اسـلام و کتاب و سـنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌داننـد؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به پا خاست و انقلاب نمود و پیروز شد.صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۰۳.

ص: ۱۹۶

حج در دیدگاه مقام معظم رهبری

ب: حج در دیدگاه مقام معظم رهبری

اشاره

رهبر معظم انقلاب با نگرشی جامع، مسئله حج و اتحاد مسلمانان و انسجام اسلامی را در سال‌های متمادی- در سخنان و پیام‌های خود به حجاج بیت‌اللّه الحرام- تبیین کرده‌اند. مطالبی که پیش رو دارید، موضوع‌بندی اهم دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات ایشان در مقوله حج و وحدت مسلمانان است.

حج؛ رمز وحدت و نماد عظمت

«خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه خود به آن دچار می‌شوند، مانند: بیگانه‌گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدبینی به برادران و شنودن

ص: ۱۹۷

سخن دشمن درباره آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه شناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و تا هشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان دوباره اسلام و مسلمین و بسی بیماری‌های مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط نااهلان و از خدا بی‌خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرن‌های اخیر، با حضور قدرت‌های استعماری بیگانه در منطقه یا دست‌نشاندگان فاسد و دنیاپرستشان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است».سیدعلی خامنه‌ای، حدیث ولایت، تهیه و تنظیم: دفتر مقام معظم رهبری، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۷، صص ۱۴۳ و ۱۴۴. «موسم حج بار دیگر نمایشگاه عظیم خود را در پایگاه وحی و نبوت بر سر پا کرده و صحنه شگفت‌آور و شورانگیزی پدید آورده است.

رودهای خروشان ملت‌های مسلمان از همه سوی جهان در این اقیانوس فرو می‌ریزند و هم‌زیستی امت واحده را در زیر لوای توحید مجسم می‌کنند. احساسات در هم تنیده این مجموعه بشری، نمایشگر آرزوها و نیازها و دردها و توانایی‌های امت عظیم اسلامی است». گروهی از نویسندگان، اکسیر اعظم (درباره انسجام اسلامی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بی‌تا، ص ۱۴۰، پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام، ۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹.«شکوه و جلال این گردهم‌آیی بی‌نظیر، ما را با واقعیت امت عظیم اسلامی که فراتر از ملّت‌ها و نژادها و رنگ‌ها و زبان‌ها است، آشنا می‌سازد. این جمع درهم تنیده و هماهنگ، این زبان‌ها که همه به یک

ص: ۱۹۸

سخن مترنم‌انـد، این تن‌ها و دل‌ها که همه به یک قبله رو می‌آورنـد، این انسان‌ها که ده‌ها کشور و ملت را نماینـدگی می‌کنند، همه متعلق به یک واحد و یک مجموعه عظیمند و آن امت اسلامی است».۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۴ پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام

فلسفه و اهداف حج ابراهیمی

۱. امید و گشایش برای مسلمانان

«برادران و خواهران مسـلمان! روزهای حـج، روزهای امیـد و نویـد است. از سویی، شـکوه هم‌بسـتگی میان مسافران خانه توحید، در دل‌ها امیـد می‌آفرینـد و از سویی، طراوت یافتن جان‌ها به برکت ذکر الهی، گشایش درهای رحمت را نویـد می‌دهد».پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۴

۲. صفا و پاکی روح فردی و جمعی

«اینـک فرصت خودسـازی و بهره‌گیری از این آبشـار زُلالـ توحیـد و وحـدت فرا رسـیده است. لبیکی را که در آغـاز احرام بر زبان رانده‌ایـد، در دل خویش راسـخ کنیـد و دعوت خـدا را که با سـفر به حریم دوست اجابت کرده‌اید، با تأمل در معنا و هدف حج، از سود و ذخیره هر چه افزون‌تر، برخوردار سازیـد».پیـام به حجـاج بیت‌الله الحرام، ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۴. «فریضه حـج آن‌گاه که با معرفت و هوشیارانه به جای آورده شود، به مسلمان حج‌گزار و به امت بزرگ اسلامی فیض می‌بخشد، حاجی را به

ص: ۱۹۹

صفا و پاکی و معنویت سوق می‌دهد و امت را به اتحاد و عزت و اقتدار نزدیک می کند».پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام، ۲۹/ ۱۰/ ۱۳۸۳. ایشان در فرازی دیگر به تأثیر حج در تلطیف فضای معنوی و فرهنگی جامعه اشاره می کند:

«ما دیگر کدام واجب را داریم که این‌طور باشد. این عمل و فریضه، هم دل و روح و باطن خود انسانِ حج گزار را تصفیه می کند، نورانی می کند و به خدا نزدیک می کند؛ با استغفار و با تضرع و مناجات الهی آشنا و معنوی می کند؛ هم بر روی مسائل یک ملت اثر می گذارد؛ چون بخشی از مردم یک ملت وقتی در یک جهت خاصی، در یک سفری و با یک هدفی رفتند و برگشتند، هم گرایی آنها قهراً بیشتر می‌شود و سطح معنویت و اخلاق ملی بالا می‌رود».

۳. وحدت و اتحاد مسلمانان

«حج از یک طرف، مظهر معنویت است- ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هر چه بیشتر انسان به خدا- از یک طرف، مظهر وحدت است- یک‌پارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجاب‌ها و پُر کردن دره‌ها و شکاف‌هایی که یا به دست دشمن یا به وسیله تعصبات و اوهام به وجود آمده است، نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحده اسلامی است- و از طرف دیگر، مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است».دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران برگزاری حج، ۲۶/ ۱۱/ ۱۳۷۸.

ص: ۲۰۰

همه ساله، فریضه حج، درس توحید و وحدت را در کالبد این خانواده کهن‌سال و ریشه‌دار تزریق می‌کند و هر سال شکوفه‌های تازه‌ای، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودت اسلامی را نوید می‌دهد و ساخته‌های دست دشمن را باطل می‌سازد. این معجزه حج است که علی‌رغم وجود درگیری‌ها و منازعاتی که در آن، حکومت‌های مسلمان بارها در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملت‌های مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملت‌ها همواره رو به افزایش بوده است».پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام، ۲۸/ ۲/ ۱۳۷۲. «حج می‌تواند روح توحید را در دل‌ها زنده کند، تکه پاره‌های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلّتی که بر ایشان تحمیل کرده‌اند، نجات دهد».حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۵.

۴. برائت از کفر و شرک و طاغوت

«اینجا [مکه] اردوگاه بزرگ امت اسلامی است؛ اینجا جایگاه برائت از دیو و دَد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهد:

«ان لا تعبد الشیطان» و پاسخ به: «ان اللّه بریٌ من المشرکین و رسولُه» است.

اینجا محل تجلی امت واحده اسلامی و مظهر عزت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است».پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام، ۱/ ۱۲/ ۱۳۸۰.

ص: ۲۰۱

۵. تبادل نظر و انتقال تجارب

«حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره‌ای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرف‌ها و دردها و پیشرفت‌ها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدف‌ها و نتایج برنامه‌ریزی می‌شد و در این برنامه‌ریزی، دولت‌ها و علما و صاحب‌نظران و روشن‌فکران جهان اسلام، همکاری می‌کردند، ثمرات گران‌بهایی نصیب امت اسلامی می‌گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرئت می‌توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنان‌که شریعت اسلام خواسته است، مورد بهره‌برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است، خواهد رسانید».پیام به حجاج بیت اللّه الحرام، ۱۳/ ۳/ ۱۳۷۱.

۶. نمایش اقتدار و عزت مسلمانان

«در جنبه اجتماعی، حج در میان همه فرایض اسلامی بی‌همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه دیگری بدین‌سان به آحاد مسلمان، درباره مسائل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی‌آموزد و آنان را در روحیه واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی‌کند. تعطیل این بخش از حج، بستن

ص: ۲۰۲

سرچشـمه‌ای از خیرات به روی مسـلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی‌توانند بدان دست یابند».اکسیر اعظم، ص ۱۳۸، پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶.«حج، مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هر که از ایشـان را کـه بتوانـد، بـه نقطـه‌ای خـاص و در زمـانی خـاص فرا می‌خوانـد و در اعمـال و حرکـاتی کـه مظهر هم‌زیسـتی و نظم و همـاهنگی است، آنـان را روزهـا و شب‌هـایی در کنـار یکـدیگر مجتمع می‌سـازد، نخسـتین اثر نمایـانش، تزریق احسـاس وحـدت و جمـاعت در یکایـک آنان و نشان دادن شـکوه و شوکت اجتماع مسـلمین به آنان و سـیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. بـا احساس این عظمت است که مسـلمان اگر تنها در شـکاف کوهی هم زنـدگی کنـد، خود را تنها حس نمی‌کنـد. با احساس این حقیقت است که مسـلمین در هر یک از کشورهای اسـلامی، شـجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسـی- اقتصـادی دنیـای سـرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابنـد و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسـلمان بـا تکیه به مردم خود، از تکیه به قـدرت‌های بیگـانه، خود را بی‌نیـاز حس می‌کننـد و این فاصـله مصیبت‌بار میـان ملت‌های مسـلمان با دسـتگاه‌های حاکم بر آنان پدیـد نمی‌آیـد. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ اسـتعماری دیروز و امروز- یعنی احیـای احساسـات افراطـ‌آمیز ملی‌گرایی- این فاصـله وسـیع و عمیق میان ملت‌های مسـلمان را پدیـد نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی به جای آنکه رقیب و

ص: ۲۰۳

معارض هویت واحـده اسـلامی آنها باشد، بخشـی از آن و حاکی از سـعه وجودی آن می‌گردد و به جای آنکه هر قومیتی، وسـیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسـلامی می‌گردد».اکسیر اعظم، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.«حکمت بـدیع اسـلام، این آزمایش شـگفت‌آور و پر از رمز و راز را چنان ترتیب داده است که همین یک واجب [حج] بتواند در همه قرون و اعصار و با هر اندازه گسترشـی که دامنه اسـلام در شرق و غرب گیتی به دست آورده است، یک‌پـارچگی و اتصـال اجزای این پیکر عظیم را تأمین کنـد ... همه در یک جا و همیشه در یک فصل، ... چه آن هنگام که سـفر کعبه مشـتاقان بیت از برخی نقاط عالم یک سال به طول می‌انجامید و چه امروز که دشـمنان امت اسلامی برای پوشش تبلیغات زهرآگین خود به سراسر کره زمین به بیش از یک ساعت نیاز ندارند، همیشه اجزای این پیکر عظیم و پراکنده، به این مرکز وحدت و قدرت که برای آنان کانون صـفا و برادری و معنویت و توحید و معرفت و اطلاع است، نیاز داشـته‌اند». همان، ص ۱۳۲، پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام، ۱۴/ ۲/ ۱۳۷۴.

۷. ایجاد و احیای هویت مشترک

«در بُعد سیاسـی، محور اصـلی در حج، نمایش هویت متحد امت اسلامی است. دوری برادران از یکدیگر، عرصه را برای بدخواهان می‌گشاید و تخم تفرقه میان مسلمانان را بارور می‌کند. امت اسلامی از

ص: ۲۰۴

ملت‌ها و نژادها و پیروان مذاهب گوناگون تشکیل یافته است. این تنوع که با پراکندگی جغرافیایی در بخش حساس و مهمی از کره زمین همراه است، می‌تواند خود نقطه قوتی برای این پیکره عظیم به شمار آید و میراث و فرهنگ و تاریخ مشترک آنان را در گستره‌ای پهناور، از کارآمدی بیشتر برخوردار سازد و انواع استعدادها و قابلیت های انسانی و طبیعی را در خدمت آن به کار گیرد». پیام به حجاج بیت‌اللَّه الحرام، ۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵.«حج، ملت‌ها، رسوم، زبان‌های مختلف و افراد ناآشنا را در یک نقطه جمع می‌کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می‌بخشد.

خوب؛ توقع چیست؟ توقع این است که دستاورد واحدی پیدا کنند. آن دستاورد واحد چیست؟ چیزی که فضلا از شخص واحد به همه ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند، نه به یک ملت واحد، چیست؟ آن عبارت است از چیزی که بین ملت‌هاست؛ که همان اسلام است. بین ملت‌های صاحب نژادهای مختلف که همه مسلمانند، آنچه مشترک است، چیست؟ آن، آرمان‌ها، آرزوها، اهداف و عشق‌های اسلامی است که اسلام برای آنها معیّن کرده است. پس حج می‌خواهد این را تأمین کند.

شرقی، غربی، سیاه و سفید و صاحبان زبان‌های گوناگون که اینجا جمع شده‌اند، چند روز عمل واحدی انجام می‌دهند: در یک نقطه عبادت می‌کنند، می‌خوابند و می‌نشینند. این کارها برای یک امر فراملیتی و فراشخصیتی است. و الّا ممکن بود این اعمال را هر کس در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد؛ چرا مردم را به یک نقطه خاص کشاندند؟ برای اینکه باهم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن چیزی را

ص: ۲۰۵

که فراتر از مجموعه‌های ملی است؛ یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند. آن همان چیزی است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، از روز اول تا به حال روی آن تأکید می کند و می گوید حج، برای آشنایی مسلمانان با یکدیگر، اتحاد و تأمین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک؛ یعنی «برائت از مشرکین» است». دیدار با کارگزاران حج، ۱۶/ ۱/ ۱۳۷۴.«جنبه دنیایی و مربوط به زندگی حج هم بی‌نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست، بلکه مربوط به همه دنیای اسلام است. خدای متعال نقطه‌ای را معین فرموده و در زمانی معلوم- ایام معلومات- همه مسلمانان را به آن نقطه دعوت کرده است. آیا می‌شد که همه مسلمانان، نه یک‌پارچه، که در گروه‌های مجزا و نه در ایامی معلوم، که در طول سال در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منا و مشعر و عرفات، جمع شوند؛ چون اگر حرکت مردم به این مناطق اصل قضایا بود، می‌شد همه را در طول یک سال در آنجا جمع کنند. اینکه خدای متعال امر به تجمع همه مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ بدیهی است تجمعی با این کیفیت، به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر بیابند؛ یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیع‌تر، احساس عظمت ناشی از اجتماع ملت‌ها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس مورد توجه نبود، لزومی

ص: ۲۰۶

نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج مقرر شود». دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳. «حج ... یک حرکت دسته‌جمعی است. دعوت الهی به حج برای آن است که مؤمنان، خود را در کنار یکدیگر ببینند و نمادی از وحدت پیکره مسلمین را به چشم خود بنگرند». پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام، ۲۹/ ۱۰/ ۱۳۸۳.

نقش‌ها و وظایف زائران و حج‌گزاران

۱. دعوت مسلمانان به وحدت

«بایستی تفهیم کرد که وحدت بین مسلمین، به صد دلیل، واجب و به صد دلیل، ممکن است. بایستی دنبال کرد که این نکته در تبلیغات زبان‌دان‌ها و مبلغان و گویندگان و حتی حجاج معمولی که ممکن است رفیقی از یک کشور پیدا کنند و با او دو کلمه حرف بزنند، رعایت شود.

دشمنان وحدت چه کسانی هستند که می‌شود در دنیا یکی یکی آنها را با انگشت نشان داد؟ طرفداران وحدت چه کسانی هستند؟ آیا خدا و ملایکه و انبیا و اولیا از وحدت خرسند می‌شوند، یا ناراضی؟ اینها را می‌شود کاملًا با وجدان معمولی دینی و اسلامی مشترک بین همه مسلمین فهمید». دیدار با حجت‌الاسلام ری‌شهری و دست اندرکاران امور حج، ۱۳/ ۱۲/ ۱۳۷۶.... ما مسلمانان را دعوت به اتحاد می‌کنیم. این اتحاد، نه علیه مسیحیان یا سایر ادیان و ملت‌ها، بلکه برای مقابله با متجاوزان و اشغالگران و جنگ‌افروزان، برای اجرای اخلاق و معنویت و احیا عقلانیت و عدالت اسلامی و پیشرفت علمی و اقتصادی و بازیابی عزت

ص: ۲۰۷

اسلامی است».پیام به حجاج بیت‌اللَّه الحرام، ۲۹/ ۱۰/ ۱۳۸۳. «حجاج بیت‌الله الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم در خانه خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و هم‌دلی مسلمانان- که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه جهانی است- و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله سازند». اکسیر اعظم، ص ۱۳۳، پیام به حجاج بیت‌اللَّه الحرام، ۷/ ۴/ ۱۳۶۹.

۲. تبادل‌نظر پیرامون مسائل و مشکلات جهان اسلام

«... مسائل دنیای اسلام، مسائل مهمی است. این مسائل کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می‌توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می‌گیرد، به گوش دنیا و سیاست‌های خائن برسانند؟» دیدار با مسئولان و دست اندرکاران حج، ۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳. «حج جای تزاور است: تشاور، تزاور، تعاهد. مسلمانان باید یکدیگر را باز بیابند، نه فقط اجسام یکدیگر را، بلکه دل‌ها و فکرهای یکدیگر را.

ملت‌های گوناگون باید شکل امت اسلامی را در آنجا پیدا کنند؛ احساس وحدت کنند؛ مشکلات بین خودشان را برطرف سازند؛ از مشکلات هم مطلع شوند و مسائل اساسی امت اسلامی را جست‌وجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است».دیدار با اعضای برگزارکننده حج، ۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱.

ص: ۲۰۸

۳. برادری اسلامی و پرهیز از اختلاف و خشونت

رهبر معظم انقلاب با نگاه تیزبین خود، ضمن تأکید بر رفتار منظم و صحیح مسلمانان در حج، مسئله اتحاد و برادری را مورد توجه قرار می‌دهد و مسلمانان را از دام خشونت و جدال در حج بر حذر می‌دارد.

ایشان در این باره می‌فرماید: «ادب حج، مسالمت و مداراست. خشونت کردن با مؤمنین، دعوا کردن با برادران و فسوق و جدال در حج، ممنوع است. ادب حج، فرو رفتن در حقیقت معنای حج و بهره‌برداری کردن و توشه گرفتن از آن برای همه دوران زندگی است. ادب حج، برادری و ایجاد محبت و وحدت است. فرصت ایجاد وحدت بین ملت‌های اسلامی و شعوب اسلامی، فقط در حج فراهم می‌شود. این همه انسان از اقصا نقاط عالم، همه به عشق کعبه، به عشق مرقد پیغمبر، به عشق ذکر الهی، به عشق طواف و سعی، خود را به آنجا رسانده‌اند؛ این فرصت برادری مغتنم است».دیدار با دست‌اندرکاران مراسم حج، ۳۰/ ۹/ ۱۳۸۳. «حجاج عزیز ایرانی را به کوشش هر چه بیشتر برای کسب فیض معنوی و حفظ متانت و وحدت و شرکت در جماعات و کسب ذخیره روحی و اخلاقی فرا می‌خوانم».اکسیر اعظم، ص ۱۳۴، پیام به حجاج بیت‌اللّه الحرام، ۲۳/ ۱۲/ ۱۳۷۸.«من به برادران عزیز- چه مسئولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی- توصیه می‌کنم: ... رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی

ص: ۲۰۹

از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم.

۴. برائت از دشمنان اسلام و مسلمین و حمایت از محرومان و مستضعفان

کار واجب در آنجا [موسم حج] چیست؟ این است که ملت‌ها به هر نحو که بتوانند نسبت به مصالح دنیای اسلام دل‌بستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند. این کمترین کاری است که می‌شود در حجی که اسلام معیّن کرده است، انجام داد و از آن متوقع بود». دیدار با مسئولان و دست اندرکاران حج، ۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳.«حج باید بر دل‌های خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را- که همانا اتحاد و هم‌بستگی ملت‌های مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهان‌خواران و غارتگران ثروت‌های مادی و معنوی مسلمین است- به آنان نشان دهد». حدیث ولایت، ج ۷، ص ۳۱.

تهدیدات و لزوم هشیاری زائران و روحانیون

رهبر معظم انقلاب در موضوع حج، به کمین دشمنان اسلام و توطئه آنان برای ایجاد تفرقه در موسم حج پرداخته‌اند و ضمن اشاره به عوامل ناآگاه این توطئه، ضرورت هوشیاری مسلمانان به‌ویژه روحانیون دینی را گوشزد کرده‌اند:

«اینهایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف‌افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحیر خود هستند، همان سرانگشت‌های دانسته یا نادانسته‌ای هستند که این ذخیره را نابود می‌کنند

ص: ۲۱۰

و از بین می‌برند».دیدار با کارگزاران مراسم حج، ۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۱.«حج باید آیینه اتحاد باشد، نه آیینه اختلاف. اگر قرار باشد ما همه یک جا جمع بشویم تا در آنجا یکی به یکی بگوید تو بدی، آن دیگری بگوید تو بدتری، این چه جمع شدنی است! اگر اختلافی هم وجود دارد، جای بروزش آنجایی نیست که خدای متعال فرموده است: جمع بشوید تا «لیشهدوا منافع لهم» که منافع خودشان را در آنجا به دست بیاورند. امروز بیش از گذشته اختلافات شیعه و سنی یکی از محورهای اساسی است که دشمنان اسلام دارند رویش سرمایه‌گذاری می‌کنند.

خدای متعال همه مسلمان‌ها را در یک مرکز واحدی جمع کند که واضح‌ترین منافع آن، احساس اجتماع، احساس اتحاد و احساس یگانگی است؛ آن وقت در این مجمعی که برای احساس بیگانگی به وجود آمده، ما بنا کنیم در این گوشه و آن گوشه، به سر و کله هم زدن و اختلاف را تشدید کردن! این لج کردن با خدا نیست؟» دیدار با کارگزاران سازمان حج و زیارت، ۱ / ۹/ ۱۳۸۵.«امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. در حج، فرصت خوبی برای آنهاست تا شیعه را از سنی و سنی را از شیعه عصبانی کنند. در همه دوران سال و در همه میدان‌ها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. بعد از گذشت قرنها روبه روی هم بنشینند- مثل کسانی که در جنگ با همدیگر

.

ص: ۲۱۱

روبه‌رو می‌شونـد- با دل‌های پر کینه نسبت به یکـدیگر حرف بزننـد. این او را سب کند، او این را سب کند، هیچ بُعدی ندارد که به خصوص در این روزگار بسیار حساس، در مراسم حج کسانی را اجیر کنند، برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند. شما باید هوشیار باشـید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروان‌هاباید با احساس مسئولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهـد».دیـدار با مسؤلان و دست‌انـدرکاران مراسم حـج، ۳۰/ ۹/ ۱۳۸۳.«در چنین حـالتی که دشـمن، بـا اسـلام به مخالفت پرداخته و به خصوص روی تفرقه بین مسـلمین سـرمایه گذاری می‌کند، مسـئولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شـرایطی چه‌قدر می‌تواند معنی‌دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترفندهای دشـمن و خنثی کننده نقشه‌های استکبار و صهیونیسم باشد! حج، این گونه است. چرا بعضـی نمی‌خواهند از این نعمت الهی، آن چنان که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟ چرا نمی‌خواهند دل‌ها به هم نزدیک شود، ذهن‌ها روشن گردد، دشـمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزاری و برائت جوینـد؟». اکسـیر اعظم، صـص ۱۳۳ و ۱۳۴. دیـدار با کارگزاران و مسـئولان حج، ۱۶/ ۱۲/ ۱۳۷۵.«شما باید هوشـیار باشـید؛ مردم هوشـیار باشـند؛ روحانیون محترم کاروان‌ها باید با احساس مسـئولیت تمام نسـبت به این قضـیه، متوجه باشـند؛ بداننـد دشـمن چه می‌خواهـد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال اینکه از حقیقت دفاع می‌کند، از نقشه دشـمن دفاع کند و برای دشمن کار کند.

دیگران پول می‌گیرند، مزدور می‌شوند و این کار را می‌کنند؛ عده‌ای عوام

ص: ۲۱۲

سطحی متعصب را هم ممکن است علیه شما، علیه عقایدتان و علیه مقدساتتان تحریک کنند. اگر با عمل متقابلی مواجه شوند، بلاشک به هدف خودشان رسیده‌اند؛ آنها همین را می‌خواهند؛ می‌خواهند ما را با هم گلاویز کنند تا خیال خودشان را راحت کنند».اکسیر اعظم، ص ۱۳۶؛ دیدار با دست‌اندرکاران حج، ۳۰/ ۹/ ۱۳۸۳. «در این عرصه عظیم [حج]، در همان حال که ذکر خدا: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» (بقره: ۲۰۰) و اعلام برائت از مشرکان: «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ» (توبه: ۳) رکن حج محسوب می‌شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران- یعنی اجزای این امت واحده- جدایی و دشمنی بیافریند، نیز در حد اعلاست؛ تا آنجا که حتی بگومگوی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی‌نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِي الْحَجِ» (بقره: ۱۹۷) آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان- یعنی دشمنان بنیانی امت واحده توحیدی- لازم می‌شود، جدال با برادران مسلمان- یعنی اجزای بنیانی امت واحده توحیدی- ممنوع و حرام می‌گردد و بدین‌گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می‌یابد». همان، صص ۱۴۶ و ۱۴۷، پیام به حجاج بیت‌اللّه‌الحرام، ۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰. «حجی که در آن هیچ گونه نشانه‌ای از بعد عمومی حج و موضوع وحدت و اتحاد مسلمین و تجهیز جهان اسلام و افکار عمومی دنیای

ص: ۲۱۳

اسلام در مقابل کفر و استکبار و ظلم و عناد جهانی نباشد، همان حج ناقصی است که ما سال‌های متمادی از آن رنج بردیم و این همه امام از آن نالیدند و ما همیشه آن را رد کردیم.»همان، ص ۱۴۶. دیدار نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج، به اتفاق‌جمعی ازاعضای «بعثه» با مقام معظم رهبری، ۱۷/ ۳/ ۱۳۷۲.

ص: ۲۱۴

کتاب نامه

۱. عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۲. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۳. فیض‌الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیضیه، چاپ دوم، ۱۳۵۱.
۴. قانع، احمدعلی، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. حسنی ندوی، القادیانی و القادیانیه، تحقیق: ابوالحسن علی، جده، الدارالسعودیه لنشر، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه. ق.
۶. صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ق.
۷. افتخاری، اصغر، وفاق ملی و جامعه‌شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

ص: ۲۱۵

۸. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۹. حر عاملی، محمدحسن، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۷۶ ق.

۱۰. فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، اصفهان، مکتبهٔ الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.

۱۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ق.

۱۲. سید شرف الدین موسوی، مباحثی عمیق در وحدت امت اسلامی، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات صادق، ۱۳۶۲.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

۱۴. بلخی (مولوی)، جلال الدین، مثنوی و معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۱۳ ق.

۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، ۱۴ ق.

۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجهٔ البیضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۱ ق.

۱۸. احمد بن محمد، ابن حنبل، المسند، قاهره، دارالجیل، ۱۴۱۰.

۱۹. حکیمی، محمدرضا، مشعل اتحاد، تهران، مؤسه انجام کتاب، ۱۳۶۰.

۲۰. حاضری، مهدی، امام خمینی و وفاق اجتماعی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۹.

۲۱. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۱.

۲۲. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران.

۲۳. صدیقی، حکیم، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی.

۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲۵. جمعی از نویسندگان، راهبردهای اسلامی خدمتگزاری به مدیران نظام اسلامی

ص: ۲۱۶

(رهنمودهای رهبر معظم انقلاب) مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲.
۲۶. فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، ۱۳۴۲.
۲۷. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۲۸. جامع سیدجوادی، کمال، اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ، تهران، نشر میثاق، ۱۳۵۸.
۲۹. گروهی از نویسندگان، پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۰. گروهی از نویسندگان، آرمان تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۸۴.
۳۱. گروهی از نویسندگان، نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری (فصل وحدت)، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲.
۳۲. شایان‌فر، سلیمان، وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری، نشر نذیر.
۳۳. کلیه سخنرانی‌ها و مکتوبات مقام معظم رهبری از خرداد ۱۳۶۸ تا مهر ۱۳۸۵.
۳۴. گروهی از نویسندگان، اکسیر اعظم (درباره انسجام اسلامی)، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

مقالات

۱. فرزادی، مختار، مقاله «نقش قانون‌گذاری در ایجاد وحدت و اتحاد دل‌ها»، روزنامه خراسان، ۱۳/ ۷/ ۱۳۷۸.
۲. قدیر، ناصر، مقاله «از وفاق ملی تا عمل به وعده‌ها»، راه مردم، ۱۴/ ۸/ ۱۳۸۴.
۳. اسماعیلی، حسین، مقاله «استراتژی الفت»، روزنامه جام جم، ۲۱/ ۴/ ۱۳۷۹.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹